

عرف و عنعنات ناپسند
و
تطبيق قانون منع خشونت عليه زن
در افغانستان



© UNAMA



UNAMA

هيئت معاونت ملل متحد در افغانستان



OHCHR

دفتر کمیشنری عالی ملل متحد برای حقوق بشر

کابل، افغانستان ، 9 دسمبر 2010

عرف و عنعنات ناپسند
و
تطبيق قانون منع خشونت عليه زن
در افغانستان

هيئت معاونت ملل متحد در افغانستان

دفتر کميشنري عالی ملل متحد برای حقوق بشر

کابل، افغانستان ، 9 دسمبر 2010

فهرست

I.....	خلاصه گزارش	1
VII.....	اصطلاحات و اختصارات:	7
IX.....	روش شناسی (میتدلوژی)	9
1.....	زمینه	1
2.....	چهارچوب حقوقی	2
2.....	2.1 چهارچوب قانون اساسی مرتبط با عرف و عنعنات ناپسند	2
3.....	2.2 قانون منع خشونت علیه زن	3
5.....	2.3 معیارهای حقوق بین الملل	5
6.....	3. عرف و عنعنات ناپسند در افغانستان	6
7.....	3.1 ازدواج اجباری	7
12.....	3.2- بد دادن یا به ازدواج درآوردن دختران جهت حل منازعات	12
18.....	3.3 بدل (تبادلہ زنان یا دختران به منظور ازدواج)	18
21.....	3.4 ازدواج زود هنگام	21
29.....	3.5 طویانه گزاف (هزینه هنگفت ازدواج)	29
31.....	3.6 ازدواج اجباری زنان بیوه و حق ارث	31
35.....	3.7 محدودیت بر رفت و آمد زنان	35
37.....	3.8 قتل‌های ناموسی	37
40.....	3.9 خودسوزی؛ به مثابه یک واکنش در برابر عرف و عنعنات ناپسند و خشونت علیه زنان	40
43.....	3.10 فرار از منزل به مثابه واکنش در برابر عرف و عنعنات ناپسند و خشونت	43
45.....	3.11 اثرات رسوم زیان آور بر دسترسی زنان به آموزش و مراقبتهای صحی مناسب	45
52.....	4. واکنش دولت در مقابل عرف و عنعنات ناپسند	52
52.....	4.1 تطبیق قانون منع خشونت علیه زن تا اکنون	52
53.....	3.2 تنفیذ قانون و دسترسی به عدالت	53
57.....	5. نقش علمای دینی	57
58.....	6. نقش دولت: ترویج گفت‌وگو ملی در مورد اسلام و حقوق بشر	58
59.....	7. پاسخ بین المللی	59
60.....	7.1 نقش بخش حقوق بشر یوناما در بهبودی و حفاظت حقوق زنان	60
61.....	8. پیشنهادات:	61

خلاصه گزارش

گسترده‌گی عرف و عنعنات ناپسند از قبیل ازدواج زودهنگام (ازدواج در سنین پائین)، ازدواج اجباری، به ازدواج در آوردن دختران جهت حل منازعه (بد دادن)، ازدواج سر بدل و قتل‌های ناموسی سبب تحقیر، رنج و انزوای میلیون‌ها زن افغان می‌شود. اینگونه عنعنات ریشه در دیدگاه‌ها و باورهای تبعیض آمیز نسبت به نقش و جایگاه زنان در جامعه افغانستان دارند. بسیاری از افغان‌ها به شمول یک تعداد از علمای دینی با استناد به تفسیرشان از اسلام این عنعنات را تقویت می‌کنند، در حالیکه در بسیاری از موارد این عنعنات مطابق با شریعت اسلامی و قوانین افغانستان و همچنان حقوق بین الملل نبوده و در نتیجه منجر به نقض حقوق بشری زنان می‌گردد.

گزارش بخش حقوق بشر یوناما تحت عنوان "عرف و عنعنات ناپسند و تطبیق قانون منع خشونت علیه زن در افغانستان"، عنعنات مشخصی را در سراسر افغانستان که حقوق زنان و دختران را نقض می‌کند، به تصویر کشیده و واکنش دولت جمهوری اسلامی افغانستان را در برابر این عنعنات توضیح و پیشنهاداتی را جهت پایان دادن به آن ارائه می‌نماید. بر اساس یک تحقیق وسیع و مصاحبه با زنان، مردان، مقامات دولتی، علمای دینی، فعالان حقوق زنان، نهادهای مدنی و گروه‌های اجتماعی در 29 ولایت از 34 ولایات افغانستان در سال 2010، بخش حقوق بشر یوناما دریافته است که چنین عرف و عنعنات در میان تمام جوامع افغانستان اعم از شهری و روستائی و در میان تمام اقوام افغانستان به درجات مختلف و به طور فراگیر وجود دارد. بر اساس یافته‌های فوق، این عنعنات به خاطر نارسائی دولت در حفاظت از حقوق زنان و دختران، گسترده‌تر و عمیق‌تر شده است. بر این اساس، گزارش ضرورت تسریع تطبیق قانون منع خشونت علیه زن را که بسیاری از این عنعنات را جرم دانسته، برجسته ساخته است.

در این گزارش عنعنات ناپسند که هم در قوانین افغانستان جرم دانسته شده و هم در مغایرت با احکام شرعی قرار دارد، درج می‌باشند و گزارش به مواد مربوط به قانون منع خشونت علیه زن و احکام شرعی که مکمل آن می‌باشند، استناد نموده است. در استناد به احکام شرعی با تعداد زیادی از کارشناسان مسائل اسلامی بحث شده که تحلیل بخش حقوق بشر یوناما از شریعت اسلامی در روشنائی آن صورت گرفته است. در این گزارش، نقش علمای دینی، متنفذین و میکانیزم سنتی حل منازعات، هم در تداوم و هم در محو عنعنات ناپسند برجسته گردیده است. گزارش یافته‌های خویش را بر اساس برداشت جامعه از عنعنات ناپسند، ارائه می‌کند تا دولت، علمای دینی، اجتماعات و تمویل کنندگان بین المللی بتوانند در روشنائی آن تدابیر بهتری را جهت خاتمه دادن به این عنعنات اتخاذ نمایند.

در ماه اگست 2009 دولت افغانستان قانون منع خشونت علیه زن را وضع نمود که اگر درست تطبیق می‌شد بسیاری از عنعنات ناپسند را از بین می‌برد. قانون مذکور در صدد از بین بردن عنعنات، رسوم و رفتارهایی است که باعث خشونت علیه زنان می‌گردند و در تناقض با دین اسلام قرار دارند. این قانون ازدواج‌های اجباری، ازدواج‌های زودهنگام، خرید و فروش زنان حتی به منظور ازدواج، اجبار به خودکشی، انزوای اجباری و منع از تحصیل، کار و دسترسی به خدمات صحتی را غیر قانونی می‌داند. قانون منع خشونت علیه زن صلاحیت اتخاذ تدابیر بازدارنده را به هفت وزارت دولت جمهوری اسلامی افغانستان به منظور تطبیق این قانون و ایجاد کمیسیون عالی منع خشونت علیه زنان، تفویض نموده است. با اینکه قانون منع خشونت علیه زن گام بزرگی در راستای حمایت از حقوق بشری زنان در افغانستان می‌باشد، ولی بخش حقوق بشر یوناما بعضی خلاهایی را نیز در این قانون مشاهده نموده است، مانند: جرم ندانستن اعمال خلاف که تحت نام دفاع از ناموس انجام می‌شوند، عدم تعریف دقیق از تجاوز جنسی (عناصر متشکله آن) به منظور تشخیص آن از عمل

"زنا" و لزوم توقف اقدامات عدلی علیه متهم یا مجرم در صورت انصراف متضرر. با وجود این خلاها، بخش حقوق بشر یوناما و بسیاری از مدافعین حقوق زنان بر این باور هستند که آگاهی دهی راجع به این قانون و تطبیق کامل آن در حال حاضر یک ضرورت مبرم برای حفاظت از حقوق زنان و دختران می‌باشد. با وجود این، بخش حقوق بشر یوناما به این عقیده است که تضمین کامل حقوق زنان با نگرانی این قانون را ایجاب می‌نماید.

بخش حقوق بشر یوناما دریافته است که در موارد زیادی مجریان قانون یا مایل به تطبیق قوانین مدافع حقوق زنان نیستند و یا هم قادر به تطبیق آنها نمی‌باشند که این حالت انفعالی یکی از عوامل اساسی تداوم عنعنات ناپسند می‌باشد. این بخش مشاهده نموده است که در بسیاری از مناطق و ولایات دوردست مردم و مقامات دولتی از نافذ بودن قانون منع خشونت علیه زن مطلع نیستند و در نتیجه این قانون تطبیق نشده باقی می‌ماند، در حالیکه در بعضی از مناطق با وجود آگاهی پولیس و ارگان‌های عدلی و قضائی از قانون مذکور، باز هم آنها جهت تطبیق درست آن به رهنمودهای بیشتری از سوی دفاتر مرکزی‌شان ضرورت دارند.

بخش حقوق بشر یوناما ملاحظه نموده است که بعضاً تفاسیر مشخصی از احکام دینی جهت توجیه تعدادی از عنعنات ناپسند استفاده می‌شود، در حالی که این عنعنات با تعالیم دین اسلام سازگار نیست. با در نظر داشت اینکه اسلام جایگاه محوری در قانون اساسی دارد، گزارش به صورت مستند ابراز میدارد که در شریعت اسلامی ازدواج اجباری و به ازدواج درآوردن دختران جهت حل منازعه (بد دادن) و بعضی دیگری از رسوم و عنعنات ناپسند ممنوع می‌باشد. بر این اساس، بخش حقوق بشر یوناما پیشنهاد می‌نماید که دولت افغانستان ابتکار عمل را در انکشاف تفسیری جامع از احکام شرعی بدست گرفته و نشان دهد که حقوق تضمین شده در قوانین ملی و بین المللی با قواعد و آموزه‌های دینی سازگار است.

به ازدواج درآوردن دختران جهت حل منازعات تحت عنوان "بد" یکی از شدیدترین نوع خشونت علیه زنان در افغانستان می‌باشد. بخش حقوق بشر یوناما دریافته است که بد دادن دختران در سراسر افغانستان صورت می‌گیرد در حالی که این عمل در قانون جرم دانسته شده است. با وجود فراگیر بودن بد دادن در افغانستان، بسیاری از زنان و مردان در جریان مصاحبه‌ها و مباحثات، مخالفت شدید خویش را نسبت به آن ابراز داشتند. زنان در ولایت فاریاب به بخش حقوق بشر یوناما گفتند که دختری که به بد داده میشود "هرگز در خانواده شوهرش مورد احترام قرار نمی‌گیرد و آنها وی را شریک جرمی که توسط عضو مرد خوانده‌اش ارتکاب یافته، می‌دانند و به عنوان یک خدمتکار و یک وسیله انتقام با او رفتار می‌کنند و بعضاً او مجبور می‌شود تا با حیوانات در طویله شب را سپری کند.

با استفاده از مباحثی که در سراسر افغانستان صورت گرفت و تحلیل قضایای گزارش شده به بخش حقوق بشر یوناما، این بخش دریافته است که بسیاری از ازدواج‌ها در افغانستان به خاطر فقدان رضایتی که به طور آزادانه و آگاهانه ابراز شده باشد، اجباری می‌باشند که از جمله شامل بد دادن دختران، ازدواج زودهنگام (که طبیعتاً اجباری است)، اجبار زنان بیوه به ازدواج با خویشاوندان شوهر متوفی‌اش و ازدواج سربدل می‌شود.

ازدواج دختران زیر سن 16 سال، و بعضاً در موارد محدودی تحت شرایط خاص زیر سن 15 سال، در قوانین افغانستان ممنوع می‌باشد، در حالی که ازدواج دختران خردسال در سراسر افغانستان و در بین تمام اقوام ساکن در افغانستان معمول می‌باشد. آمار دقیق از این گونه ازدواج‌ها در دست نیست ولی مطالعات بخش حقوق بشر یوناما نشان می‌دهد که تقریباً نصف دختران در افغانستان قبل از تکمیل 15 سال به ازدواج داده می‌شوند.

با وجود وسعت ازدواج‌های اجباری در افغانستان، تمام مردان و زنانی که در این گزارش مصاحبه شده‌اند، ازدواج زودهنگام یا زیر سن قانونی را یکی از جدی‌ترین عنعنات ناپسند در افغانستان دانستند. آسیب به صحت، تحصیل و رفاه دختران از جمله پیامدهای ماندگار این گونه ازدواج‌ها می‌باشد. افغانستان بلندترین نرخ مرگ و میر مادران را در جهان دارد و بسیاری از این مرگ و میرها دامنگیر زنانی می‌شود که قبل از سن 16 سالگی به ازدواج داده شده‌اند.

مصاحبه شوندگان و آنان که در مباحثات گروهی اشتراک نموده بودند طویانه گزاف را یکی از عنعنات ناپسند در افغانستان قلمداد کردند. با در نظر داشت فقر گسترده در افغانستان، طویانه زیاد، معمولاً به ازدواج‌های اجباری، ازدواج‌های زودهنگام، فروش دختران و خشونت‌های خانوادگی منجر می‌شود. در نتیجه این گونه طویانه‌های گزاف، بعضاً مردان به خاطر مقروض شدن شدید و مجبور شدن به کارهای سخت جهت ادای قرض خویش، عقده‌ای شده و این عقده خویش را بالای همسران خود می‌گشایند.

بخش حقوق بشر یوناما هیچ توجیهی را در قوانین افغانستان و شریعت اسلامی برای محدود کردن آزادی رفت و آمد مشروع زنان که بر اساس عنعنات اعمال می‌شود، نمی‌بیند. یک زن عضو پارلمان افغانستان به بخش حقوق بشر یوناما گفت: "به من اخطار داده شد که کار نکنم، به این خاطر که کار زن بیرون از منزل ننگ است و در شریعت اسلامی ممنوع می‌باشد و معاش که من دریافت می‌کنم حرام می‌باشد، بنا بر این من باید درخانه بمانم".

بخش حقوق بشر یوناما مواردی از قتل‌های ناموسی را، ثبت نموده است که توسط یک یا چند تن از اعضای فامیل قربانی به باور اینکه وی مایه سرافکندگی خانواده شده، ارتکاب گردیدند. معمولاً قربانی این قتل‌ها زنان می‌باشند. اکثراً فرار از منزل جهت نجات از یک ازدواج اجباری و دخیل بودن در یک رفتار سوال برانگیز (مشکوک) با یک مرد، منحصراً رسوایی و سرافکندگی برداشت می‌شود. روی این ملحوظ، گزارش حاضر تعدیل قانون جزاء را جهت حذف تخفیف در نظر گرفته شده برای مرتکبین قتل‌های ناموسی، پیشنهاد می‌کند.

خودسوزی یکی از پیامدهای غم‌انگیز عرف و عنعنات ناپسند است که در بعضی نقاط کشور این روند رو به رشد می‌باشد. یک داکتر مسئول در تنها مرکز ویژه درمان سوختگی در افغانستان، ازدواج اجباری را عامل اصلی خودکشی معرفی کرد. وی گفت "زنان جوان در بدل گوسفند یا حتی تریاک به ازدواج مردان پیر درآورده یا فروخته می‌شوند ... آنها گاهی برای نجات از فشار از ناحیه شوهر یا مادر شوهر، از شوراهای محلی کمک می‌خواهند که در آنجا نیز مورد تحقیر و سوء استفاده قرار می‌گیرند".

پولیس و ارگانهای عدلی و قضائی اکثراً در تطبیق یکسان قانون ناکام بوده‌اند. آنها یا مایل به تطبیق قوانینی که حقوق زنان را مورد حمایت قرار می‌دهند، نبوده و یا هم‌قادر به تطبیق آن نمی‌باشند. ارگانهای مذکور اکثراً در اجرای عدالت گزینشی عمل می‌کنند. در مواردی که زنان منحصراً ناقض هنجارهای اجتماعی معرفی می‌شوند، آنها قضیه را مورد پیگرد عدلی قرار می‌دهند ولی در مواردی که زنان قضایای خشونت علیه خویش را گزارش می‌دهند یا ازدواج‌های زودهنگام به آنها گزارش داده می‌شوند، به سادگی می‌گویند "اینها مسائل شخصی و خانوادگی است" و به پیگیری آن اقدام نمی‌کنند. این وضعیت توسط تعداد زیادی از زنانی که به خاطر ارتکاب "جرایم اخلاقی" در محابس، سلب آزادی شده‌اند؛ بیان گردید.

در مواردی که وضعیت اجتماعی و فرهنگی به زنان اجازه مخالفت با عنعنات ناپسند یا فرار از خشونت را نمی‌دهد، آنها بعضاً به خاطر نجات از خشونت دست به فرار از منزل می‌زنند. با وجود اینکه فرار از منزل در قوانین افغانستان جرم نیست ولی مجریان قانون اکثراً دخترانی را که به آن متوسل می‌شوند؛ دستگیر، توقیف و

تحت تعقیب عدلی قرار می‌دهند. اتهام وارده در این موارد معمولاً "قصد ارتکاب عمل زنا" می‌باشد. چندین مطالعات نشان می‌دهد که نصف بازداشت شده گان زن که تقریباً به 300 نفر می‌رسند به اتهام جرایم اخلاقی توقیف شده‌اند. به طور مثال در جلال آباد هنگامی که پولیس کشف نمود که یک دختر 17 ساله در یکی از هتل‌ها تنها (بدون محرم) می‌باشد وی را به اتهام قصد ارتکاب جرم زنا دستگیر نمود. تحقیقات بخش حقوق بشر یوناما بعداً دریافت که دختر مذکور در سن 13 سالگی به ازدواج داده شده بوده و علاوه بر تحمل بد رفتاری، توسط خانواده شوهرش از تمام مرادات با اقا ریش محروم شده بود.

بخش حقوق بشر یوناما، پیشرفت‌هایی را نیز در قسمت عکس العمل دولت در مقابل عنعنات ناپسند ثبت نموده است. بعضاً مقامات دولتی از دخترانی که به ازدواج‌های اجباری اعتراض داشتند، حمایت کامل به عمل آوردند. در دسامبر 2009 در ولایت نیمروز، خانواده یک دختر 12 ساله با ازدواج دخترشان با مردی مخالفت کردند که ده سال قبل در زمانی که دختر دوساله بود وی را به عقد آن مرد در آورده بود در حالی که مرد مذکور آن زمان 60 ساله بود. ده سال بعد از عقد، زمانی که مرد مذکور خواستار رسمی شدن ازدواج گردید، دختر این خواست را رد کرده و گفت که وی حاضر نیست همسر یک مرد 70 ساله شود. خانواده دختر، پولی را که از جانب مقابل به این منظور گرفته بود، برگرداند و پولیس نیز هشدار داد که آن مرد نمی‌تواند با دختر مذکور با اجبار ازدواج کند.

بخش حقوق بشر یوناما دریافته است که بعضی از علمای دینی و منتقدین جامعه در تداوم عرف و عنعنات ناپسند تلاش کرده‌اند، در حالیکه این عنعنات در تناقض با معتقدات اسلامی قرار دارند. بسیاری از مردان و زنانی که مصاحبه شدند گفتند که تدویر برنامه‌های آموزشی و فراهم نمودن زمینه تحصیلی برای علمای دینی یکی از راه‌های اختتام عرف و عنعنات مذکور می‌باشد. پند و اندرزهای این علماء می‌تواند جامعه را نسبت به عرف و عنعنات ناپسندی که با شریعت اسلامی سازگار نیست و باعث تبعیض علیه زنان می‌گردد، آگاه نماید. بعضی از این علمای دینی در حمایت از حقوق زنان صحبت‌های موثری انجام داده‌اند. در یک کنفرانس که به مناسبت روز جهانی زن در سال 2010 در شهر جلال آباد دایر گردیده بود، 15 عضو شورای علمای ولایت ننگرهار تعهد کردند که در آموزش‌های خود در مساجد نسبت به عرف و عنعنات ناپسند به مردم آگاهی دهند. واحد حقوق بشر، نمونه‌هایی از شخصیت‌های با نفوذ مذهبی را می‌شناسد که ازدواج‌های سربدل و طویانه گزاف را تقبیح می‌کنند.

تطبیق درست قانون منع خشونت علیه زن مستلزم سرمایه‌گذاری زیاد روی ظرفیت‌سازی کارمندان ارگان‌های تنفیذ قانون و ارائه خدمات به قربانیان خشونت می‌باشد. محکومیت بر اساس قانون مذکور می‌تواند در جلوگیری مرتکبین خشونت علیه زنان از ارتکاب خشونت، ممد واقع شود و در عین زمان باید عامه مردم افغانستان از موجودیت قانون مذکور و رفتارهایی که این قانون جرم دانسته، مطلع شوند. آگاهی عامه در سراسر افغانستان راجع به پیامدهای اجتماعی منفی عرف و عنعنات ناپسند نیز برای رسیدن به این هدف ضروری می‌باشد. همین طور برای تطبیق درست قانون منع خشونت علیه زن، جامعه مدنی باید در قسمت فعالیت‌های نظارت، آگاهی‌دهی و دادخواهی مورد حمایت قرار گیرد.

بخش حقوق بشر یوناما به این باور است که تا زمانی که زنان و دختران در معرض رسومی که به آنها ضرر رسانده و یا آنها را مورد تحقیر و توهین قرار داده و از حقوق اولیه‌شان محروم می‌سازد، قرار داشته باشند؛ پیشرفت واقعی و پایدار در عرصه حقوق زنان بسیار اندک خواهد بود. تامین حقوق زنان و دختران در افغانستان، مانند حق اشتراک در امور جمعی به شمول اشتراک در پروسه جاری صلح، مصالحه و ادغام مجدد، دسترسی به مراقبت‌های صحی کافی، دسترسی مساوی به فرصت‌های شغلی و تحصیلی، نه تنها مستلزم ضمانت‌های قانونی می‌باشد بلکه مهمتر از آن تطبیق درست آن ضمانت‌ها را نیز ایجاب می‌نماید. بخش حقوق

بشر یوناما از دولت افغانستان، علمای دینی، مردم افغانستان و تمویل کنندگان بین المللی درخواست می‌کند که تمام تدابیر لازم را به منظور خاتمه دادن به عرف و عنعنات ناپسند و تطبیق کامل و بدون تأخیر قانون منع خشونت علیه زن، اتخاذ نمایند.

پیشنهادات کلیدی:

- دولت افغانستان در بالاترین سطح به شمول رئیس جمهور به طور علنی روی این موضوع تأکید نماید که انکشاف و حفاظت حقوق زنان، بخش جدا ناپذیر و یکی از اولیتهای اصلی برنامه صلح، مصالحه و ادغام مجدد در سراسر افغانستان و همچنین ستون فقرات استراتژیهای اقتصادی، سیاسی و امنیتی می‌باشد.
- دولت پروسه تطبیق پلان کاری ملی برای زنان افغانستان، به ویژه اتخاذ یک استراتژی ملی برای تطبیق قانون منع خشونت علیه زن را تسریع ببخشد. به عنوان یک قدم فوری، رئیس جمهور می‌تواند طی فرمانی زنان و دخترانی را که به خاطر "فرار از منزل" دستگیر و زندانی شده‌اند، آزاد نماید. (معمولاً زنانی که از منزل فرار می‌کنند به قصد ارتکاب عمل زنا متهم می‌شوند).
- ستره محکمه و لوی څارنوال، ذریعه متحد المالها و رهنمودها به محاکم و څارنوالیها دستور دهند که قانون منع خشونت علیه زن را تطبیق نمایند. پولیس و څارنوالان مطابق قانون، تمام شکایاتی را که در رابطه با عرف و عنعنات ناپسندی که در قانون جرم دانسته شده و به ادارات آنها تقدیم می‌گردد، ثبت نمایند. دفتر لوی څارنوالی به تحقیق و تعقیب عدلی شکایات متذکره فوراً اقدام نماید.
- وزارت عدلیه در همکاری با کمیسیون عالی منع خشونت علیه زن باید برنامه‌های آموزشی و ظرفیت سازی را راجع به قانون منع خشونت علیه زن، به شمول شناسائی، تحقیق و تعقیب عدلی و قضایی ازدواج‌های اجباری و ازدواج‌های زودهنگام و بد دادن دختران برای تمام کارمندان ارگان‌های تنفیذ قانون، دایر نمایند.
- علمای دینی همراه با وزارت حج و اوقاف و وزارت امور زنان باید برای ملا امامان مساجد و معلمان مسائل دینی، پروگرام‌های آموزشی را راجع به حقوق زنان و قانون منع خشونت علیه زن، انکشاف داده و دایر نمایند. علمای دینی باید به طور صریح راجع به تناقض عنعنات ناپسند با تعالیم دینی و اصول اسلامی صحبت نمایند و مباحث باز را راجع به حقوق زنان در میان کارشناسان مسائل اسلامی برگزار نمایند.
- تمویل کنندگان بین المللی باید حمایت‌های خویش را از ابتکارات دولت افغانستان که به منظور تطبیق قانون منع خشونت علیه زن و تطبیق پلان کاری ملی برای زنان افغانستان روی دست گرفته می‌شود، افزایش دهند.

اصطلاحات و اختصارات:

اصطلاحات	اختصارات
کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان	CEDAW
ریاست امور زنان (نماینده‌گی وزارت امور زنان در سطح ولایت)	DoWA
قانون منع خشونت علیه زن	EVAW Law
وزارت امور زنان	MOWA
سازمان غیر دولتی	NGO
بخش حقوق بشر یوناما هیئت معاونت ملل متحد در افغانستان	UNAMA HR
صندوق انکشافی سازمان ملل متحد برای زنان	UNIFEM

اصطلاحات دری، پشتو و عربی

بد (بد دادن)	دادن دختر به منظور ازدواج جهت حل منازعات ناشی از یک قضیه قتل یا هتک ناموس.
بدل	تبادلہ دختران به منظور ازدواج بین دو خانواده با رعایت شرایط قانونی.
حدیث	گفتار و رفتار پیامبر اسلام (ص) که نقل و ثبت شده است.
حرام	آن چیزی که در شریعت نامشروع یا ممنوع دانسته شده است.
حدود (جمع حد)	مجازات‌هایی است که نوع، میزان و کیفیت آن در شرع تعیین شده است و الزامی می‌باشد. به قول مشهور هفت نوع جرم مستوجب مجازات حد می‌باشد مانند: زنا، سرقت، قذف، قطع الطریقی، بغی، ارتداد و سکر.
ایجاب و قبول	ابراز پیشنهاد ازدواج (توسط زن) و قبول آن (توسط مرد) با رعایت شرایط خاص.
جرگه	گروهی متنفذین جهت مشاوره و حل یک مشکل.
محرم	در تعریف کلی، محرم عبارت از زوج و زوجه به یکدیگر و سایر خویشاوندان که ازدواج شخص با آنها حرام می‌باشند.
مرکه (معرکه)	هیئت متشکل از متنفذین که برای میانجگری بین خانواده‌ها تشکیل می‌شود.
مهر	پول یا دارایی قابل تملک که پرداخت آن از طرف شوهر به زن منحیث بخشی از عقد ازدواج تعهد می‌شود.
نکاح شغار	تبادلہ دختران یا زنان به منظور ازدواج بدون در نظر داشتن رضایت آنها و بدون پرداخت مهر.
نقده	نیازمندی‌های متعارف زندگی است که یک انسان به آن ضرورت دارد، مانند خوراک، پوشاک، مسکن، تداوی و سایر نیازمندی‌ها، که در رابطه زناشویی، شوهر مکلفیت تامین آنرا دارد.
احکام شرعی	به مجموع از احکام گفته می‌شود که از قرآن مجید و احادیث و تعالیم دینی استنباط شده باشند.
شنگری	عمل فرار از منزل (با فرد مورد نظر).
تعزیر	مجازات که اندازه و کیفیت آن توسط قانون گذار تعیین می‌گردد.
لوار، قلین، طویانه:	مقدار پول یا مال که خانواده عروس از خانواده داماد می‌طلبد و این غیر از مهر می‌باشد که از نظر شرعی و قانونی حق عروس می‌باشد.
ولی	سرپرست منافع شخصی که ناقص اهلیت می‌باشد (مانند طفل یا افراد دارای معلولیت عقلی). شخصی که قانوناً سلطه و اقتدار اجرای امور مربوط به غیر را دارا می‌باشد.

نماینده شخص در اداره امور محوله
مقاربت جنسی بین زن و مرد خارج از رابطه زوجیت.

وکیل
زنا

روش شناسی (میتد لوژی)

بخش حقوق بشر یوناما در افغانستان، که در عین حال از دفتر کمیته‌ی عالی ملل متحد برای حقوق بشر نیز نمایندگی می‌کند، با استفاده از حضور ساحوی‌شان در سراسر کشور تحقیقاتی را به منظور تهیه این گزارش در سال 2010 به راه انداخت. در مجموع 150 مصاحبه انفرادی و گروهی را در این مدت کارمندان بخش حقوق بشر یوناما انجام دادند. این مصاحبه‌ها با زنان قربانی خشونت، مدافعین و فعالین حقوق بشر، نمایندگان سازمان‌های زنان، وکلای مدافع، فعالان اجتماعی، متخصصین مراقبت‌های صحی، اعضای شوراهای ولایتی، خبرنگاران، مجریان قانون (به شمول مقامات عدلی و قضائی)، مسئولین ادارات محلی وزارت‌های صحت عامه، حج و اقامت، امور زنان، اطلاعات و فرهنگ و همچنین کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان صورت گرفت. کارمندان بخش حقوق بشر یوناما مباحثات گروهی را (به طور مختلط و جداگانه) میان زنان و مردان بشمول معلمین، کارمندان مراقبت‌های صحی، دانشجویان مکاتب و دانشگاه‌ها، زنان شاغل در منزل و متنفذین اجتماعی و علمای دینی در مناطق مختلف افغانستان تسهیل نمودند.

تلاش شدند که مباحثات و مصاحبه‌ها تا حد ممکن نمونه‌ای از جمعیت افغانستان را از جهت تنوع در بر بگیرند و به همین دلیل این مباحثات و مصاحبه‌ها در مناطق شهری و روستائی و ولایتی: کابل، کاپیسا، لوگر، پنجشیر، پروان، وردک، کندز، تالقان، فاریاب، هرات، غور، بادغیس، فراه، بامیان، دایکندی، پکتیا، پکتیکا، خوست، غزنی، نیمروز، ارزگان، سرپل، جوزجان، بلخ، فاریاب، سمنگان، ننگرهار، لغمان و کنر، صورت گرفتند. مناطقی را که بخش حقوق بشر یوناما به علت مشکلات امنیتی نمی‌توانست از نزدیک ببیند (مثلاً ولایت نورستان)، این مباحثات و مصاحبه‌ها را در نقاط امن با مردم آن مناطق انجام داد. تمام مصاحبه‌ها و مباحثات بر گستردگی، پیامدها، رعایت و نگرش نسبت به عرف و عنعنات ناپسند که زنان و دختران را متأثر می‌سازند و همچنین عکس العمل دولت و مردم در برابر آن عنعنات؛ متمرکز بودند. این گزارش همچنین حاوی نمونه‌ای از قضایای عرف و عنعنات ناپسند میباشد که طی دوسال گذشته توسط کارمندان بخش حقوق بشر یوناما تحقیق و نظارت شده است. علاوه بر بخش حقوق بشر یوناما در تهیه این گزارش، یک سری گزارش‌ها و مطالعات اجتماعی دیگر را نیز مرور نموده است.

این گزارش یک مطالعه جامع از تمام عرف و عنعنات زیان‌آور در افغانستان نمی‌باشد. هدف این گزارش طرح نگرانی‌ها در مورد ماهیت، عوامل و پیامدهای دراز مدت عرف و عنعنات ناپسند که بطور جدی مانع تحقق حقوق زنان میگردند و داد خواهی برای از بین بردن و رفرم اینگونه عنعنات، میباشد. به منظور برجسته ساختن بدرفتاری‌ها و شریک ساختن تجربیات گزارش شده توسط قربانیان زن و مدافعین حقوق بشر، گزارش نامبرده به یک سری قضایایی که بخش حقوق بشر یوناما آنها را در همکاری با مقامات دولتی نظارت، تحقیق و پیگیری نمود، استناد کرده است.

نوت: ترجمه آیات برگرفته شده از تفسیر کابلی به زبان دری میباشد.

1. زمینه

رفتارهای زیان آور ریشه در سنت‌ها دارد و گاهی هم به مسایل مذهبی نسبت داده می‌شود که باعث درد، رنج، تحقیر و انزوای میلیون‌ها زن و دختر افغان می‌گردد و ابتدائی‌ترین حقوق انسانی نیمی از جمعیت افغانستان را زیر پا می‌گذارد. رفتارهایی مانند ازدواج اجباری و ازدواج زودهنگام، بدل، به ازدواج در آوردن دختران برای حل منازعات و قتل تحت نام اعاده آبرو (قتل‌های ناموسی) عرف و عنعنات ناپسند را تشکیل می‌دهد¹. این گونه رفتارها از باورها و دیدگاه‌های شدیداً تبعیض آمیز نسبت به نقش و جایگاه زنان و دختران در جامعه سرچشمه می‌گیرد. فقر و ناامنی گسترده در افغانستان که افغانها بیشتر از 30 سال است که آن را دارند تجربه می‌کنند، باعث تشدید این گونه رفتارهای زیان آور سنتی شده‌اند.

مردان و زنان افغان که توسط بخش حقوق بشر یوناما مصاحبه شدند می‌گفتند که اکثر افغان‌ها باور دارند که اطاعت زن از خواست و اراده مرد و در نتیجه محدود ساختن قلمرو فعالیت آنها، ریشه در قرآن مجید دارد. در حالیکه، همان طوری که در این گزارش نیز مشخص شده، این عرف و عنعنات زیان آور ریشه در قواعد دین ندارند، بلکه حتی بعضاً با آموزه‌های دینی مغایرت دارند. عرف و رسوم که در زمان درگیری‌های خشونت آمیز به عنوان پناهگاه برای زنان پنداشته می‌شد و بکار نیز گرفته می‌شد، اکنون ظاهراً به مثابه استدلال قانع کننده جهت تداوم آن رفتارهایی که زنان را متضرر می‌سازد مطرح می‌شود، اما این مسئله باید از احکام دینی تفکیک گردد.

در حالیکه عرف و عنعنات هرگز ثابت نمی‌ماند بلکه دوامدار تکامل میکند، دین در این جریان می‌تواند به مثابه یک نیروی مثبت برای حقوق زنان عمل کند. بر اساس گفته‌های گزارشگر خاص ملل متحد در امور آزادی مذهب و عقیده، "کشورهایی که تبعیت تام از احکام قرآن مجید را اعلان می‌کنند... فراموش می‌کنند که این احکام برای آزادی و استقلال زن در رابطه با جامعه بدوی عرب که در آن زن هیچ موقفی نداشت و به مثابه یک کالای قابل تبادل شمرده می‌شد، وضع شده اند². قرآن مقدس برای زن حقوق زیادی قائل شده³ است. آداب و رسوم فرهنگی که برای زنان آسیب می‌رسانند، با تعالیم دینی مغایرت داشته و بیشتر یا کاملاً به درک و برداشت‌های سنتی از مذهب وابسته‌اند⁴.

یافته‌های بخش حقوق بشر یوناما و مطالعات سازمان‌های دیگر⁵ نشان می‌دهند که عرف و عنعنات ناپسند اکثراً توسط برداشت‌های اشتباه از قواعد دینی، باورهای جوامع و خانواده‌ها نسبت به نقش زنان، نارسائی مسئولین قضایی و پولیس در تنفیذ قانون و میکانیسم‌های غیر رسمی عدلی که حقوق فردی زنان را در برابر یک راه حل جمعی معامله می‌کنند، تقویت می‌گردد.

¹ "رفتارهای سنتی در خانواده که برای زنان خشونت آمیز می‌باشد"، گزارش گزارشگر خاص (ملل متحد) در مورد خشونت علیه زنان، علل و نتایج آن؛ رادیکا کمارا سوامی، جنوری سال 2002، E//CN.4/2002/83.

² "مطالعه در مورد آزادی مذهب یا عقیده و وضعیت زنان در روشنائی مذهب و عرف و عنعنات" گزارش توسط عبدالفتاح، گزارشگر خاص ملل متحد در مورد آزادی مذهب و یا عقیده، ص 7، E//CN.4/2002/73/Add, April 2009.

³ همان.

⁴ همان.

⁵ برای تحقیق بیشتر در مورد عرف و عنعنات ناپسند در افغانستان به منابع ذیل مراجعه نمایید: "زنان زندانی و ادغام مجدد آنان در جامعه" دفتر مبارزه با مواد مخدر و جرایم ملل متحد، مارچ 2007؛ "اثیرات خشونت مبتنی برجنسیت بالای صحت و لادی زنان"، مدیکا مندیال/صندوق جمعیت سازمان ملل متحد؛ "ازدواج‌های پیش از وقت در افغانستان"، نهاد تحقیقاتی حقوق زنان و اطفال، 2008؛ "تصامیم، آرزوها و تفاوت: رسوم ازدواج در افغانستان"، دبیرا ج اسمیت، واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان، 2009؛ "در بند عنعنات: زنان و دختران در توقیف خانه ولایت کابل"، مدیکا مندیال 2003.

2. چهارچوب حقوقی

این گزارش مواد مرتبط قانون منع خشونت علیه زن را که در آن عرف و عنعنات ناپسندی مشخص، جرم پیش بینی شده، همراه با احکام شرعی مرتبط با آن مواد ذکر می‌کند. قانون مذکور در ماه اگست 2009 وضع گردید⁶. تحلیل‌های بخش حقوق بشر یوناما از احکام شرعی، همان گونه که در گزارش بیان شده، بر اساس یک سلسله بحث‌های فشرده با تعدادی از کارشناسان مسائل اسلامی صورت گرفته است.

2.1 چهارچوب قانون اساسی مرتبط با عرف و عنعنات ناپسند

قانون اساسی سال (2004) افغانستان چهارچوب حقوقی لازم برای حفاظت و توسعه حقوق بشر، بشمول حقوق زنان، را مشخص ساخته و ضرورت محو عرف و عنعنات مغایر دین اسلام را به رسمیت شناخته است. قانون اساسی برای دین مقدس اسلام نقش محوری قائل است. بسیاری از عرف و عنعنات زیان آوری که در این گزارش ذکر شده با احکام دین اسلام سازگاری ندارد.

احکام شرعی

"و هر که کند از کارهای شائسته مرد باشد یا زن، حال آنکه او مسلمان باشد پس آن گروه می در آیند در بهشت و ستم نمیشوند به قدر کنجدی (پوست دانه خرما)" (سوره نساء، آیه 124)

"ای مردمان (هر آئینه) ما آفریدیم شما را از یک مرد و یک زن و گردانیدیم شما را نژادها و قبیله ها تا با هم شناسا شوید، به تحقیق گرامی ترین شما نزد خداوند (ج) پرهیزگارترین شما ست. به تحقیق خداوند (ج) بهمه چیز دانا و خبردار است". (سوره الحجرات، آیه 13)

⁶ بعد از توشیح بر اساس فرمان رییس جمهور، قانون مذکور به تاریخ 1 اگست 2009 در جریده رسمی در شماره (989) به نشر رسید.

قانون اساسی

ماده 7

دولت منشور ملل متحد، معاهدات بین الدول، میثاق‌های بین المللی که افغانستان به آن ملحق شده است و اعلامیه جهانی حقوق بشر را رعایت می‌کند.

ماده 3

در افغانستان، هیچ قانونی نمی‌تواند مخالف معتقدات و احکام دین مقدس اسلام باشد.

ماده 22

هر نوع تبعیض و امتیاز بین اتباع افغانستان ممنوع است. اتباع افغانستان اعم از زن و مرد در برابر قانون دارای حقوق و وجایب مساوی می‌باشند.

ماده 54

دولت به منظور تأمین سلامت جسمی و روحی خانواده، بالاخص طفل و مادر، تربیت اطفال و برای از بین بردن رسوم مغایر با احکام دین مقدس اسلام تدابیر لازم اتخاذ می‌کند.

ماده 130

هرگاه برای قضیه ای از قضایای مورد رسیدگی، در قانون اساسی و سایر قوانین حکمی موجود نباشد، محاکم به پیروی از احکام فقه حنفی و در داخل حدودی که این قانون اساسی وضع نموده قضیه را به نحوی حل و فصل می‌نماید که عدالت را به بهترین وجه تأمین نماید.

2.2 قانون منع خشونت علیه زن

در پاسخ به نگرانی‌های گسترده در مورد عرف و عنعنات ناپسند و خشونت بومی علیه زنان در سراسر افغانستان، دولت قانون منع خشونت علیه زن را در ماه اگست سال 2009 وضع نمود و این قانون نمایانگر یک گام حقوقی مهم در جهت پایان بخشیدن به عرف و عنعنات ناپسند می‌باشد. گروه‌های جامعه مدنی و وزارت امور زنان ایجاد قانون مذکور را هدایت و راهنمایی نمودند. در میان اهداف خود، قانون مذکور "مبارزه علیه عرف، رسوم و رفتارهایی که در مغایرت با دین اسلام قرار دارد و باعث خشونت علیه زنان می‌گردد" را درج کرده است و همچنان خشونت علیه زنان را منع کرده و قابل پیگرد عدلی دانسته است.⁷

ماده 5 این قانون 22 مورد اعمالی را که ارتکاب آن خشونت علیه زنان را ببار می‌آورد، چنین فهرست نموده است: تجاوز جنسی، فحشاء اجباری، تبلیغ هویت متضرر بصورت زیان آور آن، وادار ساختن

⁷ قانون منع خشونت علیه زن، ماده 2.

یک زن به انجام خودسوزی، سبب شدن جراحت یا معیوبیت، لت و کوب، فروش و خرید زنان به قصد یا تحت بهانه ازدواج، بد دادن (دادن زن به منظور حل منازعه)، ازدواج اجباری، منع انتخاب شوهر، ازدواج قبل از سن قانونی، بدرقتاری، تهدید، آزار و اذیت، انزوای اجباری، معتاد کردن به مواد مخدر بصورت اجباری، ندادن حق میراث، ممنوعیت از حقوق آموزش، کار و دسترسی به خدمات صحی، کار اجباری و ازدواج با بیش از یک زن بدون رعایت ماده 86 قانون مدنی.

قانون منع خشونت علیه زن، دولت را مکلف می‌سازد تا اقدامات حفاظتی و حمایتی را به نفع متضررین اتخاذ نموده و برنامه‌های آگاهی دهی و آموزشی را در مورد عرف و عنعنات زیان آور و اشکال دیگر خشونت علیه زنان روی دست گیرد، دفاتر خائرنوالی قضایای خشونت در برابر زنان را در اولویت قرار دهند و به اسرع وقت به آن رسیدگی نمایند.⁸ قانون مذکور مکلفیت‌های مشخصی را برای هفت وزارتخانه دولت پیشبینی نموده است و ایجاد کمیسیون عالی منع خشونت علیه زنان را با عضویت وزارتخانه‌ها و ادارات کلیدی دولتی نیز در نظر گرفته است.⁹ به اساس فیصله این کمیسیون مرکزی، کمیسیون‌های مشابه در سطح ولایات نیز ایجاد گردیده اند (یا ایجاد می‌گردند).

فعالان حقوق زن، این قانون را به خاطر عدم تعریف واضح از جرایم و نارسائی در جرم شمردن تخلفاتی که تحت عنوان "دفاع از ناموس" ارتکاب می‌گردند، مورد انتقاد قرار داده‌اند. به گونه مثال، قانون منع خشونت علیه زن تعریف واضحی از تجاوز جنسی و عناصرتشکل دهنده "اجبار واکراه" در عمل تجاوز جنسی که لازمه تفکیک تجاوز جنسی از عمل "زنا" می‌باشد، ارائه نکرده است. همچنین در این قانون اجراءات نهادهای دولتی منوط به ثبت شکایت توسط متضرر یا خویشاوندان وی دانسته شده است. یعنی، زمانی که یک متضرر شکایت خود را پس می‌گیرد یا از اثر فشار خانواده یا ترس تلافی نمی‌خواهد شکایتی را درج نماید، دولت ملزم به پیگرد عدلی و قضائی جرم خشونت علیه زن دانسته نشده است. این انتقادها موجه می‌باشند.

با درک اینکه ضرورت بازبینی قانون منع خشونت علیه زن برای تضمین کامل حقوق زنان لازم می‌باشد، اما بخش حقوق بشر یوناما و گروهایی از زنان به این باورند که در صورتی که این قانون بطور موثر تطبیق گردد، می‌تواند به مثابه یک ابزار قوی و ضروری در جهت حفاظت و ترویج حقوق زنان عمل کند که در نتیجه منجر به کاهش رسم و رواج‌هایی می‌گردد که به میلیون‌ها دختر و زن افغان صدمه وارد می‌کنند. افغانهای مدافع حقوق زنان به بخش حقوق بشر یوناما گفتند که بلند بردن سطح آگاهی مردم راجع به موجودیت این قانون، اعمالی را که این قانون جرم دانسته، حصول اطمینان از تطبیق این قانون مخصوصاً آن احکامی که هدفش از بین بردن عرف و عنعنات ناپسند می‌باشند و سپردن مرتکبین به پنجه عدالت، بسیار مهم می‌باشد.

⁸ ماده هفتم فقره چهارم، قانون منع خشونت علیه زن.
⁹ فصل دوم، "تدابیر و قایوی و حمایتی"، قانون منع خشونت علیه زن.

2.3 معیارهای حقوق بین الملل

مطابق تعهدات دولت افغانستان به موجب اسناد بین المللی حقوق بشر، دولت مکلف می‌باشد که تساوی زنان در برابر قانون و برخورداری مساویانه آنها از حمایت‌های قانونی را تأمین و تضمین نماید.¹⁰ مطابق قواعد حقوق بین الملل، دولت باید تلاش لازم را روی دست گیرد تا از خشونت در برابر زنان، چه توسط عوامل دولتی صورت گیرد و یا از طرف افراد و سازمان‌های خصوصی، جلوگیری به عمل آورد.¹¹ مواد مرتبط حقوق بشر بین المللی در ضمیمه این گزارش گنجانید شده است.

بخش حقوق بشر یوناما متوجه شده است که تناقضات زیادی بین ضمانت‌های مندرجه در قانون اساسی افغانستان و حقوق پیشبینی شده در اسناد بین المللی که افغانستان طرف آن اسناد می‌باشد با دیگر قوانین موضوعه افغانستان که حاوی احکام تبعیض آمیز نسبت به زنان میباشد، وجود دارد. به گونه مثال، قانون احوال شخصیه اهل تشیع که در 2009 به تصویب رسید، دارای موادی می‌باشد که با تعهدات حقوق بشری بین المللی افغانستان، ضمانت‌های قانون اساسی و قوانین ملی به شمول قانون منع خشونت علیه زن در تضاد قرار دارند.¹²

به منظور فراهم آوری حمایت‌های حقوقی بهتر و حصول اطمینان از تأمین مساوات، دولت افغانستان باید قدم‌های مهمی را جهت تنظیم و سازگار نمودن تمام قوانین بردارد. بازنگری اسناد تقنینی توسط وزرات عدلیه با اشتراک کمیسیون عالی منع خشونت علیه زن، نهادهای زنان و جامعه مدنی می‌تواند به طور قابل توجهی مطابقت و سازگاری قوانین و تطبیق آنها را بهبود ببخشد. در پی چنین بررسی تخصصی، دولت می‌تواند تعدیل یا لغو تمام قوانینی را که در مطابقت با تعهدات ملی و بین المللی حقوق بشری آن قرار نداشته باشند، به پارلمان پیشنهاد نماید.

10 - افغانستان عضو اسناد بین المللی ذیل می‌باشد: میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، کنوانسیون رفع همه اشکال تبعیض نژادی، کنوانسیون رفع کلیه اشکال خشونت علیه زنان، کنوانسیون منع شکنجه، مجازات ظالمانه، رفتار غیر انسانی یا اهانت آمیز و کنوانسیون حقوق طفل.

11 - به پیشنهاد شماره 19، 1992 کمیته (CEDAW) مراجعه نمایید. همچنان اعلامیه 1993 A/RES/48/104، مجمع عمومی سازمان ملل متحد در مورد خشونت علیه زنان، ماده 4 بند (C) که به اساس آن دولت ها باید سعی نمایند تا مطابق قوانین ملی از اعمال خشونت علیه زنان که توسط دولت یا افراد صورت می‌گیرد، جلوگیری نمایند و آن را مورد پیگرد قانونی قرار داده و مجازات نمایند.

12 - قانون احوال شخصیه اهل تشیع پس از توشیح توسط فرمان ریاست جمهوری نافذ گردید و به تاریخ 27 جولای 2009 در جریده رسمی به نشر سپرده شد. چندین ماده این قانون، حقوق اساسی بشری را نقض می‌کند. در پی ابراز نگرانی‌های فعالان ملی حقوق بشر و جامعه بین المللی، رئیس جمهور کرزی بازنگری این قانون را تقاضا نمود تا مطابقت این قانون را با قانون اساسی افغانستان و تعهدات بین المللی دولت تأمین نماید، ولی با آن هم هنوز این قانون موادی را در بر دارد که حقوق زنان را نقض می‌نماید و باعث تداوم رفتارهای زیان آور می‌شود که موارد ذیل را شامل آن می‌باشد: این قانون حق ولایت بر اطفال را تنها وظیفه اعضای مرد خانواده دانسته، آزادی رفت و آمد زنان را محدود نموده است. "مطابق این قانون یک خانم می‌تواند خانه را برای مقاصد مشروع تا جایی که عرف محل اجازه دهد، ترک کند"، ازدواج اطفال زیر سن 16 را اجازه میدهد. سن قانونی ازدواج برای دختران 16 و برای پسران 18 سال تعیین گردیده، ولی با آن هم این قانون ازدواج یک طفل را در صورتی که ولی آن ثابت نماید که طفل مذکور بالغ شده و قابلیت ازدواج را دارد و ازدواج به نفع اوست، اجازه می‌دهد؛ به یک شوهر اجازه می‌دهد تا همسرش را مورد حمایت قرار ندهد (نقشه اش را تأمین ننماید) در صورتی که همسرش از مقاربت امتناع ورزد (حق زناشویی او را انکار کند).

3. عرف و عنعنات ناپسند در افغانستان

" ده زر خریدیم ده سنگ میکشیم" ¹³

رسم و رواجها، تاریخ، فرهنگ و نگرشهای مذهبی؛ برخورداری زنان از حقوقشان را در سراسر جهان متأثر می‌سازند.¹⁴ کمیته رفع تبعیض علیه زنان (کمیته سیدا) عرف و عنعنات ناپسند را چنین تعریف می‌کند: "نگرش سنتی که بر اساس آن مردان زنان را فرمانبردار خود می‌پندارند و یا چندان نقش مهمی برای شان قایل نمی‌گردند" که باعث تداوم "رفتارهای خشونت آمیز مانند خشونت و بد رفتاری خانوادگی و ازدواج اجباری می‌گردد... چنین پیش داورهای خشونت آمیز مانند خشونت و بد رفتاری را به مثابه اتخاذ اقداماتی جهت حفاظت یا کنترل زنان توجیه نمایند. این گونه خشونت ها تمامیت جسمی و ذهنی زنان را متأثر ساخته و سپس زنان را از برخورداری و اعمال مساویانه حقوق بشری و آزادی‌های اساسی شان محروم می‌سازند."¹⁵ قانون منع خشونت علیه زن تا حال نمایانگر مهمترین تلاش دولت افغانستان در محور رسومی که زنان را متضرر می‌سازد و تعریف اعمالی که خشونت علیه زنان را ببار می‌آورد، میباشد.

تحقیق بخش حقوق بشر یوناما و نظارت از قضایا توسط این بخش و بحث‌هایی که در سطح جامعه صورت گرفته نشان می‌دهد که چنین رواج‌ها فراگیر باقی مانده و به درجات مختلف در تمام جوامع و در میان تمام اقشار جامعه وجود دارند. ریشه چنین رسومی در اکثر جوامع افغانستان بر این باور استوار است که پسران نسبت به دختران از اهمیت بیشتر برخوردارند.¹⁶ بسیاری از افغان‌هایی که توسط بخش حقوق بشر یوناما مصاحبه شدند "ارحیت دادن پسران" را به مثابه یک رواج فرهنگی با پیامدهای منفی برای زنان یادآوری نمودند.¹⁷ این برتری تا حدی بر این عقیده استوار است که یک دختر پس از ازدواج مال کس دیگری می‌شود، در حالی که یک پسر، به خانه عروس می‌آورد تا خدمت خانواده را نماید.¹⁸

حقوق بشر یوناما نیز دریافته است که برخی از رسومی که در این گزارش توضیح داده شده‌اند، مانند فروش دختران برای ادای دین و انکار حق ارث زنان بیوه، اعمالی هستند که بسیاری از مصاحبه شونده‌گان آنها را جزء فرهنگ خویش نمی‌دانند. این مسئله، از کار افتادن اعتماد و حمایت متقابل را در جامعه انعکاس می‌دهد و نمایانگر مشکلات و نبود حاکمیت قانون در پی سه دهه جنگ می‌باشد.¹⁹

¹³ یک ضرب المثل که توسط نمایندگان جامعه مدنی طی یک جلسه در نیلی مرکز ولایت دایکندی در مارچ 2010 نقل گردید.

¹⁴ مطالعه آزادی مذهب یا عقیده و وضعیت زنان در پرتو مذهب و رواج ها، گزارش آرمور، همان، ص 19.

¹⁵ به نظریه عمومی شماره 19، 1992 کمیته (CEDAW) مراجعه نمایید.

¹⁶ برای درک بهتر اندازه فشار اجتماعی در ترجیح دادن تولد پسر نسبت به دختر و اینکه جامعه افغانی به پسران چقدر ارزش قایل است به مقاله نیویارک تایمز، مورخ 20 سپتمبر 2010 "در افغانستان، پسران با ارزشند و دختران درحاشیه زندگی می‌کنند" نوشته جینی ناردیبرگ، مراجعه نمایید. اهمیت بیشتر در اندازه آزادی و فرصت‌هایی است که دختران ادای بهره مندی از آنرا درمی‌آورند ولی پسران واقعاً از آن برخوردارند.

¹⁷ این بحث توسط یک عالم مذهبی در ولسوالی خرم و ساریاغ ولایت سمنگان در گفتگو با حقوق بشر یوناما به چالش کشیده شد، او استدلال می‌کرد که پیامبر پسر نداشت، اما نام و سلسله خانواده او از طریق دخترش بی بی فاطمه ادامه پیدا کرد، اپریل 2010.

¹⁸ گفتگو با استادان زن در ولسوالی فیض آباد ولایت جوزجان، اپریل 2010.

¹⁹ "دام و دانه؛ فعالیت در عرصه جندر در افغانستان" دنیز کندیوتی، سخنرانی یادبود از انتونی آیمن، SOAS، دانشگاه لندن، 2009.

3.1 ازدواج اجباری

"در فرهنگ ما ازدواج اجباری یک عمل زیان آور پنداشته نمی‌شود. من خوبی‌های دخترم را می‌دانم و از اینکه او بیرون نمی‌رود و از دنیا خبری ندارد، بناءً برایش ممکن یا قابل قبول نیست که همسرش را خودش انتخاب کند. او حق ندارد تا شریک زندگی خود را انتخاب نماید و من در موقف خوبی قرار دارم تا برای او انتخاب نمایم."

(گفتگو با عضو مرد شورای ولایتی ولایت فاریاب، اپریل 2010)

"اگر خانمی را مجبور سازند تا تمام زندگی خود را با کسی سپری نماید که او حتی فکرش را نکرده بود، این کار او را سرخورده کرده و نگرش و رفتارش را در مقابل اعضای خانواده تغییر می‌دهد. او هر کس و هر چیزی را بد می‌بیند و تنها به انتقام فکر می‌کند. در برخی موارد، او ممکن به خودکشی به عنوان یگانه راه بیرون رفت از دردش دست بزند، یا سعی نماید تا از خانه فرار کند. اگر او مادر شود، از اینکه قلبش شکسته، توان پرورش اطفال خود را نخواهد داشت. در کل، او نمی‌تواند یک مادر و همسر خوب باشد."

(گفتگو با یک خاتون مرد، ولایت سمنگان، اپریل 2010)

ازدواج اجباری آن است که در آن رضایت کامل یکی یا هر دو جانب در نظر گرفته نمی‌شود. ازدواج اجباری در افغانستان مانند: بدل، ازدواج اطفال (که ماهیتاً اجباری می‌باشد) و فشار بالای زنان بیوه برای ازدواج کردن با یکی از خویشاوندان همسر متوفی‌اش، مروج می‌باشد. طبق گزارش 2008 دفتر یونیفیم، 70 الی 80 درصد ازدواج‌ها در افغانستان اجباری‌اند.²⁰ از طریق بحث‌هایی که در سراسر کشور صورت گرفت و با تحلیل از قضایای گزارش شده، بخش حقوق بشر یوناما دریافته است که در بسیاری از ازدواج‌ها توافق و رضایت آزادانه و آگاهانه زن در نظر گرفته نمی‌شود. ازدواج اجباری با قوانین بین المللی که به رضایت آزادانه و کامل تاکید می‌ورزد و قوانین شرعی که توافق هر دو جانب را شرط می‌داند، در تضاد قرار دارد. قانون منع خشونت علیه زن نیز ازدواج بدون رضایت را جرم می‌شمارد.

برای درک عوامل موثر ازدواج و اینکه یک ازدواج چگونه صورت گرفته است، بخش حقوق بشر یوناما کشیدن یک خط درشت میان ازدواج "اجباری"، "ازدواج مصلحتی" و "ازدواج آزاد" (بارضایت) را ضروری می‌داند.²¹ ازدواج مصلحتی اکثراً اجباری نمی‌باشد حتی زمانی که یک عامل اکراه در ازدواج دخیل بوده باشد به شرط آنکه در نهایت ازدواج مذکور به خرسندی منجر شود. اکثر مردم هم آنرا یک ازدواج اجباری نمی‌پندارند.

ازدواج اجباری و به تبع آن محرومیت از حق انتخاب همسر به مردان و پسران هم آسیب می‌رساند، اما با درجه کمتری، به خاطر اینکه خانواده‌ها، پسران خود را در ازدواج تبادل نمی‌کنند یا نمی‌فروشند و از جانب دیگر پسران اکثراً می‌توانند بر انتخاب والدین‌شان انقاد کنند. اگر یک مرد از ازدواجش

²⁰ "وضعیت زنان در افغانستان" جزوه معلوماتی، دفتر یونیفیم در افغانستان، 2008.

(<http://afghanistan.unifem.org/media/pubs/08/factsheet.htm>)

²¹ برای تحلیل عمیق‌تر به "اصاصیم، آروزها و تفاوت‌ها: رسوم ازدواج در افغانستان"، جزوه تحقیقی، فبروری 2009، دبیراج اسمت، AREU، مراجعه نمایید.

ناراضی باشد، او به احتمال زیاد می‌تواند بار دیگر ازدواج کند ولی با آن هم مردان نیز از یک رابطه زناشویی خشونت‌آمیز متضرر می‌شوند.

قوانین داخلی افغانستان

قانون منع خشونت علیه زن

ماده 24

شخصیکه زن را به منظور یا بهانه ازدواج به فروش رساند یا خریداری یا وساطت نماید، حسب احوال به حبس طویل که از ده سال بیشتر نباشد، محکوم می‌گردد.

ماده 26

هرگاه شخص زنی را که سن قانونی ازدواج را تکمیل نموده بدون رضایت وی نامزد یا به عقد نکاح در آورد، حسب احوال به حبس متوسط که از دو سال کمتر نباشد محکوم، نامزدی و نکاح مطابق احکام قانون فسخ می‌گردد.

ماده 27

هرگاه شخص مانع ازدواج زن گردد یا حق انتخاب زوج را از وی سلب نماید، حسب احوال به حبس قصیر محکوم می‌گردد.

قانون جزا

ماده 517

ماده پنجدو هفدهم:

شخصیکه زن بیوه یا دختری را که سن هجده سالگی را تکمیل نموده باشد به خلاف رضا و رغبت وی به شوهر دهد حسب احوال به حبس قصیر محکوم می‌گردد.

احکام شرعی

بر اساس تعریف ازدواج در اسلام، ازدواج اتحاد داوطلبانه دو شخص می‌باشد. رضایت طرفین (ایجاب و قبول) شرط اصلی برای هر ازدواج می‌باشد. ازدواج مبتنی بر یک توافق قراردادی بین عروس و داماد می‌باشد فرقی نمی‌کند که زن باکره، مطلقه و یا زن بیوه باشد. برعلاوه، هم عروس و هم داماد آزادی دارند تا ضوابط و شرایط را تعریف و آنها را بخشی ازین قرارداد بسازند. آیات متبرکه قرآن مجید (طور مثال سوره النساء، آیه 18) به وضاحت تصریح می‌نماید که یک زن چه باکره باشد یا

نباشد، اجازه وی در انعقاد عقد ازدواج الزامی است.

طبق احکام شریعت اسلامی پدر زن حق دارد تا انتخاب دختر خود را تأیید کند و این برای حفظ خوشبختی و تأمین منافع وی می‌باشد، این حق هرگز نمی‌تواند جایگزین حق زن در ابراز رضایت (ایجاب) شود.

بر اساس یک حدیث مشهور از پیغمبر "ص"، ضرورت برای ابراز رضایت در تمام حالات ثابت می‌باشد. خنساء بنت خدام اظهار داشت که "پدرم مرا با خواهر زاده خود عروسی کرد و من ازین وصلت خورسند نبودم بنابراین من به پیغمبر خدا شکایت کردم پیغمبر خدا فرمود: "بپذیر آنچه را که پدرت برایت انتخاب کرده است" من گفتم، "من نمی‌خواهم آنچه را پدرم برایم انتخاب کرده بپذیرم." رسول الله (ص) فرمود "پس این وصلت بی اعتبار است، برو و با هرکس که خودت خواهش داری، ازدواج کن." من گفتم "من پذیرفتم آنچه را پدرم برایم انتخاب کرده است، لیکن من می‌خواستم که زنان بفهمند که پدر حق ندارد تا همسر دخترش را خود انتخاب کند." (فتح الباری، شرح البخاری 194/9، ابن ماجه کتاب النکاح 602/1)

طبق حدیث فوق اسلام به زن‌ها اجازه انحلال ازدواج‌های اجباری را که فاقد اعتبار می‌باشد، داده است. مطابق فقه اسلامی، علاوه بر عدم موجودیت حرمت بین زوج و زوجه، سه شرط اساسی در انعقاد عقد ازدواج ضروری است:

1. طرفی که در عقد ازدواج "ایجاب" را مطرح می‌کند زن یا وکیل ذیصلاح وی باشد. تا وقتی که ایجاب صورت نگیرد "قبول" نمی‌تواند انجام شود. این نمایانگر آنست که امتیاز ایجاب به زن داده شده، نه اینکه زیر فشار قرار داده شود تا پیشنهاد ازدواج را قبول کند. باید ایجاب از طرف زن یا ولی و یا شخصی که به نیابت زن عمل می‌کند صورت بگیرد و بگوید که من فلان بنت فلان را به عقد شما درآوردم یا کلمات لازمه مشابه آن را و به همین شکل باید ابراز قبول از طرف داماد نیز صورت گیرد و بگوید "من قبول کردم" یا کلمات مشابه آن. این بدین معنی است که طرفین عقد باید افراد واجد شرایط باشد که بتواند قرارداد ازدواج را منعقد کند.
2. ازدواج باید علناً اعلان گردد و حداقل دو شاهد در یک عقد ازدواج حضور داشته باشد.
3. ضرورت وجود مهریه که باید داماد به عروس پرداخت آن را تعهد نماید. (سنن ابو داود، کتاب النکاح، کتاب 11، شماره 2091).

قضایای توضیحی

در اپریل 2010، زمانی که یک دختر 15 ساله در ولسوالی غوریان ولایت هرات از قبول ازدواج اجباری امتناع ورزید، پدر و برادر وی او را مورد لت و کوب قرار دادند. وی از خانه فرار کرد. در همان روز، مردان ناشناس او را در دریک موتر برداشته و مورد تجاوز جنسی قرار داد و بعداً روی

سرک رها کردند. یکی از بزرگان قومی قضیه را به پولیس گزارش داد و پولیس دختر مذکور را بخاطر محافظت اش به یک منزل امن انتقال داد.²²

در جنوری 2009، یک زن 20 ساله از ولسوالی درقند ولایت تخار که در سن چهار سالگی به شکل "بد دادن" نامزد گردیده بود، از ریاست امور زنان در طالقان خواستار کمک و محافظت شد تا از ازدواج اجباری نجات پیدا کند. دو ماه بعد، پس از تهدیدات متعددی که ریاست امور زنان از ناحیه بزرگان قومی و سیاست مداران دریافت کرد، دختر مذکور را به محکمه ولسوالی درقند ولایت تخار فرستاد تا در قسمت مشروعیت ازدواج وی تصمیم بگیرد. زمانی که جلسه قضائی در شرف تدویر شدن بود، یک گروپ 300 نفری که از ازدواج اجباری حمایت می‌کردند، به اداره ولسوالی حمله کرده و دختر مذکور را ربودند و جبراً باخود به خانه خسورش که در کودکی در آنجا نامزد شده بود، بردند. تمام تلاش‌های بخش حقوق بشر یوناما جهت تماس با دختر مذکور بی نتیجه ماند و محل سکونت وی نیز نامعلوم می‌باشد.²³

در اکتوبر 2009 یک دختر 16 ساله با اکراه به یک مرد 65 ساله در ولایت لوگر نامزد شده بود. بر اساس گفته های دختر، مرد مذکور اصرار می‌ورزید که او می‌خواهد قبل از ازدواج هم دختر را در خانه خانواده اش ملاقات کند به خاطر آنکه وی به پدر دختر یک مبلغ هنگفت پول داده بوده، بناءً خود را ذیحق می‌دانست که دختر را باید ملاقات کند. در همین وقت، دختر به یک رادیوی محلی زنگ می‌زند و مشکلات خود را با میزبان مرد رادیوی مذکور در میان می‌گذارد. این باعث می‌شود که هر دو با هم دوست شوند و ارتباط خویش را با تماس تلفونی دوام دهند. بعداً هر دو از لوگر فرار می‌کنند و در راه ولایت لغمان جایی که آنها تصمیم داشتند با هم ازدواج نمایند، توسط پولیس به اتهام ارتکاب "زنا" در ولایت ننگرهار دستگیر می‌شوند. مرد به 13 سال و دختر به پنج سال حبس محکوم می‌گردد. طبق گزارش، دختر در زندان نیز مورد تعدی قرار می‌گیرد.

بخش حقوق بشر یوناما بعداً مطلع گردید که مرد 65 ساله دختر دیگری را از خانواده جانب مقابل جهت جبران خساره مطالبه کرده بود. پدر دختر، دختر خردتر خود را به عقد ازدواج مرد مذکور در می‌آورد که سن دختر در وقت ازدواج 14-15 سال گزارش شده بود.²⁴

دیدگاه جامعه

با توجه به اینکه رضایت عامل تعیین کننده در یک ازدواج آزاد می‌باشد، بخش حقوق بشر یوناما تحقیقاتی را راجع به اینکه ازدواج‌ها چگونه صورت می‌گیرد و چه چیز "رضایت" را تشکیل می‌دهد، در جوامع مختلف به راه انداخت. این تحقیقات می‌تواند در اتخاذ پالیسی‌های موثر دادخواهی جهت رسیدگی به تمام اشکال ازدواج‌های اجباری ممد واقع شود.

با وجود آنکه افغان‌ها در بحث‌های گروهی متمرکز، رضایت انفرادی را منحصیث شرط الزامی ازدواج برجسته نساختند، اما آنها مخالفت جدی خود را با انواع معین ازدواج‌های اجباری که در آنها خانواده‌ها منافع پسران و دختران خود را نادیده می‌گیرند، ابراز کردند. این ازدواج‌ها عبارتند از ازدواج‌های

²² قضیه به بخش حقوق بشر یوناما در اپریل 2010 گزارش داده شد.

²³ قضیه توسط بخش حقوق بشر یوناما در ماه جنوری 2009 تحقیق گردید.

²⁴ قضیه توسط بخش حقوق بشر یوناما در اکتوبر 2009 تحقیق گردید.

زودهنگام، بد دادن جهت حل منازعه، عروسی یک دختر با مرد متأهل که یک یا چند زن دارد و مواردی که پدران دختران خود را جهت حل مشکلات اقتصادی خانواده به ازدواج می‌دهد.

نامزدی و ازدواج در رسوم افغانستان قبل از آنکه یک حق انفرادی باشد، یک مسئله خانوادگی و گروهی است. هیچ مرد و زن افغان در بحث‌های گروهی که در 29 ولایت راه اندازی گردید، نگفت که پسران و دختران باید همسران خود را خودشان انتخاب نمایند ولی بسیاری از آنها گفتند که والدین نباید اطفال و فرزندان خود را مجبور به ازدواج نمایند، البته زمانی که آنها اعتراض دارند.²⁵

"اگر یک دختر با تصامیم والدین یا بزرگان خود مخالفت می‌کند جامعه آن را بد یا بی‌احترامی می‌پندارد." (شاگرد لیسه نسوان، ولایت بامیان، اپریل 2010).

"ازدواج اجباری در ساحه (X) یک قاعده است. هیچ کس بدون اجازه والدینش ازدواج کرده نمی‌تواند." (معلم لیسه نسوان در ولسوالی سروبی، ولایت کابل، مارچ 2010).

"در عرف و عنعنات ما، این عمل ننگ به شمار می‌آید که والدین دخترش را در انتخاب شوهر مشورت دهد." (فعال اجتماعی زنان، ولایت بلخ، اپریل 2010).

"اگر یک دختر در قسمت ازدواجش با انتخاب پدرش مخالفت کند، بخت وی متعلق به خانواده وی می‌باشد... اگر پدر مهربان باشد به حرفهای دختر خود گوش میدهد... اگر نباشد دختر ناگزیر است مطابق میل پدرش ازدواج نماید." (عضو شورای زنان، ولایت کابل، اپریل 2010).

در جریان مصاحبه‌ها و مباحثات گروهی که بخش حقوق بشر یوناما انجام داد، ثابت گردید که پیدا کردن تعریف جامع برای اصطلاح "رضایت" در جامعه دشوار است. مردان بطور عموم از این دیدگاه حمایت می‌کردند که تا زمانی که دختر مخالفت شدید خود را در برابر انتخاب پدرش ابراز نکند، ازدواج وصف اجباری ندارد. عده‌ای از مردانی که در رشته شرعیات تحصیل نموده‌اند اتفاق نظر داشتند که کسب رضایت شرط است، اما نه به شدتی که در معیارهای بین المللی حقوق بشر بیان گردیده است (جهت دریافت معیارهای بین المللی به ضمیمه مراجعه نمایید). یک اشتراک کننده دیگر از میان مردان، استدلال نمود که مطابق به احکام شرعی،²⁶ پدران می‌توانند منحصیث نمایندگان کاملاً با صلاحیت پسران و دختران‌شان عمل نمایند که این خود در برگیرنده "رضایت" نیز است.

مصاحبه‌هایی که در مناطق مرکزی²⁷ افغانستان صورت گرفت نشان داد که والدین اکثراً رضایت دختران‌شان را جهت نامزدی و یا ازدواج می‌پرسند، اما کسب رضایت به این شکل صرفاً بعد از اینکه والدین آنها با خانواده نامزد آینده دخترشان به توافق رسیدند، صورت می‌گیرد. در چنین موارد، کسب رضایت صرفاً جنبه نمایشی دارد، چون که در عمل امکان مخالفت دختر با تصمیم والدینش چندان

²⁵ تحقیق حقوق بشر یوناما نشان می‌دهد که در عمل گرایش والدین این است که بیشتر با اعتراضات دختر نسبت به پسر مخالفت نمایند. یک پسر طبیعتاً می‌تواند که با ظرافت به والدین خود اعتراض نماید و نظرات وی ممکن است در نظر گرفته شود. رضایت خاموشانه دختر ممکن منحصیث یک علامت افتخار تلقی شود" و دختری که جرئت کند که با انتخاب والدین خود اعتراض کند، بی احترام قلمداد گردیده و نظریات وی به سادگی نادیده گرفته می‌شود.

²⁶ پدران و پدربزرگان معمولاً تصمیم گیرندگانند، با وجود آنکه آنان در مورد ازدواج فرزندان‌شان در گذشته تصامیم نادرست اتخاذ کرده بودند. زنان نیز گاهی در این قسمت صلاحیت داده می‌شوند. جهت دریافت تحلیل مفصل به گزارش سمت، از واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان مراجعه نمایید. در کابل، تحقیقات یک محقق نشان داد که زنان بیوه از طبقه متوسط، در مورد ازدواج دختران‌شان خود تصمیم می‌گیرند.

²⁷ به منظور این گزارش مناطق مرکزی شامل ولایت‌های بامیان و دایکندی می‌گردد.

متصور نیست. در صورتی که در چنین وضعیت دختر از خود مخالفت نشان دهد، والدینش او را وادار می‌سازند تا به ازدواج "رضایت" دهد. با وجود آن، در مشورتی که با عده از افغانها صورت گرفت، آنها به این باور بودند که حتی اگر تصمیم قبلاً گرفته شده باشد²⁸، پرسیدن "رضایت" دختران بطور رسمی یک روش مثبت است.

در مباحثی که در ولایت نیمروز صورت گرفت معلوم گردید که تعداد زیادی از مردان فکر می‌کنند که این حق آنان است که دختران‌شان را به عقد هر کسی که آنها انتخاب می‌نمایند درآورند، آنها هیچگاه با دختران‌شان مشورت نمی‌کنند. با وجود آن، اشتراک کنندگان تأیید نمودند که اکثراً ازدواج اجباری منجر به این می‌گردد که دختر تمام عمر باقی مانده خود را با ناخوشنودی سپری نماید. زنانی که با آنها در ساحات مرکز کشور²⁹ مصاحبه صورت گرفت، گفتند که میزان ازدواج‌های اجباری در مناطق جنگ زده مانند ولایت‌های لوگر و وردگ در مقایسه به ولایت‌هایی که تحت کنترل حکومت بوده‌اند، مانند ولایت پنجشیر، به مراتب بیشتر است.

در ولایت ارزگان، گروهی از مردان متشکل از قضات، خرنوالان، پولیس و بزرگان محل ازدواج اجباری را به عنوان زیان‌بارترین روش عرفی در آن ولایت شناسایی نمودند. گروه مذکور همچنین متذکر شدند که به استثنای چند محل در مرکز ولایت - ترینکوت - در دیگر ساحات تقریباً همه ازدواج‌ها بدون کسب رضایت زنان صورت می‌گیرند. یک موسفید گفت که دختر اولش را بدون کسب رضایت³⁰ وی به نکاح داده بود ولی او اکنون می‌داند که قرآن کریم ازدواج اجباری را ممنوع قرار داده است.

"یکی از اصول اسلامی و شرعی ازدواج ایجاب و قبول است. در صورتی که ایجاب و قبول صورت نگیرد، ازدواج باطل است. مطابق احکام اسلامی و شرعی اکثریت ازدواج‌ها در مناطق روستایی صحیح نمی‌باشند، زیرا عروس‌ها معمولاً به ازدواج‌شان رضایت نشان نمی‌دهند یا هیچگاه رضایت آنها پرسیده نمی‌شود." (معاون محکمه ولایتی، مناطق شمال، اپریل 2010).

3.2- بد دادن یا به ازدواج درآوردن دختران جهت حل منازعات

"بد دادن زمانی صورت می‌گیرد که ادعای وقوع عمل زنا وجود داشته باشد، اما مدعی قادر به اثبات ادعای خویش نباشد وی مجبور است که دو دختر را جهت اعاده حیثیت خانواده دیگر بدهد." (عضو شورا در ولسوالی تگاب، ولایت کاپیسا، ماه اپریل 2010)

"بجای اینکه قاتل مورد مجازات قرار بگیرد، یک دختر معصوم و بیگناه مورد مجازات قرار گرفته و مجبور می‌شود که تمام عمر خود را در بردگی بسر برده و مورد خشونت ظالمانه قرار گیرد." (مصاحبه با گروهی از زنان بشمول معلمین، ولسوالی خلم، ولایت بلخ، ماه اپریل 2010).

²⁸ مباحث گروهی متمرکز با زنان در مرکز بامیان و مرکز دایکندی - نیلی - و همچنین مباحث گروهی متمرکز با مردان موسفید در ولسوالی کهمرد، ولایت بامیان، ولسوالی شهرستان، ولایت دایکندی صورت گرفت. ماه مارچ/اپریل 2010.

²⁹ به منظور این گزارش ساحات مرکزی شامل ولایت‌های کابل، کاپیسا، لوگر، پنجشیر، پروان و وردگ میشود.

³⁰ از سوی یک مرد موسفید در جریان بحث گروهی متمرکز با مردان در ولایت ارزگان در ماه مارچ 2010 بیان گردید.

"بد دادن یک عمل عام است، به ویژه در دره اشپی (که تحت کنترل طالبان قرار دارد) تا منازعات ناشی از قضایای قتل، فرار از منزل و تجاوزجنسی حل و فصل گردد." (مصاحبه با یک ملک محل، ولایت کاپیسا، ماه مارچ 2010).

عرف یا رسم بد دادن یا دادن دختران بمنظور حل و فصل منازعات، نوعی از خشونت فاحش در برابر زنان در افغانستان می‌باشد. این رسم از لحاظ نظری به جوامع یا خانواده‌ها این فرصت را می‌دهد تا جرایمی چون قتل را ظاهراً حل و فصل نمایند و صلح و نظم را در بین طرف‌های منازعه از طریق انتقال مجازات جرم از مجرم به یک زن یا دختری گناه، دوباره اعاده نمایند و "حیثیت" خانواده متضرر را نیز از طریق مجازات نمودن دختر مذکور به خاطر جرمی که او اصلاً مرتکب نشده "اعاده" کنند.

بد دادن عمدتاً جهت خاتمه بخشیدن به منازعات ناشی از جرایم سنگینی مانند قتل بکار برده می‌شود، اما این رسم برای جرایم "اخلاقی" از قبیل زنا، تجاوز جنسی و فرار زنان از منزل (بطور مثال فرار از ازدواج اجباری) نیز بکار برده می‌شود. جنبه حل و فصل منازعات این عرف یا رسم شدیداً تردید آمیز است به این دلیل که اختلاف و عداوت میان خانواده‌ها یا گروه‌ها پیوسته ادامه پیدا می‌کند.³¹

بخش حقوق بشر یوناما دریافته است که به ازدواج درآوردن دختران جهت حل و فصل منازعات (بد دادن) در سراسر کشور در میان تمام جوامع ساکن آن صورت می‌گیرد. علی‌رغم شایع بودن این رسم، تعداد زیادی از افغان‌ها مخالفت شدیدشان را در برابر آن ابراز داشتند. بخش حقوق بشر یوناما دریافت که "بد دادن" به حیث یک روش غیر رسمی حل و فصل منازعات، در ساحات مرکزکشور جاهایی که درگیری وجود داشته و حاکمیت دولت در آنجا بسیار کم اعمال می‌شود (مانند ساحات جنگ‌زده‌ای چون ولسوالی تگاب و اله‌سای ولایت کاپیسا، قریه اوزبین در ولسوالی سروبی ولایت کابل) و ساحات دور دست که نهادهای حاکمیت قانون در آنجا خیلی ضعیف است، بیشتر انجام می‌شود.³²

به ازدواج در آوردن دختران جهت حل و فصل منازعات با اصل "رضایت" که شرط مهم و اولیه برای یک ازدواج مشروع و سالم می‌باشد، در تناقض بوده و در این رسم با زنان به عنوان یک متاع یا جنس برخورد صورت می‌گیرد که در حقیقت در شریعت اسلامی ممنوع است. این روش در قوانین افغانستان، منجمله قانون منع خشونت علیه زن، قانون جزاء و همچنین مطابق تعهدات بین‌المللی حقوق بشری افغانستان غیر قانونی پنداشته شده است. بد دادن، حقوق اساسی بشری زنان را نقض و مطابق به حقوق بین‌الملل، می‌تواند منجر به بهره‌گیری و برده‌داری زنان شود.

³¹ این مطلب به بخش حقوق بشر یوناما در جریان تعداد از مباحثات/مصاحبه‌هایی که در سراسر کشور صورت گرفت گزارش داده شد.

³² مصاحبه‌ها و مباحثات در ماه‌های مارچ و اپریل 2010 با ائتشار مختلف اعم از ذکور و اناث که نمایندگی از گروه‌های قومی مختلف، ولسوالی‌ها و محلات در ولایت‌های کابل، کاپیسا، لوگر، پنجشیر، پروان و وردگ می‌نمودند، صورت گرفت.

قوانین داخلی افغانستان

قانون منع خشونت علیه زن

ماده سوم، فقره چهارم:

بد دادن: به شوهر دادن زن است در بدل دیت یا صلح به ارتباط قتل، تجاوز جنسی یا سایر احوال به پیروی از رسوم، عرف، و عادات ناپسند.

ماده بیست و پنجم:

- (1) شخصی که زن را به نام بد دادن به نکاح دهد یا بگیرد، مرتکب حسب احوال به حبس طویل که از ده سال بیشتر نباشد، محکوم میگردد.
- (2) در حالت مندرج فقره (1) این ماده، اشخاص ذیدخل (شاهد، وکیل، مصلح و عاقد) هر یک حسب احوال به حبس متوسط محکوم و عقد نکاح در صورت مطالبه زن بد داده شده مطابق احکام قانون فسخ میگردد.

قانون جزاء

ماده پنجدو هفدهم:

- (2) شخصیکه زن بیوه یا دختری را که سن هجده سالگی را تکمیل نموده باشد به خلاف رضا و رغبت وی به شوهر دهد حسب احوال به حبس قصیر محکوم میگردد.
- (3) اگر جرم مندرجه فقره فوق به شکل بد دادن باشد مرتکب به حبس متوسط که از دو سال بیشتر نباشد محکوم میگردد.

احکام شرعی

در اسلام به نکاح در آوردن دختران به منظور حل و فصل منازعات خانوادگی یا قبیلوی و تبادل آنان بر اساس اصول ذیل اکیداً ممنوع است:

- یک انسان دارای کرامت می‌باشد، بناً انسان تحت هیچ عنوانی من حیث "جنس یا کالا" تلقی شده نمی‌تواند. این اصل باید در همه کردارها و برخوردهای انسانی مد نظر گرفته شود. به نکاح دادن یک زن به منظور حل و فصل یک منازعه در تضاد با کرامتی است که در دین اسلام به یک زن داده شده است.

- به ازدواج دادن یک زن به منظور حل و فصل منازعات، اصل رضایت را نقض می‌کند به این دلیل که زن با اجبار به ازدواج وادار ساخته می‌شود. مد نظر قرارداد اصل رضایت برای باطل شمردن ازدواجی که در فقدان رضایت صورت می‌گیرد، کافی است. در صورتی که زن در ازدواج جهت حل و فصل یک منازعه از خود رضایت نشان بدهد، در این صورت از لحاظ تخنیکی شرط اسلامی در خصوص رضایت تکمیل خواهد شد، اما ابراز رضایت وی باید به میل و رغبت خود وی باشد و به هیچ صورت به این کار وادار نشود.

- با توجه به اصل شرعی که "به ارث بردن زن" مشروع نمی‌باشد، این بدین معنی است که عمل بد دادن نیز مخالف نظر اسلام می‌باشد و نمیتوان زنان را مانند مال به خاطر حل منازعه استعمال نمود. قبل از ظهور اسلام با زنان به مثابه اموال رفتار می‌گردید و عملاً به ارث برده می‌شدند. قرآن کریم این عنعنه مضر را از میان برداشت. (به صحیح مسلم، کتاب النکاح، فصل 9 رجوع شود). بر علاوه در اسلام مسئولیت جزایی متوجه خود مجرم می‌باشد و به شخص دیگر سرایت نمی‌کند درحالی‌که در بدادن مجرم معاف می‌گردد و پیامد های عمل او متوجه شخص دیگر می‌گردد. خداوند (ج) در قرآن کریم میفرماید " (و نمی‌کند عمل هیچکس مگر بر خود) و هر که گناه میکند بر ذمه اوست و بر ندارد هیچ بردارنده بار دیگری را. باز به سوی پروردگار شما رجوع شماست پس خبردار کند شمارا به آنچه که در آن اختلاف دارید". آیه 164 سوره الانعام

بر اساس احکام شرعی بر والدین لازم است تا در راستای تأمین منافع اولادشان به بهترین وجه آن، عمل نمایند. نامزدی و عروسی تنها برای مقاصد مالی مخالف احکام شرعی بوده و موجودیت رضایت، که در اسلام یک اصل غیر قابل انکار و تغیر است، در هر عقد نکاح شرط لازم می‌باشد.

آیه قرآن کریم در ذیل تأکید می‌نماید که والدین باید در جهت منافع خانواده‌شان اقدام نمایند که شامل هر فرد خانواده میشود. این اقتضاء به شکل اجباری می‌باشد نه اختیاری.

"ای مؤمنان نگهدارید نفسهای خود را و اهل خانه خود را از آتشی که آتش انگیز آن مردمان و سنگهاست..." آیه ششم سوره التحريم (6:66)

بعضی از کارشناسان اسلامی که بخش حقوق بشر یوناما با آنان مشوره نموده این آیه را طوری تفسیر می‌نمایند که هرگاه یک دختر به اساس هر نفع شخصی و در تضاد با خواست وی به ازدواج داده شود این موضوع با اصول شریعت در تناقض بوده و فضایی را ایجاد می‌نماید که به زندگی معنوی وی صدمه وارد می‌گردد.

قضایای توضیحی:

در اپریل 2010 در قریه پریان ولایت پنجشیر یک خانواده در بدل دختری که به خاطر نامزدی اجباری از خانه فرار نموده بود (شنگری) دختر دیگری را گرفته بود. دختر متذکره با دوستش فرار نموده بود. به اساس گزارشها شورای محلی تصمیم گرفت که خانواده پسر که دختر مذکور با وی فرار نموده بود، باید 500,000 افغانی (که تقریباً معادل 11600 دالر امریکایی می‌شود) را به خانواده پسر که دختر با وی نامزد بود، بپردازد. بعداً شورا تصمیم گرفت که علاوه بر جریمه نقدی، پدر پسر که دختر با او فرار نموده بود جهت "جبران خساره" یکی از دخترانش را نیز بدهد. بر این تصمیم توافق صورت گرفت و در نتیجه دختر 19 ساله به نامزدی پسر 13 ساله در آورده شد. پدر پسر شکایت دارد که وی باید همه مواشی و مقداری از زمین خود را به فروش برساند و یا به اجاره دهد تا پول لازمه را فراهم نماید. وی همچنان به حقوق بشر یوناما گفت که او با باشندگان قریه متذکره منازعه مسلحانه نیز داشته است بناءً وی می‌خواهد خانواده خود را بخاطر مصئونیت آنان به کابل انتقال دهد.³³

یک واقعه دیگر در ولایت ارزگان بعد از نشر عکس قربانی در صفحه اصلی مجله تایمز³⁴ در رسانه-های بین المللی تحت پوشش وسیع قرار گرفت. زمانی که عایشه 12 سال داشت پدرش او و خواهرش را به ازدواج داد تا یک قضیه قتل را حل و فصل نماید. کاکای عایشه یک تن از اعضای خانواده ای را که عایشه در آن به عروسی داده شده بود، به قتل رسانده بود. در خانه شوهر خانواده‌های شوهرشان این دو دختر را یکجا با حیوانات نگهداری می‌کردند، از آنان بقسم برده استفاده می‌نمودند و آنان را به خاطر جرمی که کاکای شان مرتکب شده بود، لت و کوب می‌نمودند. عایشه فرار نمود ولی شوهرش او را دستگیر و هر دو گوش و بینی وی را قطع نمود که بعد از خونریزی شدید او بیهوش گردید (گفته می‌شود که مردی که همسرش او را شرمسار سازد در حقیقت بینی او را بریده، و اینطور به نظر می‌رسد که شوهر عایشه به وی عین همان جزا را داده است). عایشه از این مجازات جان بدر برد؛ سازمان‌های زنان افغان به او کمک نموده و به منظور جراحی ترمیمی به ایالات متحده امریکا فرستاده شد. خواهر 10 ساله وی با خانواده خسورش که بدرفتار می‌باشد، هنوز هم در ولایت ارزگان بسر می‌برد.

دیدگاه جامعه

"دختر هیچگاهی مورد احترام فامیل شوهر قرار نمی‌گیرد زیرا آنان وی را با مرد یا پسر که مرتکب قتل گردیده، مرتبط دانسته و به همان اندازه او را نیز مجرم تلقی می‌نمایند. برای گرفتن انتقام با او همانند برده رفتار می‌نمایند. گاهی وی مجبور می‌شود تا با حیوانات در طویله بخوابد" (مصاحبه با جمعی از زنان پشتون، ولسوالی قیصار، ولایت فاریاب، اپریل 2010)

در ساحات مرکز کشور، بد دادن در میان اقوام پشتون، تاجیک (ولایت پنجشیر)، پشه ای (اله سایی در ولایت کاپیسا) و سید (ولایت پروان) گزارش داده شده است. بخش حقوق بشر یوناما از خلال مصاحبه‌ها و بحث‌های گروهی دریافت که مخالفت شدیدی در مقابل به ازدواج درآوردن دختران برای حل منازعه وجود دارد. بیشتر زنان و

مردانی که با آنان مصاحبه صورت گرفت اظهار داشتند که خانواده شوهر، دختری را که به بد می-

³³ قضیه به بخش حقوق بشر یوناما گزارش داده شد که به تعقیب آن مصاحبه با پدر و دختر فراری صورت گرفت، اپریل 2010
³⁴ آرین بیکر، "زنان افغان و بازگشت طالبان"، مجله تایمز 9 اگست 2010، و راد نورلند، "عکس افغان مثله شده در صفحه اول مجله، بحث داغ را برانگیخت"، نیویارک تایمز 4 اگست 2010.

گیرند، مانند مال یا جنس تلقی می‌نمایند، آنان همچنین گفتند از زنان و دخترانی که به بد داده می‌شوند به شکل برده استفاده به عمل می‌آید. با آنان بد رفتاری، خشونت فیزیکی و رفتار تحقیر آمیز صورت می‌گیرد تا انتقام جرمی را که یکی از مردان خانواده آن دختر انجام داده، گرفته باشند. مثلاً در جنوب³⁵ اشتراک کنندگان زن و مرد در مباحثات گروهی گفتند که بد دادن خطر جدی را متوجه دختر می‌سازد زیرا برادر و یا اقارب وی مسئول قتل عضو فامیلی است که وی در آن به ازدواج داده شده است. عروسی بدون مراسم باشکوه برگزار می‌گردد و لکه ننگ "بد داده شدگی" تا آخر عمر با دختر باقی می‌ماند. علاوه بر آن از لحاظ نظری، بد دادن خصومت و منازعه را حل و فصل می‌کند، ولی در عمل خانواده شوهر عقده‌های ناشی از جرم ارتکاب یافته را بالای دختری می‌کشایند که به بد داده شده است. تحقیر و لت و کوب عام بوده و در بعضی حالات خانواده خسور، دختر بد داده شده را از برقراری ارتباط با پدر، مادر، خواهر و برادر وی ممانعت می‌نمایند³⁶.

بعضی از آنانی که توسط بخش حقوق بشر یوناما در نقاط مختلف کشور مصاحبه گردیدند در مورد مزایای این گونه میکانیزم‌های سنتی حل منازعات برای جلوگیری از دشمنی‌های خونی بیشتر میان فامیل‌ها صحبت نمودند³⁷. آنان به حقوق بشر یوناما گفتند بد دادن به خاطر محکم ساختن روابط میان فامیل‌ها و اقوام متخاصم مثمر بوده و سبب اختلاط خون در میان چنین اقوام می‌گردد. لیکن اکثر

یک اشتراک کننده در مباحثه گروهی متمرکز که توسط بخش حقوق بشر یوناما در ولایت ارزگان دایر گردیده بود، بد دادن را در منطقه خویش قرار ذیل شرح داد:

"دختران بعضاً جهت جبران خساره به منظور فروکش کردن یا جلوگیری از منازعات ناشی از قتل، مبادله می‌گردند. معمولاً یک هیئت از خانواده قاتل به خانواده مقتول می‌آید. این هیئت "مرکه" (معرکه) نام داشته و با خود پول نقد، تفنگ و گوسفند می‌آورد. هرگاه فامیل مقتول مصالحه را قبول نماید، گوسفند قربانی شده و با آن رضایت و خوشی ابراز می‌گردد. احتمال قبول تفنگ نیز می‌رود ولی عموماً پول در این میان مورد قبول قرار نمی‌گیرد به خاطر که زندگی انسان را نمی‌توان با پول خرید. هر گاه چنین گردد هیئت تصمیم می‌گیرد تا یک یا چند دختر از خانواده قاتل را به ازدواج افراد از خانواده مقتول در آورد که آنرا "بد" می‌گویند.

(مباحثه گروهی متمرکز با مردان که توسط حقوق بشر یوناما راه اندازی گردیده بود. اپریل 2010)

مصاحبه شوندگان تأیید نمودند که دختری که به بد داده می‌شود، به جای عضو مرد خانواده‌اش که اساساً مرتکب جرم گردیده، مورد مجازات قرار می‌گیرد. فامیل متضرر که دختر به آنها به بد داده می‌شود او را مورد سوء استفاده قرار داده و از او انتقام می‌گیرند. آنان وی را به حیث عروس قبول نداشتند و او را برده می‌سازند؛ پسر نیز به احتمال زیاد با زن دیگری ازدواج می‌نماید.

در مناطق شمال³⁸ زنان پشتون در جریان گفتگو با بخش حقوق بشر یوناما اظهار داشتند که بد دادن وقتی صورت می‌گیرد که شوهر از عدم باکره بودن همسر تازه عروسی شده‌اش آگاه می‌شود. وی

³⁵ پژوهش و مباحثات در ولایت‌های ارزگان و نیمروز، اپریل و می 2010.

³⁶ بر اساس مباحثات گروهی در ولایت ارزگان، مارچ 2010.

³⁷ در بعضی حالات بد دادن خوب است زیرا چنین کاری از خونریزی بیشتر جلوگیری می‌نماید.

³⁸ در این گزارش مناطق شمال دربر گیرنده 5 ولایت بلخ، سمنگان، سرپل، جوزجان، فاریاب و در مجموع 54 ولسوالی می‌باشد که مردمی با قومیت‌های مختلف بشمول ازبک، تاجیک، ترکمن، هزاره، عرب، پشتون و تاتار در آن سکونت دارند.

عروس را دوباره به خانه پدر برمی‌گرداند و خواهر باکره‌اش را به شکل تاوان به همسری خویش می‌گیرد.³⁹ بزرگان منطقه، ملا امامان، روسای قریه، قومندانان محلی و مردانی از هر دو فامیل در تمام میانجیگری‌های که به منظور تأمین روابط فامیل‌های متخاصم صورت می‌گیرد اشتراک می‌نمایند.⁴⁰ با همه آنانی که صحبت گردید گفتند؛ در حالی که دانش وسیع در مورد عدم مشروعیت بد دادن وجود دارد؛ حتی بعضی از آنها از غیرقانون بودن "بد دادن" در قانون منع خشونت علیه زن نیز صحبت نمودند ولی با آنها گفتند که بد دادن در هر پنج ولایت مناطق شمال وجود دارد.

اعضای شورای محلی گفتند که آنان بد دادن را دیگر منعیست یک رسم قابل قبول نمی‌بینند.⁴¹ یک خانم که رئیس یک دستگاه رادیوی محلی بود گفت که در مناطق روستایی این رسم هنوز هم جریان دارد.⁴² طوری که یکی از اعضای شورای ولایتی گفت:

«حقیقت اینست که این رسم به مرور زمان کاهش پیدا می‌کند. به طور مثال فعلاً بد دادن در جوامع زیاد رخ نمی‌دهد. مردم در مقابل بد دادن، حتی در مناطق دور دست، مخالفت می‌ورزند به این دلیل که آنها به پیامدهای منفی بد دادن پی برده‌اند و به اعضای زن خانواده‌اش نیز ارزش قایل‌اند.»⁴³

3.3 بدل (تبادله زنان یا دختران به منظور ازدواج)

سه تن از زنان ترکمن به بخش حقوق بشر یوناما گفتند که آنان را خانواده‌هایشان زمانی که در سنین پائین قرار داشتند به ازدواج بدل داده بودند. آنان گفتند که به آنها گفته شده بود که ازدواج آنان به نفع خانواده‌هایشان می‌باشد. همچنان اظهار داشتند که بخاطر این که هزینه کافی با خود نیاورده بودند، طفل‌های زیاد بدنیا نمی‌آوردند و یا کارهای خانه را بصورت درست انجام داده نمی‌توانستند، مورد شکنجه فیزیکی و روانی خانواده‌های خسورشان قرار گرفته و از این ناحیه زجر زیادی کشیدند. چنانچه یکی از خانم‌ها گفت "به جز از فرار راه دیگری نداشتم مگر اینکه خشونت را تحمل می‌کردم."⁴⁴

ازدواج بدل، موافقت دو جانبه میان خانواده‌ها برای تبادله دختران شان به منظور ازدواج می‌باشد. خانواده‌ها با این کار از چانه زنی در مورد پول و هزینه و بیم قرضدار شدن جلوگیری می‌نمایند. آنهایی که بخش حقوق بشر یوناما با آنها مصاحبه نموده گفتند که ازدواج‌های بدل در سراسر افغانستان به وقوع می‌پیوندند ولی بیشتر در بین خانواده‌های فقیر روستایی معمول می‌باشد. همه خانواده‌ها ازدواج بدل را انجام نمی‌دهند، مثلاً در بین اکثریت نفوس ازبک ولایت جوزجان چنین رسمی وجود ندارد.

چنین کاری زنان را از ازدواج مبتنی بر رضایت آنان که حقوق بین الملل، قوانین ملی و شریعت اسلامی ایجاب می‌کند باز می‌دارد. ازدواج بدل همچنین متناقض با مقتضیات شریعت اسلامی است که

³⁹ مصاحبه با جمعی از زنان پشتون از ولسوالی چمتال ولایت بلخ، اپریل 2010.

⁴⁰ مصاحبه با وکیل مدافع از سازمان حقوق بشر افغانستان در ولایت بلخ، اپریل 2010.

⁴¹ مصاحبه با اعضای شورای محلی از یک قریه تاجک، ولسوالی خررم و سرباغ ولایت سمنگان، اپریل 2010.

⁴² مصاحبه با رئیس رادیوی محلی در ولایت بلخ که یک زن می‌باشد، اپریل 2010.

⁴³ مصاحبه با 5 تن از اعضای شورای ولایتی و ولایت سرپل (زنان و مردان)، اپریل 2010.

⁴⁴ مصاحبه جمعی، قریه عرب قلخ، ولسوالی خواجه دو کوه ولایت جوزجان، اپریل 2010.

شخص را از به ازدواج دادن دخترش به شخص دیگری به منظور اجتناب از مهر منع می‌نماید، زیرا مهر حق شخصی زن است.

یکی از پیامدهای بیشتر گزارش شده چنین ازدواج‌ها بدرفتاری با عروس توسط خسوران وی در مقابل هر نوع بدرفتاری است که با دختر آنان صورت می‌گیرد. به طور مثال هرگاه زنی که به ازدواج بدل داده شده مورد لت و کوب قرار گیرد، خانواده پدر او ممکن است زنی را که بدل او در آن خانه می‌باشد به خاطر گرفتن انتقام مورد لت و کوب قرار دهد. اگر یک شوهر زن خود را طلاق بدهد، شوهر دیگر نیز ممکن چنین کاری کند. این عمل که زنان را از حق ازدواج مبتنی بر رضایت باز می‌دارد در حقیقت محرک خشونت علیه زنان نیز می‌باشد.

قوانین داخلی افغانستان

قانون منع خشونت علیه زن

ماده 26

هرگاه شخص زنی را که سن قانونی را تکمیل نموده بدون رضایت وی نامزد یا به عقد نکاح درآورد، حسب احوال به حبس متوسط که از دو سال کمتر نباشد محکوم، نامزدی و نکاح مطابق احکام قانون فسخ می‌گردد.

قانون جزاء

ماده 517

1) شخصیکه زن بیوه یا دختری را که سن هجده سالگی را تکمیل نموده باشد به خلاف رضا و رغبت وی به شوهر دهد، حسب احوال به حبس قصیر محکوم می‌گردد

احکام شرعی

در اسلام فقط ازدواج که مبتنی بر رضایت جانبین باشد قابل قبول می باشد (به "ازدواج اجباری" در فوق مراجعه نمایید).

نکاح شغار، تبادل زان بدون رضایت آنان و بدون مهر لازم منع می باشد. عبد الله ابن عمر (صحابی پیامبر (ص)) گفت: پیامبر (ص) شغار را منع نموده، که بدین معنی است هیچ مرد نمی تواند دختر خود را به عقد مرد دیگری بدون مهریه در آورد به شرط که او نیز دخترش را به عقد وی بدون مهریه در آورد. (صحیح مسلم کتاب 008، کتاب النکاح، فصل 7 شماره 3295)

ازدواج های بدل در حقیقت ایجابات رضایت و پرداخت مهر را نقض میکنند.

قضایای توضیحی

در یک قضیه حساس که در ماه می 2010 گزارش شد، دو دختر در سنین 13 و 14 سالگی از ولایت غور مجبور به ازدواج بدل گردیدند، هر دو دختر به ازدواج مردان مسن خانواده‌های مقابل در آورده شده بودند. گفته می‌شد شوهران این دو دختر آنان را زمانی که از وصلت اجتناب ورزیدند، مورد لت و کوب قرار دادند. پولیس دختران را به قریه دور دست‌شان برگرداند در آنجا ملاهای محلی و یک جنگ سالار سابقه آنها را در ملاء عام به جرم فرار از منزل شلاق زدند. قضیه زمانی آشکار گردید که ویدیوی شلاق زدن آنها به بیرون از ولسوالی درز کرد. این دو دختر بسیار خوشبخت بودند زیرا در نهایت آنان مطلقه اعلان گردیده و به خانه‌هایشان فرستاده شدند.⁴⁵

نمایندگان جامعه مدنی در ولایت بامیان به دفتر حقوق بشر یوناما قضیه را شریک ساختند که در آن دو مرد 50 ساله دختران‌شان را که حدوداً 13 و 14 سال سن داشتند در ولسوالی پنجاب به یک دیگر به ازدواج بدل داده بودند.⁴⁶

دیدگاه جامعه

افغان‌ها در مناطق مختلف، نیازمندی اقتصادی را سبب اصلی ازدواج‌های بدل تلقی نمودند.⁴⁷ ازدواج بدل فامیل‌ها را از بار پرداخت هزینه گزاف عروسی رهایی می‌بخشد.⁴⁸ بعضی افغان‌هایی که مصاحبه شدند اظهار داشتند که اکثر فامیل‌ها ازدواج بدل را آخرین گزینه می‌پندارند اما مصارف گزاف عروسی⁴⁹ ازدواج بدل را هر چه بیشتر خوشایند می‌سازد. در جریان مباحثه با افراد در ولایت ارزگان، آنها گفتند که تمام ازدواج‌ها طور فوری انجام نمی‌شوند، تنها تعهدات به ازدواج در آوردن مبادله می‌گردد.⁵⁰ در گفتگو و مصاحبه با بخش حقوق بشر یوناما بسیاری از مردم به شمول یک تعداد زنان پشتون از ازدواج بدل به عنوان "منفعت مردم و کاهش هزینه عروسی" دفاع نمودند.⁵¹ دیگران این عمل را تقلیل ارزش ازدواج به منزله یک معامله اقتصادی دانستند.⁵²

⁴⁵ به "عروس‌های خرد سال از ازدواج فرار می‌توانند ولی از شلاق نه"، راد نورلند، روزنامه نیویاک تایمز، 30 می 2010 مراجعه نمایند.

⁴⁶ چنانچه به حقوق بشر یوناما در جریان گفتگو با فعالین جامعه مدنی گزارش داده شد، می 2010.
⁴⁷ مصاحبه با عضو شورای ولایتی زنان در ولایت فاریاب، اپریل 2010. در جریان مباحثه گروهی، فقر و نیازمندی اقتصادی منحصبت عامل اصلی ازدواج بدل در ساحات مرکز کشور گزارش گردید، مارچ/اپریل 2010، و در مصاحبه با نمایندگان جامعه مدنی در ولایت بامیان. در گفتگو با مردان در ولایت ارزگان (مارچ 2010)، آنان گفتند که ازدواج بدل خانواده‌ها را از بار قروض رهایی می‌بخشد و بعضی اوقات یک مقدار پول هم مبادله می‌گردد در صورتیکه جفت (دختران که مبادله می‌شوند) با هم مساوی نباشند.
⁴⁸ یک گروه از مصاحبه‌شوندگان گفتند فامیل‌های ثروتمند پشتون در ولسوالی خلم ولایت بلخ ازدواج بدل را برای تقویت حیثیت و موقف اجتماعی خویش انجام می‌دهند، اپریل 2010.

⁴⁹ که می‌تواند به بسیار سادگی بالغ بر 1,200,000 افغانی یا 28000 دالر امریکایی گردد.
⁵⁰ مباحثه گروهی، ولایت ارزگان، مارچ 2010.
⁵¹ یک گروه از زنان در ولسوالی چمتال ولایت بلخ همچنان اظهار داشتند که ازدواج بدل "اقدام خوبی است زیرا این عادت به ما امکان ازدواج دختران و پسران را بدون مصارف گزاف می‌دهد." اپریل 2010.
⁵² مصاحبه با یک گروه از علما و استادان ازبک، ولسوالی خان چهارباغ ولایت فاریاب. "مقدار قلین وابسته به چگونگی دختر می‌باشد. هرگاه دختر زیبا باشد و یا درآمد خوب داشته باشد (مثلاً قلین باف، خیاط، بافنده باشد)، قلین وی نیز زیاد خواهد بود." یک تن از

3.4 ازدواج زود هنگام

"اگر دختر را با کلاه زدی و او چپه نشد (به زمین نخورد)، پس زمان عروسی وی فرا رسیده."⁵³

ازدواج زود هنگام یکی از شدیدترین اشکال سوء استفاده از اطفال را تشکیل داده که تأثیرات منفی نامتناسب بالای دختر می‌گذارد. این هم عامل و هم پیامد (علت و معلول) شدیدترین نوع تبعیض جنسیتی می‌باشد. این رسم به دختران صدمه زده و آنان را از مستفید شدن کامل دوران طفولیت محروم نموده و اادار به ازدواج می‌نمایند (به سبب اینکه آنان در دوره طفولیت قرار دارند، نمی‌توانند در مورد همسر آینده تصمیم آگاهانه اتخاذ نمایند). آنان همچنین از حق تعلیم و صحت نیز محروم می‌گردند، چون ازدواج زود هنگام نیز منجر به طفل دار شدن در سن پائین می‌گردد که از لحاظ روانی و فیزیکی دختران زیر سن آمادگی آن را ندارند. به سبب فقر فراگیر، ازدواج زود هنگام نیز گاهی به "فروش" دختران می‌انجامد، خصوصاً به مردان مسنی که در بدل ازدواج با دختران زیر سن به خانواده فقیر وی پول پرداخت می‌نمایند. از آنجائی که مردان مسن دختران کم سن و سال را به شکل همسر اضافی (هوسی) به ازدواج می‌گیرند، رواج تعدد زوجات، به گفته افغان‌هایی که با آنان مصاحبه صورت گرفتند، ازدواج زود هنگام را بیشتر می‌سازد.⁵⁴

ازدواج زود هنگام در سراسر افغانستان در همه مناطق و در میان همه گروه‌های قومی رایج است. مطابق به گزارش یونیمف و کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، 57 درصد ازدواج‌ها را ازدواج زود هنگام تشکیل می‌دهد که در آن حداقل یکی از زوجین زیر سن 16 سال می‌باشد.⁵⁵ در یک پژوهش در مورد 200 تن از دخترانی که زیر سن به ازدواج داده شده بودند، معلوم گردید که 40 درصد آنان بین سنین 10 تا 13 سال، 32.5 درصد در سن چهارده سالگی و 27.5 درصد در سن پانزده سالگی به ازدواج داده شده بودند.⁵⁶ با وجود وسعت ازدواج زود هنگام در افغانستان، بیشتر اشتراک کنندگان مباحثات گروهی متمرکز اظهار داشتند که ازدواج زود هنگام یکی از مضرترین رسوم علیه اطفال در افغانستان می‌باشد.

پارادوکس‌ها و تناقضات حقوقی زیادی در رابطه به ازدواج زود هنگام در قوانین افغانستان وجود دارد.⁵⁷ بطور مثال به اساس قانون جزاء، "زنا" و "تجاوز به ناموس" شخص زیر سن 18 از جمله

مصاحبه شوندگان با تأکید بر جنبه مالی ازدواج گفت "در میان اقوام ترکمن، هزینه ازدواج زن بیوه نسبت به دختر عروسی نشده بیشتر است. زیرا زن بیوه در یافتن قالین تجربه بیشتر دارد. به این اساس هزینه ازدواج زن بیوه در مناطق شمال تقریباً به 470000 افغانی بالغ می‌گردد (تقریباً 10000 دالر امریکایی).

⁵³ این ضرب المثل در جریان گفتگو با جمعی از زنان افغان ولسوالی چمتال ولایت بلخ نقل قول گردید، اپریل 2010.

⁵⁴ گفتگو با تعدادی از زنان و مردان در ولایات مختلف کشور این را روشن ساخت که تعدد زوجات یکی از عوامل ازدواج زود هنگام می‌باشد. به گفته یک آموزگار دینی که توسط بخش حقوق بشر یوناما مصاحبه شد، مردان زمانی که زنان‌شان پسر و یا هیچ طفلی بدنیا نمی‌آورند به ازدواج دوم اقدام می‌نمایند و یا اینکه به خاطر این دیدگاه که آنان اجازه دارند تا چهار زن بگیرند. مردانی که حقوق بشر یوناما با آنان مصاحبه نمود گفتند که اسلام برای یک مرد حق ازدواج الی چهار زن را داده البته مشروط بر اینکه بتواند با زنان خود مساویانه رفتار نموده و عدالت را در میان آنان تأمین نماید. گفتگو با علمای دینی و مباحثه جمعی متمرکز با مردان در ولایت های بلخ و فاریاب. قرآن مجید میگوید: سوره النساء (4) آیه سه "... نکاح کنید کسی را که خوش آید به شما از زنان دو دو و سه سه و چهار چهار، پس اگر ترسیدید که عدل کرده نمیتوانید پس نکاح کنید یک زن را..." سوره النساء آیه 129 "و هرگز نمی‌توانید که عدالت کنید میان زنان و اگر چه در آن حرص کنید (پس) میل نکنید به تمام میل، پس می‌گذارید آن زن را مانند معلقه". برگرفته شده از تفسیر کابلی ترجمه دری آن

⁵⁵ یونیمف افغانستان، "وضع زنان در افغانستان" جزوه معلوماتی، یونیمف افغانستان 2008.

⁵⁶ ازدواج قبل از وقت در افغانستان، نهاد تحقیقاتی حقوق زنان و اطفال 2008.

⁵⁷ ازدواج اطفال و قانون، سری نشرات یونیسیف راجع به اصلاح قوانین، جنوری 2008.

جرائم شدید تلقی می‌گردد. همین طور در قانون منع خشونت علیه زن تجاوز جنسی صریحاً جرم دانسته شده⁵⁸، در صورتی که متضرر تحت سن 18 باشد، این جرم مستحق اشد مجازات می‌باشد. ولی عین روش، یعنی مقاربت جنسی با یک طفل در تحت پوشش ازدواج مورد پذیرش قرار گرفته است⁵⁹. افزون بر آن، عملاً، ازدواج دختران افغان زیر سن هنوز بدون مجازات باقی می‌ماند. بخش حقوق بشر یوناما پیشنهاد می‌نماید که برای جلوگیری از چنین تناقضات و حفاظت از حقوق اطفال لازم است تا همه قوانین افغانستان "طفل" را اعم از پسر و دختر زیر سن 18 اعلام نماید تا با تعهدات بین المللی حقوق بشر افغانستان مطابقت داشته باشد.

یک نظریه عمومی راجع به مقتضیات میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی (که افغانستان به آن ملحق شده است) بیان می‌نماید:

"مردان و زنان حق دارند تا به رضا و رغبت خود ازدواج نمایند. دولت‌ها تعهد دارند تا از چنین حقی به صورت مساویانه محافظت بعمل آورند. عوامل زیادی زنان را از ازدواج بصورت آزادانه باز می‌دارند. یکی از این عوامل مرتبط با حداقل سن ازدواج است. این سن باید توسط دولت‌ها بر اساس معیار مساوی برای مردان و زنان تعیین گردد. این معیارها باید قابلیت زنان را برای اتخاذ تصمیم آگاهانه و بدون اجبار تضمین نماید. عامل دوم در بعضی از کشورها، بر اساس قوانین موضوعه یا عرف، وجود رضایت "ولی یا سرپرست" که معمولاً مرد می‌باشد به جای رضایت خود زن قرار می‌گیرد، که در نتیجه زن را از اتخاذ تصمیم آزادانه باز می‌دارد."⁶⁰

کمیته «رفع هر گونه تبعیض علیه زنان» اصطلاح "ازدواج زودهنگام" را در مورد ازدواج هر شخصی که تحت سن 18 است به کار می‌برد، اما در قانون مدنی افغانستان حداقل سن را تکمیل 16 سال برای دختران و 18 سال بران پسران تعیین نموده است. قانون مدنی افغانستان نیز به پدر دختر یا محکمه با صلاحیت اجازه می‌دهد تا در ازدواج دختری که پانزده سال سن دارد "رضایت" دهد، ولی این به این منظور است که تنها باید در شرایط خاص به کار برده شود⁶¹.

قضایای توضیحی

در فیروزی سال 2010، یک شورا در ولایت بغلان تصمیم گرفت تا دختر 13 ساله‌ای را به ازدواج مرد 65 ساله که مبلغ 3000 دالر امریکایی را از بابت ازدواج با طفل مذکور داده بود، درآورد. دختر به سن 3 سالگی یتیم شده بود و همسایه وی از او مراقبت می‌نمود. زمانی که برادر دختر می‌خواست

⁵⁸ ماده 17 قانون منع خشونت علیه زن تصریح میکند که: " (1) شخصی که مرتکب تجاوز جنسی بر زن بالغ گردد، با نظر داشت حکم مندرج ماده (426) قانون جزاء به حبس دوام و در صورت فوت مجنی علیها به اعدام محکوم میگردد." ماده 17 فقره 2 "شخصی که مرتکب تجاوز جنسی بر زن نابالغ گردد، با نظر داشت حکم مندرج ماده (426) قانون جزاء به حد اکثر حبس دوام و در صورت فوت مجنی علیها به اعدام محکوم میگردد." قانون منع خشونت علیه زن عناصر تشکیل دهنده تجاوز جنسی را واضح تعریف نکرده است. ماده 17 فقره (5) " هرگاه مجنی علیه جرم مندرج فقره این ماده به سن (18) سالگی نرسیده یا مرتکب جرم، اقارب تا درجه سوم، مربی، معلم، مستخدم یا طبیب مجنی علیها بوده یا به نحوی بالای مجنی علیها نفوذ و اختیار داشته باشد، فاعل حسب احوال به حبس طویل که از ده سال بیشتر نباشد محکوم میگردد".

⁵⁹ همان، ازدواج زودهنگام و قوانین، یونیسف.
⁶⁰ کمیته حقوق بشر، نظریه عمومی شماره 28. برابری حقوق مرد و زن (ماده 3) سند سازمان ملل متحد. CCPR/C/21/Rev. نظر در مورد ماده 3 میثاق حقوق مدنی و سیاسی، که افغانستان به آن ملحق شده، می‌باشد.

⁶¹ ماده 70 قانون مدنی تصریح می‌نماید: " اهلیت ازدواج وقتی کامل می‌گردد، که نکور سن 18 و اناث شانزده سالگی را تکمیل کرده باشند." ماده 71 قانون مذکور با جزئیات بیشتر تصریح میکند" ماده 71 (1) " هرگاه دختر سن مندرج ماده 70 این قانون را تکمیل نکرده باشد عقد ازدواج وی تنها توسط پدر صحیح التصرف یا محکمه با صلاحیت صورت گرفته می‌تواند" ماده 71 بند (2) قانون مدنی" عقد نکاح صغیره کمتر از 15 سال به هیچ وجه جواز ندارد"

وی را از خانه همسایه بیرون نماید، همسایه تقاضا نمود تا پول نگهداری 10 ساله دختر را به آنها پرداخت نماید. قضیه بعداً توسط شورا حل گردید و همسایه و برادر دختر پول ازدواج را میان هم تقسیم نمودند.⁶²

در جنوری 2010 در ولایت پروان مادر و پدراندر (ناپدری) یک دختر 13 ساله وی را جبراً به ازدواج مرد 32 ساله دادند. همسر اول مرد مذکور وفات نموده بود و چهار طفل از خود بجا گذاشته بود. مادر دختر از بابت ازدواج دخترش پول دریافت نموده بود. شوهر دختر معتاد به مواد مخدر بود و وی را لت و کوب می نمود؛ دختر به ریاست امور زنان شکایت خویش را درج نمود. با توجه به اینکه شوهر دختر با حمایت قومندان محلی دختر را دوباره خواهد برد، بخش حقوق بشر یوناما با همکاری پولیس و رئیس امور زنان، مادر دختر را متقاعد نمود تا اجازه دهد دخترش به مرکز زنان برود؛ جایی که وی در آنجا چندین هفته را سپری نمود. با تائید اوضاع و احوال قضیه، مقامات محلی توافق نمودند که سکونت دختر با شوهرش بهتر است تا با مادر وی، زیرا پدر اندر او نیز رفتار خشونت آمیز داشته و مادر دختر می خواست تا دختر طلاق خود را از شوهرش بگیرد تا بتواند دخترش را به کسی دیگر که منافع پولی به وی وعده داده بود، به ازدواج دهد. به اساس تضمینی که از طرف بزرگان محل مبنی بر اینکه شوهر دختر دیگر از خشونت استفاده نخواهد کرد، ارائه داده شد بود، مقامات محلی دختر را دوباره به شوهرش تسلیم نمودند. شبکه محافظت اطفال قضیه را تعقیب و از محفوظ بودن دختر اطمینان حاصل می کند.⁶³

قوانین داخلی افغانستان

قانون منع خشونت علیه زن

ماده 28

هرگاه شخص زن را که سن قانونی ازدواج را تکمیل ننموده و بدون رعایت حکم ماده 71 قانون مدنی به عقد نکاح درآورد حسب احوال به حبس متوسط که از دوسال کمتر نباشد محکوم و نکاح در صورت مطالبه زن، مطابق احکام قانون فسخ می گردد.

قانون مدنی

ماده 70

اهلیت ازدواج وقتی کامل می گردد، که ذکور سن 18 و اناث شانزده سالگی را تکمیل کرده باشند.

ماده 71

1- هرگاه دختر سن مندرج ماده 70 این قانون را تکمیل نکرده باشد عقد ازدواج وی تنها توسط پدر

⁶² قضیه در فیروزی 2010 توسط حقوق بشر یوناما بررسی گردید.
⁶³ قضیه در فیروزی 2010 توسط حقوق بشر یوناما بررسی گردید.

صحيح التصرف يا محكمه با صلاحيت صورت گرفته مي تواند.
2- عقد نكاح صغيره کمتر از 15 سال به هيچ وجه جواز ندارد.

احكام شرعي

چنانچه فوقاً در رابطه به ازدواج اجباري خاطر نشان گرديد، در اسلام رضايت هر دو جاني عقد براي انعقاد هر ازدواج الزامي ميباشد. ازدواج توافق بر قراردادي بين عروس و داماد واجدالشرايط ميباشد، صرف نظر از اينكه عروس باكره بوده يا مطلقه و يا بيوه باشد.

با آنكه قرآن كريم در مورد حد اقل سن ازدواج به وضاحت تذكر نداده، بعضي علمای ديني ازدواج دختری را كه به سن بلوغ جسمي رسیده مجاز میدانند. با تعداد از كارشناسان ديني كه بخش حقوق بشر يوناما با آنان صحبت نموده به اين باوراند كه به دليل كه طفل داراي پختگی و فهم نمی باشد تا آزادانه ازدواج نمايد پس ازدواج آنان نبايد اجازه داده شود.

ديدگاه جامعه

در مباحثات گروهی متمرکز كه به منظور تهیه اين گزارش راه اندازی گردیده بود، مردان و زنان افغان ازدواج زودهنگام را يك رسم زيانيار می دانستند. اشتراك كندگان در مناطق شمال گفتند كه ازدواج اطفال در ساحات روستايي فقير نشين نسبت به فاميل های شهری كه از لحاظ اقتصادي وضعيت بهتر دارند، بیشتر مرسوم می باشد⁶⁴. اما ازدواج زودهنگام اطفالي كه به بلوغ جسمي (puberty) رسیده (به نظر بسياری از افغانها بلوغ جسمي معيار بلوغ كامل (adulthood) و بناءً سن مناسب ازدواج ميباشد) ولی از لحاظ قوانين داخلي افغانستان، آنان هنوز طفل پنداشته ميشوند، يك هنجار پذيرفته شده می باشد. يك عضو شورای ولايتی در ولايت سمنگان گفت كه اكثر خانواده ها می خواهند دخترانشان را در سن 14 سالگی به ازدواج دهند⁶⁵.

در جريان يك ورکشاپ كه توسط بخش حقوق بشر يوناما راه اندازی گردیده بود، ولسوال منطقه گفت كه قوم گوجر در ولايت نورستان معمولاً دختران خردسال را با پسران خردسال باهم نكاح می كنند و آنان را اجازه می دهند كه باهم باشند تا آنان منحيث زن و شوهر زندگی نموده و به سن بلوغ برسند. وی به بخش حقوق بشر يوناما گفت كه او می خواهد چنین "رسوم منفي و غير اسلامي" را از جامعه خود ريشه كن نمايد⁶⁶.

⁶⁴ مباحثه گروهی متمرکز، ولايت بلخ اپريل 2010.

⁶⁵ مصاحبه با عضو شورای ولايتی، اپريل 2010.

⁶⁶ در جريان ورکشاپی كه توسط حقوق بشر يوناما در هماهنگی با كميسيون مستقل حقوق بشر افغانستان تدوير گردیده بود.

عضو یکی از شوراهای ولایتی که دخترش را در سن چهار سالگی نامزد نموده بود، از این رسم دفاع نمود: "پدرم چنین کاری را نموده بود و این یک عرف می‌باشد که در آن کدام عمل نادرستی وجود ندارد."⁶⁷ سایرین بشمول مدافعین حقوق زن عملاً این رسم را توجیه نمودند. یک تن از کارمندان دولتی زن گفت که وی و چندین فامیل دیگری را که او می‌شناسد دخترانشان را در سنین پائین به ازدواج درآورده‌اند تا آنان را از آدم ربایی، تجاوز جنسی و ازدواج اجباری با قومندانان محلی و اعضای گروه-های مسلح غیر قانونی محافظت نمایند.⁶⁸

تعدادی از افغان‌هایی که بخش حقوق بشر یوناما با آنان مصاحبه نمود گفتند که دختر به هر اندازه که دیرتر ازدواج نماید، به همان پیمانه احتمال از دست دادن بکارت وی بیشتر شده⁶⁹ و در نتیجه خواستگار او نیز کم می‌شود.⁷⁰ عده دیگر گفتند که آنان ترجیح می‌دهند تا دخترانشان را در سنین پائین به ازدواج دهند تا اینکه آنها در خانه بدون خواستگار بمانند.⁷¹ بعضی هم گفتند که مردان ترجیح می‌دهند تا با دختران خردساز ازدواج نمایند زیرا به آسانی می‌توانند اقتدار خود را بر آنها تحکیم نمایند.⁷²

در ولایت ارزگان زنان و مردانی که در مباحثه گروهی متمرکز شرکت کرده بودند، اظهار نمودند که ازدواج اطفال⁷³ در تمام ولایت مرسوم می‌باشد⁷⁴ و تخمین زدند که نصف ازدواج‌ها در روستاها به این شیوه اجراء می‌شوند. آنان نفوذ مثبت رسانه‌ها را در کاهش این رسم در روستاها مقرر دانستند. مردان و زنانی که در این مباحثات اشتراک داشتند گفتند که رسم چنین است که پسران و دختران وادار می‌شوند که هرچه زودتر ازدواج نمایند، البته هدف این تعجیل در ازدواج مختلف می‌باشد: هدف آن در مورد دختران اینست که آنان را از برقرار کردن رابطه قبل از ازدواج منع کنند و در مورد پسران برای آوردن افتخار می‌باشد زیرا در بین فامیل‌های قریه این پدیده به یک رقابت تبدیل گردیده است. همچنان تذکر دادند که پسران، زن را بخاطر کمک در کارهای خانه نیز به ازدواج در می‌آورند.⁷⁵

در ولایت نیمروز مردان و زنانی که در مباحثه گروهی متمرکز اشتراک نموده بودند و با آنان مصاحبه صورت گرفت، گفتند که بیشتر والدین دخترانشان را بین سنین 10 تا 15 سالگی به ازدواج می‌دهند ولی حتی بعضی در مرکز ولایت- زرنج- دختران خردتر از آن را نیز به ازدواج در می‌آورند.⁷⁶

⁶⁷ مصاحبه با یک تن از اعضای مرد شورای ولایتی در مناطق شمال، اپریل 2010.

⁶⁸ مصاحبه با عضو یک نهاد حقوق بشر داخلی در ولایت جوزجان اپریل 2010. وی گفت که او و چندین فامیل دیگر دخترانشان را به همین خاطر در سنین پائین به ازدواج درآورده‌اند. رئیس یک نهاد غیر دولتی (NGO) در مینه، مرکز ولایت فاریاب می‌گوید بیشتر فامیل‌ها این رسم را برای جلوگیری از ازدواج اجباری دخترانشان با قومندانانی که داشتن چند زن و زن خردسال را نماد قدرت و توانایی خویش می‌پندارند، انجام می‌دهند.

⁶⁹ بعضی از کارکنان صحی گفتند که یکی از پیامدهای شدیداً تحقیر آمیز تمایل شدید به ازدواج با دختر باکره، مجبور کردن دختران مجرد به سپری کردن "ازمایش بکارت" زیر نظر داکتران متخصص می‌باشد. مصاحبه با کارکنان بخش صحی ولایت جوزجان، اپریل 2010.

⁷⁰ مصاحبه با کارگردان انات دستگاه رادیویی ولایت بلخ، مصاحبه با فوکل پاینت عمومی UNHCR ولایت بلخ اپریل 2010.

⁷¹ مصاحبه با اشتراک کنندگان زن در مباحثه گروهی، از قوم ازبک، در ولسوالی خواجه سبز پوش ولایت فاریاب، اپریل 2010.

⁷² مصاحبه با آموزگار مذهبی، سوزما قلعه کمپ بیجاشدگان داخلی، ولایت سرپل، اپریل 2010

⁷³ در ولایت ارزگان "طفل" به کسی اطلاق می‌گردد که به سن بلوغ جسمی نرسیده باشد به این اساس حتی اطفال 8 تا 12 ساله می‌تواند بالغ در نظر گرفته شود. در جریان گفتگو با اشتراک کنندگان، آنان به پسران زیر سن 18 و دختران زیر سن 16 بالغ اطلاق می‌نمودند. اپریل 2010.

⁷⁴ اشتراک کنندگان مباحثه گروهی متمرکز گفتند که در مناطق هزاره نشین- خاص ارزگان و گیزاب (از طرف ولایت ارزگان اداره می‌شود با آنکه بخشی از ولایت دایکندی می‌باشد)، رسم ازدواج زود هنگام وجود ندارد. در مرکزترین کورت- رقم ازدواج اطفال نسبت به ولسوالی‌ها بسیار کمتر می‌باشد، مارچ 2010.

⁷⁵ مباحثات گروهی متمرکز با زنان و مردان بصورت جداگانه، ولایت ارزگان، مارچ 2010.

⁷⁶ یوناما جلسه‌ای را با جمعی از زنان تحصیل کرده و استادان، علما، اعضای جامعه مدنی زن و مقامات حکومتی و مرد بشمول ریاست امور زنان دایر نمود، اپریل 2010.

ازدواج دختران خردسال با مردان بزرگسال در دهات معمول می‌باشد. بخش حقوق بشر یوناما از بعضی از این قضایا به شمول قضیه مرد 45 ساله‌ای که با دختر 10 ساله در مرکز نیمروز- زرنج- ازدواج نموده بود، مطلع است.

در مناطق شمال در میان قوم ترکمن، بعضی والدین گفتند که آنان ترجیح می‌دهند تا دختران‌شان را بین سنین 18 تا 20 سالگی به شوهر بدهند. دختران ترکمن از سنین پائین بافتن قالین را می‌آموزند و منبع درآمد پولی برای خانواده های خویش می‌شوند.⁷⁷ با آنهایی که مصاحبه صورت گرفت گفتند که فامیل- های ترکمن به همین خاطر در بدل دختران خویش از داماد آینده‌شان پول بیشتری تقاضای می‌نمایند. هم زمان با اینکه مهارت‌های این دختران آنان را از ازدواج قبل از وقت محافظت می‌نماید، این مهارت آنان را از رفتن به مکتب نیز باز می‌دارد.⁷⁸ زنانی که با آنها مصاحبه صورت گرفت به بخش حقوق بشر یوناما گفتند "خانواده‌های ترکمن دختران‌شان را در 13 سالگی از رفتن به مکتب مانع می‌شوند زیرا آنان بیم دارند دختران‌شان بد اخلاق گردیده و پاکدامنی‌شان را از دست دهند و سرانجام با مردان ارتباط جنسی برقرار نمایند"⁷⁹. تعلیم دختران یک عامل مهم تأثیر گذار بر سن ازدواج می‌باشد. بخش حقوق بشر یوناما از چندین مکتب دخترانه در ولسوالی کوه بند و ولایت کاپیسا دیدن نمود که در آن به جز از یک دختر 14 ساله سایر دختران زیر سن 16 هیچ کدام نامزد نشده بودند.

نامزدی اطفال

ریشه کن نمودن ازدواج زود هنگام نیز متأثر از سنی است که دختران نامزد می‌شوند یا حداقل قرار ازدواج گذاشته می‌شود. در بعضی موارد نامزدی در سنین بسیار پائین صورت می‌گیرد ولی ازدواج بعد از مدت طولانی صورت می‌گیرد. در چنین حالت رضایت دختر مد نظر گرفته نمی‌شود که این مسئله در تناقض مستقیم با احکام شرعی قرار داشته و حق ازدواج آزادانه دختر با فرد مطلوبش نقض می‌گردد. موازین بین المللی افغانستان را مکلف ساخته است تا اطمینان حاصل نماید که زنان و مردان به صورت مساوی به رضا و رغبت خود آزادانه ازدواج نمایند. با وجود فقدان رضایت در ازدواج‌های زود هنگام، باز هم نامزدی در کودکی در قوانین افغانستان صریحاً منع نگردیده است.

در ولایت دایکندی، نمایندگان جامعه مدنی به بخش حقوق بشر یوناما گفتند که دختران در سنین کودکی حتی در سنین یک سالگی به نامزدی درمی‌آیند یا به خواستگاران وعده داده می‌شوند.⁸⁰ مصاحبه شوندگان در مناطق شمال گفتند که خانواده‌ها دختران‌شان را در سنین پائین به منظور حل مخاصمات یا تحکیم روابط خانوادگی، نامزد می‌نمایند. در بعضی حالات والدین طفل، حتی نامزدی دخترشان را اندکی بعد از تولد ترتیب می‌دهند.⁸¹ چنین ترتیبات میان خانواده‌های نزدیک صورت گرفته و به ندرت بر اساس تقاضای دختر فسخ می‌گردد.⁸²

⁷⁷ مصاحبه‌های انفرادی بخش حقوق بشر یوناما با کارکنان ساختمانی، ولسوالی آچه، ولایت جوزجان، اپریل 2010.

⁷⁸ "مردمان ترکمن اطفال انات‌شان را، به منظور اینکه فردا آنها، دختر، مادر یا زن کسی می‌شود نمی‌پروراند بلکه آنان را به عنوان ماشین قالین بافی و برده کارگری می‌کنند" مصاحبه با رئیس یک ان جی او، ولایت بلخ، اپریل 2010.

⁷⁹ مباحثه گروهی بخش حقوق بشر یوناما با زنان، مصاحبه های انفرادی با کارکنان ساختمانی، ولسوالی آچه، ولایت جوزجان، اپریل 2010.

⁸⁰ اشتراک کنندگان مباحثات به طور خاص به ولسوالی‌های خدیر، بندر و سنگ تخت ولایت دایکندی اشاره نمودند، مارچ 2010.

⁸¹ مصاحبه با کارمند اجتماعی اژانس همکاری‌های انکشافی و تخنیکی (ACTED) ولایت بلخ، اپریل 2010.

⁸² مصاحبه با رئیس بخش خشونت های فامیلی، واحد پاسخ دهی خانواده، پولیس ملی افغانستان، ولایت بلخ، اپریل 2010.

برخی از افغان‌ها گزارش دادند که در بعضی حالات نامزدی اطفال با جاری کردن خطبه نکاح انجام می‌شود که هر دو طرف را ملزم می‌سازد که بعداً با هم ازدواج نمایند. هر گاه نامزدی رسمی نگردد، بعضاً اعضای فامیل اطفال، نامزدی را در یک اجتماع اعلان می‌دارند. از لحظه اعلان نامزدی، عزت و وقار هر دو فامیل به اجرای ازدواج گره می‌خورد و هر گاه دختر بعداً به این ازدواج مخالفت ورزد و یا شوهر دیگری غیر از نامزد دوران طفولیتش انتخاب کند، متهم به نقض عزت و شرف خانواده شده و با عواقب آن مواجه می‌گردد.⁸³ عضو شورای ولایتی به بخش حقوق بشر یوناما خبر داد که وی نامزدی دختر 14 ساله‌اش را هنگامی که دختر وی 4 ساله بود ترتیب داده بود تا دخترش آینده خوبی داشته باشد.⁸⁴

در ساحات مرکز کشور به بخش حقوق بشر یوناما گفته شد که تعداد رویدادهای ناشی از نامزدی قبل از وقت حتی بیشتر از ازدواج قبل از وقت می‌باشد (والدین معمولاً انتظار می‌کشند تا دخترشان به سن بلوغ رسیده و محفل ازدواج را برگزار نمایند). در ولسوالی سروبی ولایت کابل، با آنانی که بخش حقوق بشر یوناما صحبت نمود گفتند که ترتیبات نامزدی در سنین پائین عام است و معمولاً به منظور تحکیم روابط خانواده‌ها صورت می‌گیرد. خانواده‌ها حتی پس از تولد، نوزادان‌شان را به کسی وعده می‌کنند و بعداً قبل از سن 16 سالگی عملاً آنها را به ازدواج می‌دهند.⁸⁵

در ولایت نیمروز، اشخاصی را که بخش حقوق بشر یوناما با آنها مصاحبه نمود گفتند که در مرکز ولایت -شهر زرنج- بیش از یک سوم اطفال در سنین پائین نامزد می‌شوند و در اکثر ساحات روستایی میزان این امر بیش از دو سوم می‌باشد. آنان گفتند که باورهای متعددی وجود دارد که این رسم را تقویت می‌نماید: پدرها این رسم را به عنوان وسیله تقویت هر چه بیشتر دوستی با سایر افراد تلقی می‌نمایند؛ مردم فکر می‌کنند هرگاه پدر و مادر خوب باشند اطفال آنها نیز خوب خواهند بود و سپردن تعهد جهت به ازدواج درآوردن اطفال کم سن و سال آنها، در آینده بدون خطر می‌باشد. پدران همچنین فکر می‌کنند که آنان منافع اولادشان را بهتر می‌دانند و به چنین اقدامی مبادرت می‌ورزند.⁸⁶

فقر و ازدواج زودهنگام

در جنوری 2010 حقوق بشر یوناما قضیه را مورد بررسی قرار داد که در آن یک والدین، چهار دختر 4 تا 14 ساله خود را به مخالفین حکومت در ولسوالی گذره ولایت هرات فروخته بود. زمانی که والدین مورد باز جویی قرار گرفتند دلیل آن را فقر بیان کردند. پولیس زمانی اطلاع یافت که پدر طفل شکایت نموده بود که پول معامله به او پرداخت نگردیده است. والدین طفل متهم و پدر به یکسال و مادر به سه ماه حبس محکوم گردیدند. در می 2010 بخش حقوق بشر یوناما اطلاع حاصل نمود که بعد از

⁸³ مصاحبه با کارکنان اجتماعی، افسران پولیس اناث، ولایت بلخ، اپریل 2010.

⁸⁴ مصاحبه با عضو شورای ولایتی، ولایت فاریاب، اپریل 2010.

⁸⁵ مباحثه گروهی متمرکز در ولسوالی سروبی ولایت کابل در مارچ 2010 دایرگردید.

⁸⁶ مباحثات گروهی متمرکز با زنان، استادان، علماء، نمایندگان زن از جامعه مدنی، مقامات حکومتی مرد و زن، اپریل 2010.

آزادی مادر، دختران دوباره به وی سپرده شدند، مشروط بر اینکه قبل از سن 16 سالگی به ازدواج داده نشوند. ملایی که نکاح دختران را جاری کرده بود به حبس تعلیقی محکوم گردید.⁸⁷

در مناطق جنوبی، اشتراک کنندگان مباحثه گروهی متمرکز به بخش حقوق بشر یوناما اطلاع دادند که خانواده ها اکثراً دختران خردسنان را جهت ادای دین به ازدواج درمی آورند. دهاقین ولایت ارزگان در دهه اخیر مواجه با خشکسالی بوده اند که این مسئله سبب فقر گردیده و قروض زیادی را متعهد شده اند.⁸⁸ در رسوم محلی برای یک فرد ننگ است که نتواند برای ازدواج فرزندان خود ترتیبات را روی دست بگیرد. مطابق احکام شرعی، خانواده پسر (شوهر) یک مقدار پول را به خانواده دختر بپردازد یا پرداخت آنرا متعهد شود که آنرا مهر می نامند. مقدار آن متفاوت می باشد (وابسته به توافق زوج و زوجه دارد) ولی در عرف محلی معمولاً به صدها هزار افغانی (هزاران دالر امریکایی) بالغ می گردد. فامیل پسر همچنین باید هزینه محفل عروسی را نیز پرداخت نماید.⁸⁹

در مصاحبه با زنان و مردان در ولایت ارزگان⁹⁰ به بخش حقوق بشر یوناما گفته شد که معمولاً ازدواج فرزند دختر به منظور پرداخت هزینه ازدواج فرزند پسر صورت می گیرد. بعضاً خانواده ها اول دخترشان را به ازدواج می دهند و پول حاصله از این منبع را برای ازدواج پسرشان ذخیره می کنند. ولی اگر اول پسر ازدواج نماید و فامیل فقیر باشد، با در نظر داشت حاصلات خرمن پیش رو که در آن مناطق بیشتر کوکنار کشت می شود- پدر پسر برای برگزاری مراسم ازدواج پسرشان، پول قرض می کند. نوسان قیمت کوکنار و حاصلات خراب معمولاً دهقانان را در وضعیت سخت و گزینه های محدود قرار می دهد که در نتیجه یا اینکه وسایل و دارایی های شخصی شان را به دین خود واگذار نمایند و بیشتر در قرض فرو روند و یا اینکه دخترشان را به ازدواج دهند تا دین خویش را بپردازند. گزینه دومی اکثراً جذاب است. پدر دختر با فامیل دائن صحبت نموده و پیشنهاد می نماید تا قرض آن را با پیوند ازدواج ادا نماید.⁹¹ برنامه های ریشه کن سازی کشت کوکنار از جانب حکومت، نیز دهقانان را در معرض ناتوانی در پرداخت دیونشان قرار می دهد. افغانها به چنین دخترانی که در بدل پرداخت دیون به ازدواج داده می شوند "عروسان بدل قرض" می نامند.⁹²

87 پیگیری یک قضیه توسط بخش حقوق بشر یوناما، پس از شکایت در جنوری 2010. قاضی ولسوالی که رسیدگی به قضیه را به عهده داشت گفت قانون منع خشونت علیه زن در این قضیه تطبیق نمی گردد زیرا نمی شود آن را عطف به ماسبق کرد (بالای موارد گذشته تطبیق نمود). معلوم نیست وی چگونه به این نتیجه رسیده بود در حالیکه قانون متذکره در اگست 2009 نافذ گردید. برعکس، وی مطابق ماده 130 قانون اساسی رسیدگی نمود. ماده مذکور تصریح می نماید که هرگاه در قانون اساسی یا سایر قوانین حکمی وجود نداشته باشد محکمه مطابق به فقه حنفی طور حکم می نماید که عدالت به بهترین وجه آن تامین گردد.

88 چنانچه به حقوق بشر یوناما در یک مباحثه گروهی متمرکز با مردان در ولایت ارزگان گزارش داده شد. اپریل 2010.

89 همان و همچنین این موضوع در مباحثات گروهی متمرکز در سراسر کشور نیز ابراز گردید.

90 بخش حقوق بشر یوناما دو مباحثه گروهی متمرکز را در ولایت ارزگان در مارچ 2010 دایر نمود که یکی آن برای مردان بشمول نماینده کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، قضات، خرنوالان، افسران بلند رتبه پولیس و بزرگان جامعه دایر گردیده بود و دومی به اشتراک زنان به شمول دکتوران، استادان و متعلمین دایر گردیده بود.

91 اشتراک کنندگان در مباحثه گروهی متمرکز متشکل از مردان گفتند که هرگاه داین موافقت نماید، زن و دختران وی از خانواده مدیون بازید نموده و با دختری که قرار است در بدل قرض داده شود ملاقات می کنند و می بینند که آیا او مناسب می باشد یا خیر و همچنین روی بعضی موارد دیگر بشمول زمان برگزاری مراسم ازدواج تصمیم می گیرند. پدران هردو طرف در حضور ملا، دوستان و فامیل جلسه نموده و ترتیبات رسمی و نهایی را به انجام می رسانند. اگر دختر نوجوان باشد، عروسی ظرف یکسال صورت می گیرد ولی اگر دختر خرد باشد عروسی برای چندین سال به تعویق می افتد. بعضاً دختران حتی در سنین 8 یا 10 سالگی به داین به ازدواج داده می شوند و به خانه خسور خود منتقل می گردند. مارچ 2010.

92 به "عروسان خشکاش در افغانستان: دهقانان مجبور به فروش دختران شان برای پرداخت قروض شان می گردند"، نوشته سمیع یوسفزی و ران موریو، نیوز ویک 7 اپریل 2008 مراجعه نمایند. مقاله به قضیه ای ارتباط می گیرد که در ولایت لغمان دهقان کوکنار 2000 دالر امریکایی را قرض نموده و وعده نموده بود که در بدل قرض 24 کیلو گرام کوکنار در هنگام برداشت حاصلات خرمن می پردازد. قبل از خرمن نمودن یک تیم حکومتی "محو کشت کوکنار" پیدا شد و همه مزارع کشت کوکنار وی را خراب کرد.

در مناطق جنوب شرق⁹³ کسانی که توسط بخش حقوق بخش بشر یوناما مصاحبه شدند، به ازدواج دادن و گاهی فروش دختران را یکی از میکانیسم‌های مبارزه با فقر خواندند. ازدواج با یک دختر با هزینه دو (2) الی شش (6) هزار دالر می‌تواند از لحاظ مالی پرمفعت باشد. شوهر آینده در بعضی موارد وعده حمایت دوامدار از خانواده خسورش را می‌نماید. در یک قضیه‌ای که در مناطق غرب به توجه بخش حقوق بشر یوناما رسانده شد، یک مرد که با یک دختر 12 ساله منحیث همسر دوم خویش ازدواج نموده بود، علاوه بر پرداخت قیمت عروس (طویانه) به فامیل دختر وعده داد که روغن و آرد آنها را به طور دوامدار تامین کند⁹⁴.

آنانی که حقوق بشر یوناما با آنها مصاحبه نمود گفتند که در وضعیت فشار مالی، پدر دختر منافع وی را مد نظر نداشته و با ازدواج بی موقع و نامناسب وی موافقت می‌نماید. آنان گزارش دادند که در بعضی مناطق روستایی فقیر نشین مانند بادغیس، دختران در بدل مواشی مبادله می‌گردند و در یک قضیه که در شمال شرق رخ داده بود دختری را با یک عراده موتر مبادله نموده بودند⁹⁵.

بخش حقوق بشر یوناما قضایایی را مورد تحقیق قرار داده که والدین معتاد، دختر صغیر خویش را در ولایت دایکنندی بفروش رساندند. در آگست 2010 بخش حقوق بشر یوناما قضیه فروش یک دختر شش ساله توسط والدین‌اش در بازار محلی را مورد پیگیری قرار داد. والدین دختر پس از اینکه وی را در بدل چهار صد دالرامریکایی بفروش رسانیده و خود شان به کابل فرار نمودند. گزارش‌ها حاکی از آنست که در هنگام نشر این گزارش پولیس قضیه را تحت رسیدگی قرار داده است.

3.5 طویانه گزاف (هزینه هنگفت ازدواج)

با آنکه طویانه گزاف بطور مشخص در قوانین داخلی، بین المللی و احکام شرعی غیر قانونی دانسته نشده است، ولی یک سری پیامدهای ناگوار حقوق بشری از این رسم سرچشمه می‌گیرد. اشخاصی که در ولایت‌های مختلف افغانستان توسط بخش حقوق بشر یوناما مصاحبه شدند، مصارف هنگفت مراسم ازدواج را یکی از رسوم زیان آور دانستند. آنان اظهار داشتند که با در نظر داشت فقر گسترده، این رسم منجر به ازدواج‌های اجباری و زود هنگام، فروش دختران و خشونت‌های خانوادگی می‌گردد زیرا مردان عقده‌های ناشی از مقروض شدن یا مجبور شدن به انجام کارهای طاقت فرسا جهت ادای دین خویش را بر سر همسران‌شان فرو می‌نشانند.

فاچاقچی که دهقان مذکور از او پول قرض گرفته بود، تقاضای پرداخت پول را نمود. قضیه به یک شورای قومی محلی راجع گردید که در آنجا تصمیم بر آن شد تا دهقان دخترش را به ازدواج فاچاقچی 45 ساله در آورد. هیچ کس نمی‌داند تعداد از عروسان داده شده در بدل قرض چه تعداد است، ولی این تعداد همزمان با مساعی ریشه کن نمودن کشت کوکنار و سوق دادن دهقانان به زیر بار قرض، افزایش یافته است.

⁹³ مناطق جنوب شرق در این گزارش شامل ولایات پکتیا، پکتیکا، غزنی و خوست می‌گردد. بین ماه‌های فیروزی و مارچ 2010، مباحثات گروهی متمرکز در هر چهار ولایت راه اندازی گردید که در آن مردان و زنان شرکت نمودند. علاوه بر آن گارگاه‌های آموزشی در رابطه به حقوق زنان و آگاهی در مورد مسائل جنسیت نیز در ولایات خوست، پکتیکا و غزنی راه اندازی گردید که شامل جلسات آموزشی مختص به عرف و عنعنات زیان‌آور نیز می‌شد.

⁹⁴ در یک جلسه با ریاست امور زنان به بخش حقوق بشر یوناما گزارش داده شد، ولایت غور اپریل 2010.

⁹⁵ در سال 2009 بخش حقوق بشر یوناما قضیه یک دختری را ثبت نمود که در کابل ازدواج نموده ولی چند هفته بعد در مقابل یک عراده موتر توسط شوهرش در ولایت بغلان مبادله گردیده بود.

به نظر می‌رسد طویانه گزاف نقش محوری در تقلیل جایگاه زنان و دختران به کالای مورد معامله دارد و یکی از عوامل عمده در ازدواج‌های اجباری می‌باشد. مصارف هنگفت ازدواج، خانواده‌ها را از لحاظ مالی زمینگیر ساخته و ازدواج را به یک معامله مبدل ساخته که در آن دختران به کسانی داده میشوند که بلندترین قیمت را پیشنهاد کنند⁹⁶. در جریان مباحثات به این امر پی برده شد که خانواده عروس و جوه بدست آمده یعنی طویانه یا "قلین"⁹⁷ را در پرداخت هزینه ازدواج پسرانشان به مصرف می‌رسانند. بسیاری از فامیل‌ها از قرضه‌های کوچک تجاری یا انکشافی برای تمویل ازدواج استفاده نموده‌اند. گروهی زنان به حقوق بشر یوناما گفتند که آنان قرضه‌های کوچک تجاری را که بانک انکشاف آسیایی داده بود در پرداخت هزینه ازدواج پسرانشان به مصرف رسانیده‌اند⁹⁸. اکثراً فامیل‌ها در پیچ و خم مصارف و قرضه‌های گزاف گیر می‌مانند.

دیدگاه جامعه

متنفذین و یک مقام حکومتی در ولایت فاریاب به بخش حقوق بشر یوناما گفت که طویانه گزاف منجر به قاچاق دختران از مناطقی که طویانه عروس کمتر است به مناطقی می‌شود که طویانه در آنجا بالا است. آنان یک حلقه قاچاق را توضیح دادند که دختران تاجیک و ترکمن را که بین سنین 13 و 22 سال هستند از خانواده‌های شان در ولایات قندز، تخار و بدخشان خریداری نموده و بعداً آنان را به عنوان عروس به فامیل‌های ترکمن در ولایت فاریاب بفروش میرسانند⁹⁹. یک تن از بزرگان فاریاب گفت که این رسم به این دلیل رشد نموده که خانواده‌ها توان پرداخت طویانه سنگین عروس از محل را ندارند¹⁰⁰.

در بعضی مناطق خانواده‌ها سعی دارند با سازماندهی و انسجام میان خود در مقابل هزینه گزاف عروسی و پیامدهای آن بر دختران مقابله نمایند. تا هنوز این تلاش‌ها نتایج مختلف را در برداشته است. در یک ولسوالی در ولایت جوزجان بزرگان افغان به حقوق بشر یوناما گفتند: "ما بزرگان و ملا امامان ولسوالی در مورد موضوع کاهش طویانه گفتگو نمودیم و به این نتیجه رسیدیم که این مقدار 400000 افغانی (9300 دالر امریکایی) یک مقدار گزاف می‌باشد. بنابر این به خانواده‌ها سفارش می‌نماییم تا بیشتر از 200000 افغانی (4650 دالر امریکایی) طویانه مطالبه ننمایند. ولی هنوز توصیه‌های ما نتایج ملموس نداشته است."¹⁰¹

در یک ولسوالی با اکثریت تاجیک در ولایت سمنگان، علمای محلی دستور دادند تا طویانه را از 10000 دالر به 4000 دالر امریکایی کاهش داده و محافل عروسی را مختصر سازند. این دستور

⁹⁶ "در بیشتر جوامع، مهر با قلین عوض می‌گردد. والدین عروس قلین را برای خود می‌گیرند. بناءً این روش بیشتر شباهت به فروش دختران دارد." مصاحبه با معاون رئیس محکمه ولایتی، منطقه شمال، اپریل 2010.

⁹⁷ به اساس قانون اسلامی، عروس باید مهریه تعیین شده را از داماد و یا فامیل وی هنگام ازدواج اخذ نماید یا تعهد پرداخت آنرا بگیرد. این تحایف چه به شکل پول، زمین و یا سایر اموال منقول یا غیر منقول باشد در تیوری همه دارایی شخصی عروس به حساب می‌آید. در عرف نیز یک مقدار پول توسط فامیل داماد به نام شیربها- مبلغ که در عوض مصارفی که فامیل عروس در رشد و تربیت وی متحمل گردیده است- به فامیل عروس (خصوصاً مادر عروس) پرداخت می‌گردد. شیربها در بسیاری از مناطق به نام قلین و در میان پشتون‌ها بنام ولور و در بین تاجیک‌ها بنام طویانه شناخته می‌شود. در مناطق شمال مقدار قلین تقاضا شده بین 150000 افغانی (3200 دالر امریکایی) تا 400000 افغانی (8500 دالر امریکایی) می‌باشد. این معلومات به بخش حقوق بشر یوناما در جریان مصاحبات در مناطق شمال در اپریل 2010 ارائه گردید.

⁹⁸ مصاحبه با زنان ازبک، ولایت فاریاب، اپریل 2010.

⁹⁹ مصاحبه با جمع بزرگان، ولایت فاریاب، اپریل 2010.

¹⁰⁰ مصاحبه با یک متنفذ از ولایت فاریاب، اپریل 2010.

¹⁰¹ مصاحبه با ملاها و بزرگان قریه، ولسوالی فیض آباد ولایت جوزجان، اپریل 2010.

بصورت موفقانه در قریه خرم¹⁰² و سارباغ¹⁰³ تطبیق گردید ولی در قریه مجاور آن - ده اصل- والدین دختران جوان آنرا "با ابراز خشم رد" نمودند¹⁰⁴. در ولایت خوست، یک جرگه قومی توسط قوم صبری تعیین نمودند تا یک مقدار طلا به عروس داده شود و دستور دادند تا پرداخت طویانه نباید اضافه از 250000 افغانی (5000 دالر امریکایی) گردد¹⁰⁵.

در ولسوالی تگاب ولایت کاپیسا طالبان حکم را در جولای 2010 صادر نمودند که به اساس آن طویانه (ولور) نباید اضافه از 3800 دالر امریکایی مطالبه گردد، مطابق آن حکم، متخلفین 2000 دالر امریکایی جریمه می‌گردد. یک نماینده طالبان گفت که این تصمیم بعد از گفتگو با علمای دینی صورت گرفته است¹⁰⁶.

3.6 ازدواج اجباری زنان بیوه و حق ارث

یک زن 40 ساله از ولایت غزنی در دسمبر 2009 از طرف برادر شوهر متوفی‌اش مورد حمله فزیکه قرار گرفت به این خاطر که زن متذکره از ازدواج با وی امتناع ورزیده بود. جراحات وی شدید بود و نیاز به معالجه پیشرفته توسط متخصصین در کابل داشت. ریاست امور زنان به وی کمک نمود تا قضیه را به پولیس گزارش دهد، هیچ اقدام اتخاذ نگردیده بود¹⁰⁷.

رسوم و عنعنات زیانبار نه تنها حقوق زنان را قبل و در جریان ازدواج پامال می‌نماید بلکه حتی بعضاً بعد از وفات شوهر نیز زنان را از حقوق اولیه‌شان محروم می‌سازد. ازدواج زنان بیوه ناشی از این دیدگاه است که خانواده شوهر معمولاً زن بیوه را منحصیث ملکیت خود تلقی می‌نماید و همچنین ناشی از تمایل برای کتمان حق میراث زنان بیوه و حفظ میراث در خانواده شوهر از طریق ازدواج آنها با خویشاوندان نزدیک شوهر متوفی، می‌باشد. در نتیجه زن مجبور می‌گردد تا خلاف میل و خلاف همه موازین ملی و بین‌المللی و احکام شریعت اسلامی که رضایت را شرط لازم برای هر ازدواج می‌داند، ازدواج نماید. هرگاه زن از ازدواج مجدد در همان فامیل (خانواده شوهر متوفی‌اش) خودداری نماید، اکثراً بیم آن می‌رود که اطفال خود را از دست بدهد. بر اساس قانون مدنی افغانستان، با رسیدن طفل به سن معین (دختران 9 سالگی و پسران 7 سالگی) حق حضانت به پدر تعلق می‌گیرد. در صورت طلاق یا وفات پدر این حق به خانواده پدر می‌رسد. فقدان حاکمیت برآینده خویش، گزینه‌های زن را محدود

¹⁰² مصاحبه با اعضای شورا، قریه خلم و سری باغ، ولایت سمنگان، اپریل 2010.

¹⁰³ مصاحبه با مدیر مدرسه، قریه سرباغ، ولسوالی خرم و سا باغ، ولایت سمنگان، اپریل 2010

¹⁰⁴ مصاحبه با اعضای شورای ده اصل، ولسوالی خرم و سار باغ، ولایت سمنگان، اپریل 2010.

¹⁰⁵ معاون ریاست کار و امور اجتماعی در خوست در جریان یک جلسه در ماه می 2010 به حقوق بشر یوناما گفت که سال قبل بزرگان ولسوالی صبری ولایت خوست مقدار پرداخت طویانه را به 250,000 افغانی تقلیل داد. به تعقیب این تصمیم مردم صبری مکلف‌اند تا این تصمیم را تطبیق نمایند. او به حقوق بشر یوناما گفت که طالبان محلی نقش کلیدی را در اتخاذ این تصمیم ایفا نمودند.

¹⁰⁶ "طالبان دل بدست می‌آورند - و بیشتر"، حبیب الرحمان ابراهیمی، روزنامه ایشیا تایمز، 10 سپتمبر 2010.

¹⁰⁷ قضیه به بخش حقوق بشر یوناما گزارش داده شد و تحقیق گردید. جنوری 2010.

می‌نماید. زنان بیوه به نوبه خود دختران‌شان را در سنین پائین به ازدواج می‌دهند تا از این طریق آنان را از سو رفتار خانواده شوهر متوفی‌اش نجات دهند¹⁰⁸.

در چندین ولایت که حقوق بشر یوناما مصاحبه‌ها و مباحثات را انجام داد، از تصاحب ارثیه زنان بیوه از طریق مجبور کردن آنها به ازدواج با خویشان شوهر متوفی‌اش، خیر داده شد که این یک رسم و عنعنه زیان آور می‌باشد.

قوانین داخلی افغانستان

قانون منع خشونت علیه زن

ماده 33

شخصیکه مانع تصرف زن در متروکه مؤرث وی گردد، بر علاوه واگذاری سهم شرعی وی، حسب احوال به حبس قصیر که از یکماه بیشتر نباشد محکوم میگردد.

ماده 34

شخصیکه اموال شخصی زن را تصرف یا او را از تصرف در آن منع نماید، حسب احوال به حبس قصیری که از سه ماه بیشتر نباشد محکوم و مال به تصرف زن گذاشته میشود

احکام شرعی

طوریکه در بخش ازدواج اجباری بحث شد "رضایت" جانبین برای اعتبار هر ازدواج الزامی میباشد. زنان بیوه اکثراً به خاطر اینکه نتواند میراث باقی مانده از شوهر متوفی اش را با خود از خانواده او بیرون ببرد، وادار به ازدواج اجباری میشوند. قرآن کریم واضحاً حق ارث از شوهر متوفی را برای زن تصریح می‌نماید:

1. زن یک چهارم دارایی شوهر را در صورتی که طفل نداشته باشد به ارث می‌برد.
 2. در صورتی که از شوهر طفلی باقی مانده باشد، زن یک هشتم از دارایی شوهر را به ارث می‌برد.
- " و زنان راست چاریک از آنچه گذاشتید اگر نباشد بشما فرزندی (پس) اگر باشد شمارا فرزندی (پس) زنان راست هشت یک از آنچه گذاشته اید پس از (ادای) وصیت که کرده باشید به آن یا بعد از ادای دین... " (قرآن کریم، سوره النساء آیه 12)

میراث زن برای شوهر نیز در قرآن کریم واضح بیان شده است:

¹⁰⁸ در مصاحبه‌ها و مباحثات در چندین ولایت افغانستان در مارچ - اپریل 2010 این مورد به بخش حقوق بشر یوناما گزارش داده شد. در تعدادی از قضایایی که توسط بخش حقوق بشر یوناما تحقیق گردید، معلوم شد که ازدواج زودهنگام دختران زنان بیوه به خاطر محافظت آنان از خشونت در خانه صورت گرفته بودند.

"و شمار است نیمه مالی که گذاشته زنان شما اگر نباشد آن زنان را فرزندی، پس اگر باشد ایشان را فرزندی (پس) بشمار است چاریک از آنچه گذاشته اند پس از وصیت که کرده باشند به آن یا بعد از ادای دین" آیه 12 سوره النساء

1. مرد نصف دارایی را که زن بعد از وفات بجا می‌گذارد، در صورتی که زن طفلی نداشته باشد، به ارث می‌برد.
2. در صورتی که زن طفلی داشته باشد شوهر یک چهارم از تمامی دارایی را که زن بعد از وفات بجا می‌گذارد به ارث می‌برد.

قرآن کریم همچنان بیان می‌نماید:

"ای مؤمنان حلال نیست شمارا که میراث گیرید زنان را بزیبردستی و منع مدارید ایشان را از نکاح تا باز ستانید چیزی که داده اید به ایشان مگر که کنند کار بی حیایی آشکارا و گذاره کنید بازنان بوجه پسندیده پس اگر پسند شما نیابند ایشان شاید پسند نکنید شما چیزی را و بگرداند خدا در آن خوبی بسیار. (قرآن کریم، سوره النساء، آیه 19)

چنانچه در فوق تذکر داده شد (در بخش بد دادن)، قبل از ظهور اسلام با زنان منحصیث اموال رفتار صورت می‌گرفت و حتی پس از مرگ کسی وارث او زنش را به تصرف خود درمی‌آورد. قرآن کریم این رسم زیان آور را از میان برداشت و تصریح نمود که به تصرف آوردن زنان اکثراً جهت تصاحب چیزی که به وی به میراث رسیده بود، ممنوع می‌باشد و ازدواج اجباری را نیز با معیار قرار دادن «اصل رضایت» ممنوع قرار داد.

آیه ذیل نیز روابط مرد و زن را مشخص می‌نماید:
ای مردمان بترسید از پروردگارتان که بیافرید شمارا از نفس واحد و بیافرید از آن جفت آنرا و منتشر ساخت از آن دو مردان بسیاروزنان و بترسید از آن خدا که سوال می‌کنید از یکدیگر به آن و خبردار باشید از خویشانان (و بترسید از قطع رحم) هر آئینه خدا هست بر شما نگهبان. (آیه یکم سوره النساء)

قضایای توضیحی

قضیه کریمه؛ مشکل ازدواج اجباری یک زن بیوه، ندادن حق میراث و امکان از دست دادن اولاد را نشان می‌دهد. کریمه، باشنده ولایت غزنی یک بیوه بود که وادار به ازدواج با برادرش شوهرش شد در غیر آن صورت پنج طفل خود را باید از دست می‌داد. او به بخش حقوق بشر یوناما اظهار داشت که شوهر او یک شخص خوب و مهربان بود و زندگی خوشی با هم داشتند. از او چهار دختر دنیا آورده بود و زمانی که شوهرش طی یک عملیات نظامی کشته شد، فرزند پنجمی را در بطن داشت. سه ماه پس از مرگ شوهر، خانواده شوهرش تمام اجناس با ارزش خانه را از وی گرفت و گفت که او بر آنها

حق ندارد. پنج سال بعد، یک هیئتی که ملا امام محل نیز در آن اشتراک داشت به وی هشداد داد تا با یکی از برادران شوهرش عقد نکاح نماید در غیر آن فرزندان را از وی جدا خواهند کرد.¹⁰⁹

در فیروزی 2010، بخش حقوق بشر یوناما یک قضیه را در ولایت پروان بررسی نمود که یک بیوه 22 ساله جبراً به عقد نکاح برادر شوهرش که دارای معلولیت ذهنی بود، در آورده شده بود. خانواده خسور او می‌خواستند تا میراث شوهرش را در خانواده حفظ نمایند. زن مذکور می‌خواست با یک مرد دیگر ازدواج نماید. او از خانه خسور خود فرار کرد و به یک خانه امن محلی پناه برد. خانواده خسور او به محکمه و مقامات محلی مراجعه نموده و از آنها خواستند تا او را جبراً به خانه آنها برگردانند. با مداخله کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، قضیه به نفع زن بیوه حل گردید و او پس از آنکه محکمه ازدواج او با برادر شوهرش را فاقد اعتبار اعلان کرد، با مرد مورد علاقه‌اش ازدواج نمود.¹¹⁰

دیدگاه جامعه

در مناطق جنوبی -ارزگان و نیمروز- هم مردان و هم زنان در گفتگوهای گروهی توضیح دادند که رسم ازدواج یک زن بیوه با خویشاوندان شوهر متوفی‌اش دو دلیل دارد: اول، از خارج شدن اموالی که زن بیوه مستحق آن است جلوگیری به عمل می‌آورد و دوم مانع از شرمساری ازدواج یک زن بیوه با فرد خارج از خانواده شوهر می‌شود.¹¹¹ یک مرد در مصاحبه با بخش حقوق بشر یوناما در ولایت ارزگان مثال زن را بیان نمود که به تکرار درخواست ازدواج با بستگان نزدیک شوهر متوفی‌اش را رد کرده و با یک شخص دیگر از ولایت قندهار ازدواج نمود. این عمل خیلی کم سابقه است و مردم با دید بسیار منفی به آن می‌نگریستند.¹¹² اگر کسی از یک قبیله با یک زن بیوه از قبیله دیگر ازدواج می‌کند، اختطاف‌گر پنداشته می‌شود و ضرورت است که مرکه¹¹³ برگذار گردد تا این دو قبیله را آشتی بدهند.

در مناطق جنوبی، افرادی که با حقوق بشر یوناما مصاحبه نمودند، اظهار داشتند که زنان بیوه اکثراً مجبور ساخته می‌شوند تا با یکی از خویشاوندان شوهر متوفی‌شان ازدواج نمایند. با آنکه آنها به ندرت تهدید به از دست دادن اطفال‌شان می‌شوند، اما زنان بیوه این را ترجیح می‌دهند تا با اطفال خود بمانند.¹¹⁴ زمانی که عضو بالغ خانواده نتواند یا نخواهد با وی ازدواج کند، او را با یک فرد کم سن دیگر از آن خانواده نکاح میکند تا زن و جایداد میراثی او در همان خانواده بماند. اما زمانی که شوهر خردسال رشید می‌شود، اکثراً با زن دیگر ازدواج می‌کند که در آن وقت این زن (بیوه) مورد بد رفتاری شوهر جوان و همسر دومی او قرار می‌گیرد.¹¹⁵

در یک بحث جمعی در ولایت ارزگان که به طور جداگانه با زنان و مردان صورت گرفت، اشتراک کنندگان پیشنهاد نمودند که رسم ازدواج اجباری زن‌های بیوه جهت حفظ میراث، باید با آوردن تغییرات

¹⁰⁹ بر اساس گفتگویی که در مارچ 2010 توسط بخش حقوق بشر یوناما با متضرر صورت گرفت.

¹¹⁰ قضیه‌ای که در فیروزی 2009 توسط بخش حقوق بشر یوناما مورد پیگیری قرار گرفت.

¹¹¹ بحث‌های متمرکز گروهی با مردان و زنان در ولایات نیمروز و ارزگان در مارچ و اپریل 2010.

¹¹² در جریان بحث‌های گروهی که در مارچ 2010 با مردان در ولایت ارزگان به عمل آمد، این مورد گزارش شد.

¹¹³ مرکه مانند جرگه است که طرفین توافق می‌نمایند تا جهت حل دوستانه یک نزاع، موضوع را به میانجیگران احاله کنند.

¹¹⁴ در فیروزی و اپریل 2010، بحث‌های گروهی در ولایت نیمروز و پکتیا صورت گرفت، در فیروزی و مارچ 2010 در ولایت

خوست، در مارچ 2010 در ولایات پکتیکا و غزنی.

¹¹⁵ این موضوع در مارچ 2010، در جریان بحث‌های گروهی با زنان و مردان در ولایت ارزگان، مطرح گردید.

در قوانین ممنوع گردد. آنها گفتند که احکام قانونی باید صریح بگوید که زن می‌تواند با هر کسی که خواسته باشد ازدواج کند و ازدواج وی را با عضو دیگر خانواده شوهر منع نماید.¹¹⁶

3.7. محدودیت بر رفت و آمد زنان

"بهتر است تا زنان و دختران را در خانه نگه داشت و از نجابت و پاکدامنی آنها محافظت کرد"¹¹⁷

بخش حقوق بشر یوناما از گفتگوها با مردان و زنان افغان دریافته است که محدودیت بر رفت و آمد زنان، باعث محدود شدن حضور زنان در عرصه امور جمعی شده است. این محدودیت‌ها نتیجه تفسیر خودسرانه و نادرست از منابع دینی¹¹⁸ و ناامنی‌های گسترده در سراسر افغانستان می‌باشد. این محدودیت‌ها مانع بزرگ در راه بهره‌مندی زنان از حقوق کامل‌شان می‌باشد. محرومیت زنان از حق رفت و آمد، آنها را از برخورداری سایر حقوق مانند حق کار، حق آموزش و حق دسترسی به مراقبت‌های صحی باز می‌دارد.¹¹⁹

در برخی جوامع، زنانی که هنجارهای پذیرفته شده را نقض می‌کنند برای خانواده خود و حتی گاهی به جامعه بدنامی ببار می‌آورند.¹²⁰ پیوند میان رفتار زنان و آبرو و عزت یک جامعه (بخصوص اعضای آن جامعه) منجر به این می‌گردد که با زنان مانند ملکیت رفتار صورت گیرد.¹²¹ برای حفظ آبرو و شرافت مردان، از اشتراک زنان در خیلی از فعالیت‌های اجتماعی خارج از خانه جلوگیری به عمل می‌آید. حتی برخی از این رواج‌ها اعتبار قانونی پیدا کرده است، هرچند که با قانون اساسی و قانون منع خشونت علیه زن در تضاد قرار دارند. به گونه مثال، در قانون احوال شخصیه اهل تشیع (ماده 123)، بعضی محدودیت‌های رادر قسمت رفت و آمد زنان پیش بینی کرده است.

مطابق قانون منع خشونت علیه زن، کسانی که زنان را بزور از دسترسی به آموزش، کار و صحت باز می‌دارند مرتکب جرم می‌شوند. علاوه بر آن، در اسلام این یک واقعیت مشهور است که همسران پیامبر اسلام (ص) زنان عالم و تحصیل کرده بودند که در امور جمعی مانند تجارت و تعلیم فعالانه اشتراک داشتند. قرآن مجید نیز بر آموزش مردان و زنان تاکید نموده است.

¹¹⁶ این موضوع در جریان بحث‌های گروهی در ولایت ارزگان در مارچ 2010 ابراز گردید.

¹¹⁷ این اظهارات در اپریل 2010 توسط یک منتقد در جریان بحث‌های گروهی با ملامامان و رهبران محلی در ولسوالی سنچارک ولایت سرپل صورت گرفت.

¹¹⁸ گزارشگر خاص ملل متحد در مورد آزادی مذهب یا عقیده؛ "سوءاستفاده از مذهب می‌تواند میکانیزم کنترل وضعیت زنان و گاهی محرومیت از حقوق اولیه مانند آزادی رفت و آمد و حق سفر بدون اجازه شوهر را خلق کند... این میکانیزم با این واقعیت که حضور زنان در دایره امور جمعی بسیار محدود است با حتی هیچ وجود ندارد، تشدید می‌شود. گزارشگر خاص، گزارش امور، همان ص 26. ¹¹⁹ برای پژوهش و تحلیل عمیقتر در مورد نگرش سنتی نسبت به حضور زنان در عرصه امور جمعی و قضایای توضیحی به این ارتباط به گزارش بخش حقوق بشر یوناما و کمیشنری عال ملل متحد برای حقوق بشر تحت نام "خاموشی خشونت است؛ به بدرفتاری علیه زنان در افغانستان خاتمه دهید" جولای 2009 مراجعه نمایید.

[<http://unama.unmissions.org/Portals/UNAMA/human%20rights/Violence-against-women-report.pdf>]

¹²⁰ گفتگو با یک زن افغان که در یک سازمان بین المللی در ولایت بلخ کار میکند، اپریل 2009.

¹²¹ یک مدرس مذهبی در کمپ بیجاشدگان داخلی در ولسوالی سوزمه قلعه ولایت سرپل اظهار داشت که زنان شوهردار هویت فردی خود را پس از ازدواج از دست می‌دهند و مردم محل آنها را به عنوان خانم آن شخص صدا می‌کنند نه بنام خودشان. در گفتگو با بخش حقوق بشر یوناما در اپریل 2010.

قوانین داخلی افغانستان

قانون منع خشونت علیه زن

ماده 31

شخصیکه زن را به انزوا مجبور نماید، حسب احوال به حبس قصیر که از سه ماه بیشتر نباشد محکوم میگردد

ماده 35

شخصیکه زن را از حق تعلیم، تحصیل، کار، دست رسی به خدمات صحی یا استفاده از سایر حقوق مندرج قوانین مانع گردد، حسب احوال به حبس قصیر که از شش ماه بیشتر نباشد محکوم میگردد.

احکام شرعی

مطابق احکام شرعی، هیچ کس حق ندارد تا دیگران را به طور غیر قانونی منزوی نماید. یک شوهر صاحب یا مالک اعضای خانواده نیست و باید در جهت خوبی آنها کار کند. در قرآن مجید آمده: "... وگذاره کنید با زنان بوجه پسندیده پس اگر پسند شما نیابند ایشان شاید پسند نکنید شما چیزی را و بگرداند خدا در آن خوبی بسیار" (آیه 19، النساء، قرآن کریم).

بسیار مشهور است که حضرت بی بی خدیجه، نخستین همسر پیامبر اسلام یک تجارت پیشه و فعال در امور جمعی بود. کارشناسان حقوق اسلامی در گفتگو با بخش حقوق بشر یوناما اظهار داشتند که برخوردارای زن از حق تملک و داشتن ثروت درکناردارایی شوهرش (مندرج درسوره النساء) دلالت بر این میکند که زنان میتوانند به طور فعالانه و جمعی عواید و ملکیت را حاصل و آنرا مدیریت نمایند.

دیدگاه جامعه

یک زن از اعضای پارلمان به حقوق بشر یوناما اظهار داشت:

"به من هشدار دادند تا کار نکنم زیرا کار زنی که خارج از خانه کار می‌کند، حرام است و شریعت آنرا منع نموده است. پولی را که من بدست می‌آورم حرام و نامشروع است و باید در خانه بمانم."¹²²

چندین تن از زنان ولایت بادغیس به بخش حقوق بشر یوناما اطلاع دادند که آنها پلان سفر به اسپانیا جهت اشتراک در یک جلسه را داشتند اما پس از آنکه ملای محل در نماز جمعه آنها را تهدید به سنگسار نمود و گفتند که سفر بدون محرم شرعی در یک کشور خارجی حرام است، تصمیمشان را تغیر دادند.¹²³

¹²² به "خاموشی خشونت است؛ به بدرفتاری علیه زنان در افغانستان خاتمه دهید"، گزارش مشترک بخش حقوق بشر یوناما و دفتر کمیشنری عالی ملل متحد برای حقوق بشر مراجعه کنید.
¹²³ در گفتگو با حقوق بشر یوناما، اپریل 2010.

یک کارمند دولتی زن در گفتگو با حقوق بشر یوناما اظهار داشت: "نظر به گفته‌های ملاما، ما نباید به مکتب یا پوهنتون برویم و حتی نباید خارج از خانه قدم بزنیم. طبق گفته‌های آنها، ما نه می‌توانیم والی باشیم، نه قاضی و یقیناً که ملا هم شده نمیتوانیم ... به هر حال، حالا ما در یک جامعه متفاوت قرار داریم که حقوق قانونی ما توسط دولت محافظت می‌گردد. اگر ما در خانه بمانیم، چگونه می‌توانیم مسئولیتی را که در برابر نسل‌های آینده برای حفظ و ترویج حق‌شان داریم، اداء نماییم."¹²⁴

برخی از اشتراک‌کنندگان مرد در این مباحثات در مورد مفهوم اسلامی "نفاقه" که مطابق آن مردان از زنان خود حمایت مالی و فیزیکی نمایند و آنها را حفاظت نمایند، صحبت نمودند. آنها گفتند اگر از زنان مراقبت درست صورت بگیرند¹²⁵، نفاقه به این منظور است که دیگر ضرورت به بیرون رفتن و کار کردن زنان در خارج از منزل نباشد. با وجود آن، بسیاری از کارشناسان مسائل اسلامی، حمایت کلی اسلام از نقش فعال زنان در جامعه را برجسته ساختند.¹²⁶

3.8. قتل‌های ناموسی

در سال 2009، در ولایت پروان زنی به اسم فرشته که 20 سال عمر داشت جبراً به ازدواج پسر کاکایش درآورده شد، اما وی پس از لت و کوب و خوراندن ادویه توسط مادر کلان و ناپدری‌اش، با مرد دیگر به کابل فرار نمود. پولیس فرشته را به قصد ارتکاب فعل زنا دستگیر کرد و او بعداً به پنج ماه حبس محکوم شد. پس از رهایی، او به مامایش (برادر مادرش) پناه برد که بعداً توسط مامایی بزرگش در جریان یک مجلس مصالحه در جنوری 2010 به قتل رسید. حالا، مامای بزرگ، مادر کلان و دو زن دیگر دستگیر و منتظر محاکمه‌اند.¹²⁷

در جائیکه موضوع آبرو و عزت خانواده به عملکرد زنان آن خانواده گره خورده باشد، مخالفت زنان با خانواده در مورد ازدواج اکثراً منجر به لت و کوب شدید جسمی¹²⁸ آنها می‌گردد. قتل به اصطلاح "ناموسی" این حق را به مرد می‌دهد تا زن را با معافیت به قتل برساند زیرا به باور وی اعمال غیر اخلاقی زن مذکور به عزت خانواده صدمه وارد نموده است.¹²⁹ قتل ناموسی، قتل یک عضو خانواده توسط یک یا چند عضو دیگر خانواده است که به باور آنها خانواده را بد نام نموده است. فرار زن از ازدواج اجباری، انتخاب همسر مطابق میل خودش و دخیل بودن در یک رفتار سوال برانگیز با یک مرد، اکثراً آبرو ریزی و بد نامی خانواده برداشت می‌شود. با در نظر داشت ماهیت جرم و پیوند آن با مفهوم فرهنگی "ناموس"، قتل ناموسی، یک رسم و عنعنه زیانبار می‌باشد.

گزارشگر خاص ملل متحد در بخش خشونت علیه زنان از کلمه "ناموس" (honor) به عنوان یک واژه سحرآمیز یاد نموده که زشت‌ترین جنایات را با پیچاندن در لفافه خود، پنهان می‌کند. این نوع قتل‌ها عمیقاً ریشه در باورهای سنتی دارد. در شماری از مباحثات و مصاحبه‌هایی که با افغانها در سراسر

¹²⁴ گفتگو با یک زن از مامورین دولت، ولایت سمنگان، اپریل 2010.

¹²⁵ مصاحبه با بزرگان، ملا امامان و منتقدین محلی در ولسوالی سنگچارک ولایت سرپل، اپریل 2010. اعضای گروه در این بحث به این اعتراف کردند که نیازمندی‌های مالی اجاب می‌کند که زنان و دختران باید بیرون از منزل کارکنند.

¹²⁶ مطابق به بحث و گفتگو با کارشناسان حقوق اسلام، مارچ تا اکتبر 2010.

¹²⁷ قضیه به بخش حقوق بشر یوناما گزارش و تحقیق گردید، جنوری 2010.

¹²⁸ گزارش آرمور نماینده خاص، همان، ص 31.

¹²⁹ همان، 158-155

افغانستان صورت گرفت، آنها به وقوع قتل‌های ناموسی در افغانستان اعتراف کردند. در بسیاری از موارد این قتل‌ها علیه زنان و دخترانی صورت گرفته‌اند که جامعه آنها را ناقض هنجارهای اجتماعی پذیرفته شده در آن جامعه، دانستند.

قوانین داخلی افغانستان

قانون جزاء

فصل اول، ماده 394 الی 397 قانون جزاء جرایم قتل را مورد بحث قرار میدهد.

مسئولیت جزائی زمانی تخفیف می‌یابد که پای قتل ناموسی در میان باشد.

ماده 398

شخصی که به اثر دفاع از ناموس، زوجه یا یکی از محارم خود را در حالت تلبس به زنا یا وجود او را با شخصی غیر در يك بستر مشاهده و في الحال هر دو یا یکی از آنها را به قتل رسانده یا مجروح سازد از جزای قتل و جرح معاف، اما تعزیراً حسب احوال به حبسی که از دو سال بیشتر نباشد، محکوم می‌گردد.

قانون منع خشونت علیه زن

این قانون قتل ناموسی را جرم نمیشمارد، اما به قانون جزاء رجوع میکند.

ماده 22 قانون منع خشونت علیه زن توضیح میدهد که:

1) شخصیکه زن را مورد لت وکوب قرار دهد، حسب احوال و با نظر داشت شدت و خفت جرم مطابق احکام مندرج مواد (407-410) قانون جزاء مجازات می‌گردد.

2) هرگاه اعمال مندرج فقره (1) این ماده منجر به مرگ مجنی علیها گردد، مرتکب حسب احوال به جزای پیش بینی شده مندرج مواد (395 الی 399) قانون جزاء محکوم می‌گردد.

احکام شرعی

دین اسلام به کرامت انسانی حرمت می‌گذارد. در قرآن مجید آمده، کشتن یک انسان بی گناه معادل قتل تمام بشر است. (5:32، 6:151 و 17:33 قرآن مجید)

دین اسلام هر نوع ارتباط جنسی با مرد نامحرم را منع کرده است و این عمل تحت قوانین شرعی جزای حد¹³⁰ دارد. این حکم شامل حال مردان و زنان می‌گردد. یک قضیه زنا که در پیشگاه یک محکمه اسلامی اقامه می‌گردد باید دارای شرایط خاص باشد. اثبات اتهام زنا نیازمند چهار شاهد واجد شرایط است و آنها باید عمل مقاربت جنسی را خود دیده باشند. با آنکه زنا یک جرم مستوجب حد است ولی احکام شرعی که تأکید زیاد روی تحقق عدالت دارد، به افراد اجازه نمی‌دهد تا جزای این جرم را بدون حکم قاضی تطبیق نماید.

¹³⁰ جرایم مستوجب حد (که جمع آن حدود می‌شود) منحصیث عمل خلاف دستورات الهی شناخته می‌شود. مجازات آنها ثابت و غیر قابل تغییر، می‌باشند. به قول مشهور هفت جرم مستوجب جزای حد می‌باشند: زنا، سرقت، قطاع الطریقی، قذف، سرکر، ارتداد و بغاوت.

تحلیل حقوقی

قانون منع خشونت علیه زن جرم جداگانه‌ای را برای قتل ناموسی در نظر نگرفته است. در ماده 398 قانون جزاء، که فوقاً ذکر گردید، مجازات قتل را در صورتی که متضرر (مجنی علیها) خویشاوند نزدیک متهم باشد و در حین ارتکاب عمل زنا گرفتار (مشاهده) شده باشد، تخفیف داده است. انجام این قتل نمی‌تواند قبل پلان شود. این حکم راه را برای سوء استفاده باز می‌گذارد، مخصوصاً زمانی که شاهد در جرم وجود نداشته باشد. از آنجا که محکومیت به خاطر ارتکاب قتل با این ماهیت، از دو سال حبس بیشتر نمی‌باشد، بناءً می‌توان تصور کرد که قانون جزاء این نوع قتل‌ها را تحت عنوان "دفاع از ناموسی" تبرئه کرده است.

بخش حقوق بشر یوناما بر این نظر است که در مساعی جاری جهت اصلاح قوانین، ماده 398 قانون جزاء باید لغو گردد. این ماده لازم نمی‌باشد زیرا در سایر احکام این قانون تفکیکی میان قتل عمدی و غیر عمدی به عمل آمده است. ماده 398 نه تنها که ارزش زنان و زندگی آنها را پائین می‌آورد، بلکه به یک رفتار فرهنگی زیان آور، جنبه حقوقی می‌دهد.

قضایای توضیحی

با آنکه بسیاری از قضایای مربوط به قتل‌های ناموسی به زنان ارتباط دارد، اما بخش حقوق بشر یوناما چندین قضیه را پیگیری نموده که در آن مردها و پسران نیز تحت نام "ناموس" قربانی گردیده‌اند. در ماه می 2010، بنا بر گزارشها، خانواده یک مرد جوان، یک مرد و یک زن را در ولایت نیمروز به قتل رساندند. قرار ازدواج هر دو نفر با دیگران توسط خانواده های آنها گذاشته شده بودند. ظاهراً کسی آنها را دیده بوده که باهم صحبت می‌کردند. طبق گفته‌های مامورین اجرای قانون، خویشاوندان پسر آنها را (پسر جوان و زن مذکور را) به یک جای دور انتقال داده و به گلوله بستند و بعد به یک چاه انداختند. مظنونین این حادثه دستگیر گردیده‌اند.¹³¹

چنین به نظر می‌رسد که بعضی از قضایای "قتل‌های ناموسی" همراه با موافقت تمام اهالی منطقه صورت می‌گیرد. در اگست 2010، یک دختر در ولایت بامیان یک روز پس از مراسم ازدواجش به خاطر بروز یک جو بدگمانی کشته شد. بنابر گزارشها، شوهر تازه داماد، در شب عروسی دختر را دوباره به خانه پدرش برمی‌گرداند و به آنها می‌گوید که دخترشان باکره نبوده است. روز بعد دختر در خانه پدرش ظاهراً فوت می‌کند. پولیس به حقوق بشر یوناما خبر داد که آنها بازجویی خود را آغاز نمودند، اما بدلیل تهدید مردم محل از بررسی بیشتر خودداری کردند. روز بعد، یک تیم که رئیس تحقیق جنایی ولایت هم شامل آن بود، از محل حادثه بازدید به عمل آورد، اما مطابق گزارشها، مردم محل به آنها نیز اجازه بررسی بیشتر ندادند. پس از آن، مقامات از اتخاذ تدابیر بیشتر در این مورد خودداری نمودند. یوناما به پیگیری این قضیه ادامه می‌دهد.¹³²

دیدگاه جامعه

در بعضی گفتگوهایی که در ولایات شمالی سرپل، جوزجان، سمنگان و بلخ صورت گرفت، افغان‌ها وجود قتل‌هایی تحت عنوان "ناموس" را تایید کردند. به گونه مثال در ولایت سرپل، معاون محکمه

¹³¹ قضیه‌ای که در 2010 به بخش حقوق بشر یوناما گزارش و توسط این بخش مورد بررسی قرار گرفت.
¹³² بررسی و گفتگوهایی که در اگست 2010 توسط حقوق بشر یوناما صورت گرفت.

ولایت یک قضیه‌ای را حکایت کرد که یک برادر خواهر خود را پس از آنکه از ازدواج اجباری فرار نموده و به دوست پسر خود پناه برده بود، به قتل رساند.¹³³

در ساحات دیگر، مردمان محل وجود جرایم مشخص در این رابطه را در ساحات‌شان تایید نکرده و گفتند که از "قتل ناموسی" آگاهی ندارند. در گفتگوهایی که با اعضای مرد شورای قریه ده اصل ولایت سمنگان به عمل آمد، آنها اظهار داشتند که قتل‌های ناموسی (همانند بد دادن و منع دسترسی زنان به آموزش) در ولسوالی‌شان صورت نمی‌گیرد و این اعمال را جرم شمردند.¹³⁴ مصاحبه شوندگان مرد در سایر ساحات عین مطلب را بیان داشته و وقوع قتل‌های ناموسی را در محلات‌شان انکار کردند، ولی با آن هم بخش حقوق بشر یوناما چندین واقعه قتل مرتبط به موضوع ناموس را در ولایات شمالی بررسی نموده است به شمول واقعه‌ای که در ماه مارچ 2007 در ولایت سرپل رخ داد که در آن پدری دختر خود را پس از آنکه نامزدش عقدش را با او بعد از پخش تصاویر "شرم آور" وی فسخ نمود، به قتل رساند.¹³⁵

برخی از افغان‌ها، به شمول زنان پشتون، در گفتگو با بخش حقوق بشر یوناما اظهار داشتند که رقم قتل‌های ناموسی در محلات روستائی پشتون نشین¹³⁶ بالا است. این نوع قتل‌ها در محلات ترکمن نشین در سطح پایین خود قرار دارد، زیرا دختران ترکمن مشغول قالین بافی‌اند و پدران‌شان نمی‌خواهند درامدشان را از دست دهند.¹³⁷

3.9 خودسوزی؛ به مثابه یک واکنش در برابر عرف و عنعنات ناپسند و خشونت علیه زنان

در جولای 2009، یک دختر حامله 20 ساله در ولایت پنجشیر خود را آتش زد. پیش از مرگ، او به بخش حقوق بشر یوناما گفته بود که از سال 2007 یعنی از زمانی عروسی‌اش به این سو همیشه از سوی شوهر و خواهران شوهرش مورد لت و کوب و بدرفتاری قرار می‌گرفت. در روز این واقعه، شوهرش به او اتهام بسته بود که او در شب عروسی باکره نبود. سپس، این زن خود را با تیل آتش زد. چند روز بعد، در اثر زخم‌هایی که برداشته بود، درگذشت. شوهرش اکنون به این دلیل که عامل این واقعه می‌باشد، به دو سال حبس محکوم گردیده است.¹³⁸

خودسوزی یکی از غم‌انگیزترین پیامدهای عرف و عنعنات ناپسند و خشونت در برابر زنان به حساب می‌آید. مقامات، کمتر قضایای خودسوزی را پیگیری میکنند، آنهم در مواردی که اعضای خانواده زنی که خود را آتش زده، متهم به سبب شدن خودسوزی زن مذکور کردند. دلیل آن فقدان مدرک و همچنان بی میلی مقامات دولتی برای بازجویی و پیگرد قانونی چنین قضایایی می‌باشد.

¹³³ طبق گفته‌های قاضی، متخلف خشونت دستگیر نگردید. گفتگو با اعضای مرد شورای ولایتی سمنگان در اپریل 2010.

¹³⁴ گفتگو با اعضای مرد شورای ولایتی سمنگان اپریل 2010.

¹³⁵ قضیه در مارچ 2007 به بخش حقوق بشر یوناما گزارش شد.

¹³⁶ گفتگو با رئیس یک انجمن زنان و وکیل مدافع در ولایت بلخ در اپریل 2010.

¹³⁷ گفتگو با کارگران ساختمانی در قریه کولی بقال، آقچه ولایت جوزجان در اپریل 2010.

¹³⁸ در جریان بررسی بخش حقوق بشر یوناما، معلوماتی که توسط رئیس محکمه ولایت و شوهر متضرر ارائه گردید، در جولای 2009. بخش حقوق بشر یوناما با قربانی قبل از وفاتش نیز صحبت نموده بود.

قانون منع خشونت علیه زن، مجبور ساختن افراد به خودسوزی را جرم دانسته است. همچنین، در احکام شرعی نیز شخصی که باعث خودکشی و یا صدمه به فرد دیگر می‌شود از نظر جزایی مسئول این عمل شمرده می‌شود.

دولت می‌گوید که علت اصلی خودسوزی زنان افسردگی می‌باشد و تخمین نموده که سالانه 2,400 زن مرتکب عمل خودسوزی می‌گردند.¹³⁹ اکثراً، چنین عملی فریاد استمداد برای رهایی از بد رفتاری و خشونت خانوادگی است. با وجود آنکه همه زنان و دخترانی که به این گونه اعمال دست می‌زنند، قصد کشتن خود را ندارند، ولی از اثر سوختگی‌های زیاد جان‌شان را از دست می‌دهند.¹⁴⁰ ازدواج‌های زودهنگام، ازدواج‌های اجباری، بد دادن دختران برای حل منازعات و خشونت‌های جنسی و خانوادگی دلایل اصلی خودسوزی‌ها به شمار می‌روند.¹⁴¹

قضایای توضیحی

در یک قضیه‌ای که در ولایت هرات به بخش حقوق بشر یوناما گزارش داده شد، یک دختر 14 ساله که در سن دو سالگی به پسر کاکایش نامزد شده بود و در 10 سالگی با او ازدواج نموده بود، به خاطر خشونت‌های خانوادگی چهار بار به خود کشتی¹⁴² اقدام کرده بود ولی شوهرش حاضر نبود که او را طلاق دهد.

قوانین داخلی

قانون منع خشونت علیه زن

ماده 21

هرگاه زن به اثر خشونت مجبور به خودسوزی یا خودکشی و یا استعمال مواد کیمیایی یا زهری و یاسایر مواد ضررناک به خود گردد، عامل خشونت در صورت مجروحیت و معلولیت مجنی علیها به حبس متوسط و در صورت مرگ مجنی علیها، حسب احوال به حبس طویل که از ده سال بیشتر نباشد محکوم می‌گردد.

¹³⁹ خودکشی در میان زنان افغان طغیان نموده است، زینخوا (Xinhua)، 31 جولای 2010.

¹⁴⁰ در جریان بحث‌ها و گفتگوهایی که از تاریخ مارچ الی اپریل 2010 در سراسر افغانستان به عمل آمد، گزارش شد.

¹⁴¹ همان. بر اساس تحلیل قضایای که توسط بخش حقوق بشر یوناما مور بررسی قرار گرفت.

¹⁴² قضیه‌ای که به تاریخ نومبر 2010 توسط دفتر څارنوالی ولایتی و ولایت هرات به بخش حقوق بشر یوناما گزارش گردید. قضیه در محکمه معطل گردیده است، به اساس گزارش‌ها، شوهر دختر به ایران فرار نموده است.

احکام شرعی

شریعت اسلام خودسوزی، صدمه رساندن به خود و خودکشی را منع نموده است.

قرآن مجید می‌فرماید:

"... ومیفگنید خودهارا در هلاک و نیکوئی کنید، هرآنینه خدا دوست میدارد نیکوکاران را. (آیه 195، سوره البقره)

کارشناسان حقوق اسلامی در گفتگو با بخش حقوق بشر یوناما اظهار داشتند که خودکشی در دین اسلام منع و حرام است، اما به عنوان یک جرم قابل مجازات نمی‌باشد. در برخی موارد که یک شخص خودکشی می‌کند و یا تحت اجبار اقدام به خودکشی می‌نماید، مسئولیت جزایی می‌تواند متوجه شخصی شود که عامل این فشار بوده است (سبب آن شده است).

در می 2010 در ولایت نیمروز، یک طفل 13 ساله پس از اینکه خود را با پترول آتش زد، جان خود را از دست داد. بر اساس گزارش‌ها، او در سن 10 سالگی ازدواج نموده بود و زندگی با شوهر و خانواده شوهر برایش طاقت فرسا شده بود. قضیه مذکور در جریان یک بازدید از شفاخانه مورد توجه بخش حقوق بشر یوناما قرار گرفت. این دختر سه روز پس از بازدید از اثر جراحات ناشی از سوختگی درگذشت.

در سال 2007، مقامات صحتی ولایتی در ولایت غربی هرات یک واحد ویژه سوختگی را ایجاد نمودند. این واحد ماهانه بین هشت تا ده قضیه خودسوزی -چهل درصد افزایش نسبت به سال 2009 - را معالجه می‌نماید. داکتران این واحد درمانی اظهار می‌دارند که نزدیک به همین رقم به دلیل دوری از مرکز شهر و یا فوت قربانی، به آنها راجع نمی‌شود. یک زن، 15 روز پس از آن که خود را آتش زده بود تصادفاً پیدا شد. او توسط پدر شوهر و برادر شوهر خود مورد تجاوز جنسی قرار گرفته بود و به همین دلیل می‌خواست خود را بکشد.¹⁴³ اکثریت قربانیان زنانی می‌باشند که بین 15 الی 25 سال قرار دارند و بسیاری از آنها مردمان فقیر و بیسوادند. داکتر مسئول این واحد توضیح می‌دهد: "ازدواج‌های اجباری باعث بروز مشکلات زیاد می‌گردد. ازدواج زنان جوان با مردان پیر، به فروش رسانیدن آنها و مبادله آنها با گوسفند و حتی در مقابل تریاک. گاهی حتی دختران با کودکان نامزد می‌شوند" وی می‌گوید "این زنان از سوی شوهر بد رفتارشان و به همین اندازه از سوی زنان خانواده مخصوصاً مادر شوهر، تحت فشار قرار می‌گیرند. آنها گاهی به ملاها و شوراها محل مراجعه می‌کنند، اما با دشنام و تحقیر مواجه می‌گردند". داکتر مذکور تاکید می‌نماید که کلید ریشه کن کردن قضایای خودسوزی پایان دادن به ازدواج‌های اجباری می‌باشد.¹⁴⁴

¹⁴³ طوری که گزارش گردیده، یاس و نامیدی زنان را به خودسوزی مجبور ساخته است، AFP، 28 سپتمبر 2010.

¹⁴⁴ همان.

3.10 فرار از منزل به مثابه واکنش در برابر عرف و عنعنات ناپسند و خشونت

پدری در ولایت لوگر دختر 16 ساله خود را در مقابل پول به ازدواج یک مرد پیر درآورده بود. دختر با یک پسر دیگر به جلال آباد فرار نمود. پولیس او را دستگیر و متهم به فرار و زنا نمود. او در مرکز اصلاح و تربیت اطفال ولایت لوگر بازداشت گردید و بنا بر گزارشها در آنجا مورد تجاوز جنسی قرار گرفت. محکمه ابتدائیه ولایت لوگر او را محکوم به هفت سال حبس نمود و سپس به مرکز اصلاح تربیت اطفال ولایت کابل انتقال داده شد. بعداً، پدر وی دختر دیگرش را به آن مرد پیر به بد داد.¹⁴⁵

بخش حقوق بشر یوناما دریافته است، زمانیکه وضعیت اجتماعی و فرهنگی به زنان و دختران اجازه مخالفت با عرف و عنعنات ناپسند را نمی‌دهد، آنها برای نجات از خشونت به فرار متوسل می‌شوند. به گونه مثال، فرار (شنگری)¹⁴⁶ در ولایت پنجشیر زیاد رایج است. دختران فرار می‌کنند تا از نامزدی-های اجباری نجات پیدا کنند و همچنین فرار می‌کنند تا با مرد مورد نظر خود زندگی کنند.

با وجود آنکه فرار از منزل در قوانین افغانستان جرم نیست، مجریان قانون اکثراً دخترانی را که به فرار متوسل می‌شوند، دستگیر، توقیف و تحت تعقیب عدلی قرار می‌دهند. اتهام وارده در این موارد معمولاً "قصد ارتکاب عمل زنا" می‌باشد.¹⁴⁷ مطابق ماده 425 قانون جزاء، هرگاه یک مرد با زن هجده ساله و یا بیشتر از آن به منظور ازدواج دست به فرار بزنند، مرتکب عمل اختطاف دانسته نمی‌شود.¹⁴⁸ این نشان می‌دهد که یک زنی که 18 سال یا بیشتر از آن سن دارد و به قصد ازدواج فرار می‌نماید، مرتکب عمل خلاف نمی‌شود.

فرار از منزل می‌تواند به منازعات میان خانواده‌ها و جوامع منجر گردد. گاهی، طوریکه در قضیه بالا ذکر گردید، خانواده‌ها مجبور می‌شوند دختر دیگرشان را به شکل "بد" بدهند. همچنان این نوع فرار حتی می‌تواند منجر به قتل آنها توسط خویشاوندان‌شان تحت پوشش "ناموس" گردد.

قضایای توضیحی

زنان و دختران به خاطر نجات از خشونت در منزل، غالباً دست به فرار می‌زنند. در بسیاری از موارد علت اصلی خیلی از مشکلات، عرف و عنعنات ناپسند مانند ازدواج‌های زود هنگام و ازدواج‌های اجباری میباشد. بخش حقوق بشر یوناما قضیه یک دختر چهار ده ساله را که در سن نه (9) سالگی ربوده و مجبور به ازدواج شده بود، در ولایت فراه مورد تحقیق قرار داد. دختر مذکور گفت که از یک طرف توسط خسور (پدر شوهر) اش به خاطر امتناع از مقاربت جنسی با وی مورد لت و کوب قرار می‌گرفت

¹⁴⁵ قضیه‌ای که در جنوری 2010، به بخش حقوق بشر یوناما گزارش شده و از طرف این بخش مورد پیگیری قرار گرفت.
¹⁴⁶ شنگری (فرار از منزل) به صورت‌های مختلف وجود دارد: 1- زمانی که پسر و دختر برای ازدواج راضی باشند اما خانواده‌های آنها مخالفت داشته باشند، در این صورت خطر فرار وجود دارد. 2- هرگاه دختر با کسی دیگر نامزد می‌باشد، شنگری رخ دهد در آن صورت رواج طوری است که خانواده دختر باید دختر دیگر خود را برای مردی که دختر اول با او نامزد بود، به بد بدهد، 3- برای شنگری عادی، یعنی زمانی که پسر و دختر برای ازدواج راضی باشند و خانواده‌ها نیز با این کار مخالفت نداشته باشند، تحایفی که توسط بزرگان داده می‌شود تلافی گفته می‌شود.

¹⁴⁷ بر اساس گفتگوهای زیادی که کارمندان بخش حقوق بشر یوناما با مقامات مجری قانون داشتند، پولیس زنانی را که اقدام به فرار از منزل می‌نمایند دستگیر نموده و آنها را متهم به ارتکاب «عمل زنا»، که در قانون جزاء افغانستان و احکام شرعی جرم پنداشته می‌شود، می‌نماید.

¹⁴⁸ ماده 425 قانون جزاء: "هرگاه شخص زن را که سن هجده سالگی را تکمیل کرده باشد به منظور ازدواج از محل اقامت اولیایش با خود ببرد در صورتیکه با رضا و رغبت قانوناً باوی عقد ازدواج نماید، این عمل اختطاف شمرده نمی‌شود". این ماده در مطابقت با ماده 80 قانون مدنی میباشد که میگوید: "هرگاه عاقله رشیده بدون موافقه ولی ازدواج نماید، عقد نکاح نافذ و لازم میباشد".

و از طرف دیگر مورد بدرفتاری خشو (مادرشوهر) و شوهرش قرار می‌گرفت، به خاطر آنکه آنها فکر می‌کردند که او با خسورش رابطه جنسی دارد.

کارمندان بخش حقوق بشر یوناما با او گفتگو نمودند و مشاهده نمودند که دو انگشت دست او شکسته و نیل بالای بدنش ریختانده شده بود (به گفته بعضی‌ها توسط خسورش) و در پاهایش نیز سوختگی مشاهده گردید. او نیز ادعا داشت که شوهرش دستانش را بسته و او را برای یک شب آویزان نموده بود. پدر دختر قضیه را به پولیس و ریاست امور زنان راجع نمود. سپس، ریاست امور زنان این دختر را به شفاخانه انتقال و از پولیس خواست تا مرتکبین این قضیه را بازداشت نماید. تا حال پولیس محل هیچ اقدام عملی را به خاطر داشتن روابط قومی- خانوادگی با خانواده شوهر، روی دست نگرفته است. بخش حقوق بشر یوناما قضیه یادشده را با مقامات مربوطه در میان گذاشته است.¹⁴⁹

رفتار محاکم با زنانی که از منزل فرار می‌کنند

در ماه آگست 2010، شورای عالی ستره محکمه در مصوبه 572¹⁵⁰ خود، رهنمودی (متحدالمال) را در مورد چگونگی حل فصل قضایی فرار از منزل برای څارنوالان (ارگان‌های عدلی و قضایی) صادر نمود. طبق این رهنمود، محاکم مکلفند تا بدانند آیا زن که از منزل فرار نموده، مجرد می‌باشد یا متأهل، همچنین در مورد علت و انگیزه فرار و این که زن مذکور به کجا فرار نموده است (به خانه خویشان یا بیگانگان). اگر زن بخاطر نجات از آزار و اذیت و خشونت خانواده دست به فرار می‌زند و به خانه یکی از خویشاوندان یا محرم شرعی‌اش و یا به یک نهاد عدلی و قضایی پناه می‌برد، از نظر شرعی واقعه جرم پنداشته نمی‌شود. برعکس، هرگاه یک زن به منزل یک اجنبی پناه ببرد، با آنکه دلیل آن ممکن نجات از بدرفتاری باشد، مطابق این رهنمود به خاطر که این عمل او می‌تواند باعث بروز جرایم و محظورات شرعی مانند زنا و فحشا گردد، ممنوع و قابل تعزیر است.

رهنمود مذکور می‌تواند نشان دهنده یک قدم مثبت در مقابل رواج معمول دستگیری زنانی باشد که اقدام به فرار از منزل می‌کنند. اما یک تحلیل دقیق‌تر نشان می‌دهد که ستره محکمه با استفاده از ماده 130 قانون اساسی (که به محاکم اجازه می‌دهد، در مواردی که در رابطه به یک موضوع در قوانین نافذه افغانستان حکمی موجود نباشد، از احکام قفه حنفی استفاده نماید) به رفتارهای سنتی که آزادی رفت و آمد زنان را محدود می‌سازد و هیچ اساس در شریعت ندارد، رسمیت بخشیده است.

کارشناسان حقوق اسلامی که بخش حقوق بشر یوناما با آنها رایزنی نموده به این باورند که این رهنمود هم غیر واقعی است و هم با احکام شرعی ناسازگار است.¹⁵¹ زنانی که مورد خشونت قرار می‌گیرند ممکن است دسترسی فوری به خانواده یا نهاد تنفیذ قانون نداشته باشند، یا نمی‌توانند بالای خویشاوندان خود یا مقامات دولتی اعتماد کنند و بهتر می‌دانند تا به یک اجنبی، مثلاً همسایه، اتکا نمایند و از او محافظت بجویند. علاوه بر آن در شریعت اسلامی مرتکبین عمل زنا، هم زن و هم مرد مورد رفتار یکسان قرار می‌گیرد. ضمناً مجازات بر اساس احتمال مرتکب شدن زنا در شریعت پایه و اساس حقوقی

¹⁴⁹ قضیه که در آگست 2010 توسط بخش حقوق بشر یوناما مورد بررسی قرار گرفت.

¹⁵⁰ متحد المال شورای عالی ستره محکمه در یک مکتوبی که در پاسخ به مکتوب سازمان بین المللی انشکاف حقوق (IDLO) که بواسطه آن از ستره محکمه درخواست وضاحت در قسمت اساسات قانونی دستگیری و پیگرد عدلی تخلفات "فرار از منزل" را نموده بود، نقل قول گردید. مکتوب ستره محکمه به تاریخ اول اگست 2010 صادر گردید. این جوابیه با دفتر یوناما نیز در میان گذاشته شد. متحدالمال مذکور به تاریخ 25 اگست 2010 در روزنامه اصلاح نیز به نشر رسید.

¹⁵¹ بخش حقوق بشر یوناما در مورد متحدالمال فوق الذکر با کارشناسان حقوق اسلامی نیز صحبت نموده و از آنها خواست تا نظر حقوقی‌شان را مبتنی بر احکام شرعی ارائه نمایند، اکتوبر 2010.

ندارد. بناءً رهنمود مذکور مبتنی بر این فرضیه می‌باشد که عمل "زنا" ممکن است واقع شود به این دلیل که زن خود را در معرض یک احتمال قرار داده است. بخش حقوق بشر یوناما بر این نظر است که این رهنمود با ضمانت‌های تساوی جنسیت مندرج در قانون اساسی و ماده 31 (انزوای اجباری) و ماده 35 (ممانعت از حق تعلیم، تحصیل، کار و دسترسی به خدمات صحتی) قانون منع خشونت علیه زن در تضاد است.

تناقض فهم و برداشت از قواعد بین المللی، احکام شرعی و قوانین داخلی می‌تواند توسط دولت با ترویج یک تفسیر جامع و باز از احکام شرعی حل گردد این کار به جای تخریب (پراکندگی)، باعث توحید قوانین داخلی گردیده و می‌تواند روی تحقق تعهدات بین المللی حقوق بشری دولت افغانستان نیز موثر واقع شود. بخش حقوق بشر یوناما پیشنهاد می‌نماید که ستره محکمه این رهنمود را در مطابقت با ضمانت‌های قانون اساسی، احکام شرعی و تعهدات بین المللی حقوق بشری دولت افغانستان، اصلاح نماید.

3.11 اثرات رسوم زیان‌آور بر دسترسی زنان به آموزش و مراقبت‌های صحتی مناسب

عرف و عنعنات زیان‌آور چالش‌هایی را که افغانستان در قسمت بهبود برخورداری زنان از حقوق بشری‌شان، مانند حق صحت و حق آموزش مواجه‌اند، تشدید می‌کند. ازدواج زودهنگام، از لحاظ وسعت پیامدهای آن ویرانگرترین و دوامدارترین رسم زیان‌آور می‌باشد. دختری که در سن 12 سالگی عروسی می‌کند، نمی‌تواند آموزش خود را ادامه بدهد و ممکن است در نوجوانی باردار گردد در حالی که از نظر جسمی و ذهنی برای مادر بودن آماده نمی‌باشد.

در قانون منع خشونت علیه زن، منع یک زن و دختر از دسترسی به حق آموزش یک عمل مجرمانه شناخته شده است. اسلام نیز تصریح می‌نماید که مردان و زنان دارای حق آموزش مساوی‌اند و این وظیفه تمام مسلمانان است تا برای آموختن سعی و تلاش به خرج دهند. قانون اساسی افغانستان نیز حق آموزش و ارائه خدمات صحتی را برای تمام شهروندان تضمین نموده است.

حق صحت

متخصصین طبی¹⁵² به بخش حقوق بشر یوناما عوارض و امراض تناسلی ناشی از رابطه جنسی و ولادت در سنین پائین را توضیح دادند. این عوارض و امراض شامل پارگی مهبل، تخریب رحم (Ruptured Uterus) و عوارض مجرای پیشاب (Urethra-Vaginal Fistula) می‌باشد.¹⁵³ داکتران در ولایت بلخ به بخش حقوق بشر یوناما اظهار داشتند که آنها نوع اخیر این عوارض را در یک دختر 14 ساله مشاهده نمودند که شوهر 50 ساله‌اش حاضر نبود که مصارف تداوی او را پرداخت نماید و می‌گفت که وی این اندازه پول را در عوض برای ازدواج با یک زن دیگر به مصرف خواهد رساند.¹⁵⁴

¹⁵² گفتگو با داکتران نسائی ولادی به تاریخ اپریل 2010 در ولایت جاوزجان.

¹⁵³ عوارض مجرای پیشاب (Urethra-Vaginal Fistula) حالتی است که مهبل، مثانه و مقعد در جریان ولادت دچار عوارض یا پارگی می‌گردد، زیرا بدن یک دختر به حد کافی برای ولادت رشد نکرده است. درمان نکردن این عوارض باعث عدم کنترل بول و غائط در تمام عمر می‌گردد.

¹⁵⁴ گفتگو با کارمندان صحتی در ولایت بلخ، اپریل 2010.

در کشورهای در حال توسعه، بارداری در نوجوانی یکی از علت‌های اصلی نرخ مرگ و میر مادران به شمار می‌رود. احتمال مرگ در جریان ولادت و بارداری برای دخترانی که قبل از سن 15 سالگی- دورانی که بدن آنها برای بارداری و ولادت آمادگی ندارد- ولادت می‌کنند، 5 بار بیشتر از کسانی است که بالای سن 20 سالگی قرار دارد.¹⁵⁵

افغانستان بیشترین میزان مرگ و میر مادران را در جهان دارا می‌باشد.¹⁵⁶ عوامل آن عبارت از ازدواج قبل از وقت، بارداری‌های پی در پی و فقدان آگاهی، به خاطر بیسوادی می‌باشد.¹⁵⁷ رقم آن سالانه حدوداً به 24,000 می‌رسد که خیلی از آنها دختران زیر سن 18 هستند. احتمال مرگ طفلی که از یک مادر زیر 18 سال دنیا می‌آید، 60 درصد بیشتر از دیگر اطفال، در سال اول زندگی است.¹⁵⁸ در افغانستان، مرگ و میر مادران (24,000 مورد در سال) نسبت به تلفات غیر نظامیان در جنگ ده مرتبه بیشتر می‌باشد (در سال 2009، بخش حقوق بشر یوناما 2,412 واقعه تلفات افراد ملکی را در جنگ ثبت نموده است).¹⁵⁹

ازدواج زود هنگام نه تنها به خود دختر، بلکه همچنان به کودکی که در بطن دارد، صدمه وارد می‌کند. وضع حمل پیش از موعد، پایین بودن وزن طفل و رشد ضعیف جسمی و ذهنی عوارضی‌اند که نوزادان متولد از مادران نوجوان (زیر سن) به آنها مبتلا می‌باشند.

بسیاری از زنان و کارمندان صحتی در گفتگو با بخش حقوق بشر یوناما اظهار داشتند که عروسان جوان اکثراً تجربه کمی برای مراقبت از نوزادان دارند یا هیچ تجربه ندارند. آنها مواردی را حکایت نمودند که مادران جوان و بی تجربه اطفال خود را یا سوختانده بودند یا خفه نموده بودند.¹⁶⁰

فشار اجتماعی بر عروسان نوجوان جهت حامله و بچه دار شدن بلافاصله پس از ازدواج بسیار زیاد می‌باشد.¹⁶¹ خیلی از آنها فقیر و تحصیل ناکرده هستند، آنها در مورد تنظیم خانواده یا مقاومت در برابر شوهر برای به تاخیر انداختن بارداری معلومات کمی در اختیار دارند. حق تصمیم‌گیری آزادانه و مسئولانه در مورد تعداد و فاصله میان ولادت‌ها به موجب قواعد بین المللی حقوق بشر¹⁶² به رسمیت شناخته شده و نقض آن خشونت علیه زنان به شمار می‌آید.¹⁶³

¹⁵⁵ فرصت‌های جدیدی در قسمت جلوگیری از ازدواج زود هنگام: یک تحلیل جهانی از عوامل و برنامه‌ها، سرنگا جین (Saranga Jain) و کتلین کرتز (Kathleen Kurtz)، مرکز بین المللی برای پژوهش در مورد زنان، اپریل 2007 (به نقل از پژوهش صندوق جمعیت سازمان ملل متحد و پوهنتون ابرسین)؛ همچنان به "هشدار افغانستان نسبت به ضرورت سرمایه گذاری بیشتر جهت تحقق اهداف چهارم و پنجم انکشافی هزاره"، اعلامیه مطبوعاتی مشترک (دولت جمهوری اسلامی افغانستان، سازمان صحتی جهان، یونسف و صندوق جمعیت سازمان ملل متحد)، 22 سپتامبر 2010، مراجعه نمایید.

¹⁵⁶ مرگ و میر مادران از 1,600 در هر 100,000 ولادت در 2001 به 1,400 در 2010 کاهش یافته است، اما این رقم نیز بلندترین سطح را در جهان نشان می‌دهد. به اعلامیه مطبوعاتی مشترک (دولت جمهوری اسلامی افغانستان، سازمان صحتی جهان، یونسف و صندوق جمعیت ملل متحد)، "هشدار افغانستان نسبت به ضرورت سرمایه گذاری بیشتر جهت تحقق اهداف چهارم و پنجم انکشافی هزاره"، 22 سپتامبر 2010 و "روند مرگ و میر مادران: تخمین های از سال 1990 الی 2008 توسط سازمان صحتی جهان، یونسف، صندوق وجهی جمعیت ملل متحد و بانک جهانی در 2010 صورت گرفته"؛ نیز مراجعه نمایید.

¹⁵⁷ همان، اعلامیه مطبوعاتی مشترک که توسط سرپرست وزارت صحت عامه جمهوری اسلامی افغانستان صادر گردید.

¹⁵⁸ همان.

¹⁵⁹ به گزارش بخش حقوق بشر یوناما، گزارش سالانه در مورد حفاظت از افراد ملکی، 2009، مراجعه کنید.

¹⁶⁰ گفتگو با یک گروه از زنان افغان، ولسوالی چمتال، ولایت بلخ، اپریل 2010.

¹⁶¹ به اساس مباحثه گروهی متمرکز که بخش حقوق بشر یوناما با زنان افغان داشت، مارچ-اپریل 2010.

¹⁶² ماده 16 CEDAW (1) عین همان حقوق را تضمین می‌نماید: "حق تصمیم گیری آزادانه و مسئولانه در قسمت تعداد اولاد و فاصله بین آنها، دسترسی به معلومات، آموزش و ابزاری که آنها را قادر به استفاده از این حقوق می‌نمایند"

¹⁶³ گزارش کومورا سوامی، رسوم فرهنگی در خانواده‌ها که در برابر زنان خشونت آمیز است.

برای اتخاذ استراتژی موثر جهت ریشه کن کردن رسم ازدواج‌های زودهنگام در افغانستان، جمع آوری بهتر معلومات و اطلاعات راجع به آن، حیاتی می‌باشد. این معلومات می‌تواند توسط فعالین کمک‌های بشر دوستانه جمع آوری گردد. به گونه مثال، پروگرام جهانی غذا مادران شیرده را از طریق برنامه‌های تغذیه کمک می‌کند و سن اطفال، نه سن مادران را که این کمک‌ها را دریافت می‌کنند، ردیابی می‌کند.¹⁶⁴ جمع آوری اطلاعات در مورد سن مادران معلومات ارزشمندی را در اختیار قرار داده و پاسخهای برنامه ریزی شده و معطوف به هدف را ممکن می‌سازد. به همین شکل، همانطور که در فوق ذکر گردید، منع و یا محدودیت بر رفت و آمد زنان در سراسر افغانستان به نوبه خود منجر به منع دسترسی آنان به خدمات صحتی می‌گردد.

حقی آموزش

در ولایت نیمروز، دختر ده ساله‌ای به نام شهناز (نام مستعار) با ازدواج نمودن با یک مرد 45 ساله که پدرش ترتیب داده بود، مخالفت کرد. او شاگرد مکتب بود و می‌خواست تحصیلتش را ادامه بدهد. پدرش از این کار پشیمان بود، اما اظهار داشت که او یک مرد فقیر است و برای معالجه بیماری‌اش به پول نیاز دارد. این قضیه به توجه کمیسیون ولایتی محو خشونت علیه زنان (که شامل نمایندگان پولیس، خانونالی، محکمه و ریاست امور زنان می‌باشد) رسانده شد و آنها به افراد دخیل در این قضیه هشدار دادند که به ازدواج دادن شهناز غیر قانونی است. در نتیجه، پدر شهناز پول آن مرد را برگردانده و به کمیسیون مذکور ضمانت داد که دخترش را در این سن به شوهر نخواهد داد. اکنون شهناز به آموزش خود ادامه می‌دهد.¹⁶⁵

منع آموزش دختران یک رسم ناپسند و نقض ضمانت‌های اساسی حقوق بشر می‌باشد. محرومیت از آموزش یکی از شدیدترین پیامدهای ازدواج‌های زودهنگام است که تاثیر بر رشد اطفال دارد. به همین شکل، ممانعت از تحصیل یکی از عوامل و نشانه‌های ازدواج‌های زود هنگام می‌باشد. از این جهت، ازدواج اطفال نه تنها زندگی یک طفل، بلکه استعدادهای بالقوه او را نیز از بین می‌برد.

عرف و عنعنات زیان آور موانع عمده در مسیر دسترسی دختران به آموزش می‌باشد.¹⁶⁶ بخش حقوق بشر یوناما بر این نظر است که محروم ساختن نیمی از پیکر جامعه از زندگی سیاسی و اجتماعی، به شمول آموزش، تاثیری معکوس بر پتانسیل‌های اقتصادی و انکشاف یک کشور دارد.

میزان سواد در میان تمام افغان‌های بالاتر از 15 سال، 28 درصد می‌باشد و برای زنان صرفاً 12.6 درصد است.¹⁶⁷ دخترانی که در سنین پائین ازدواج می‌کنند تقریباً دیگر هیچ وقت به مکتب نمی‌روند. عروسان خردسن با کارهای مشکل‌خانه، محدودیت رفت و آمد، تولد اطفال و هنجارهای اجتماعی که تأهل و آموزش را ناسازگار می‌داند، مواجه می‌شوند.¹⁶⁸ فشارها از هر طرف وارد می‌شوند، از جمله، از سوی خانواده‌های دیگر شاگردان که نمی‌خواهند دخترانشان با زنان ازدواج کرده، یکجا به مکتب بروند و درس بخوانند.

¹⁶⁴ معلوماتی که در اکتوبر 2010 توسط پروگرام جهانی غذا به بخش حقوق بشر یوناما گزارش داده شد.

¹⁶⁵ واقعه‌ای که در اپریل 2010 توسط بخش حقوق بشر یوناما و ریاست امور زنان مورد بررسی قرار گرفت.

¹⁶⁶ به اساس گفتگوها با مردان و زنان افغان در سراسر کشور، مارچ-اپریل 2010.

¹⁶⁷ به گزارش انکشاف بشری افغانستان، 2007، مراجعه نمایید.

¹⁶⁸ فهم افغانها از عوامل، پیامدها و راه‌های حل ازواج‌های زودهنگام، ضمیمه 2، گزارش دفتر مدیکا موندیال راجع به "تاثیر خشونت جنسیتی بالای ولادی نسانی زنان"

توجه کمی که جامعه افغانی به زنها دارد و سن پائین ازدواج که دختران را از والدینشان جدا می‌کند، از عوامل موثر در نگهداشتن دختران در خانه به جای فرستادن آنها به مکتب به شمار می‌آید¹⁶⁹ زمانی که دختران به سن بلوغ می‌رسند، به منظور حفاظت در مقابل ناامنی و تعرض بر آنها در مسیر راه، خانواده‌هایشان ممکن است آنها را وادار به انصراف از مکتب رفتن نمایند. ناکافی بودن مکاتب و منابع برای آموزش، نبود استادان زن و تهدیدهای عناصر ضد دولتی همه و همه در بازداشتن دختران از رفتن به مکتب کمک می‌کنند.¹⁷⁰

قوانین داخلی

قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان

ماده 43

تعلیم حق تمام اتباع افغانستان است که تا درجه لیسانس در مؤسسات تعلیمی دولتی به صورت رایگان از طرف دولت تامین میشود. دولت مکلف است به منظور تعمیم متوازن معارف در تمام افغانستان، تامین تعلیمات متوسطه اجباری، پروگرام موثر را طرح و تطبیق نماید...

ماده 52

دولت وسایل وقایه و علاج امراض و تسهیلات صحی رایگان را برای همه اتباع مطابق به احکام قانون تامین می نماید.

قانون منع خشونت علیه زن

ماده 36

شخصی که زن را از حق تعلیم، تحصیل، کار، دسترسی به خدمات صحی یا استفاده از سایر حقوق مندرج قوانین مانع گردد، حسب احوال به حبس قصیر که از شش ماه بیشتر نباشد، محکوم میگردد.

ماده 6

مجنی علیهای خشونت دارای حقوق ذیل میباشد:
3- دسترسی به خدمات صحی عاجل طور رایگان.

¹⁶⁹ به اساس گفتگوها با مردان و زنان افغان در سراسر کشور، مارچ-اپریل 2010. برخی از مردان و زنان در گفتگو با بخش حقوق بشر یوناما اظهار داشتند که خیلی از خانواده‌ها در قسمت آموزش کودکان خود سرمایه گذاری نمی‌کنند زیرا وقتی که آنها ازدواج کرد، از آن به بعد "مال" دیگران می‌شوند.
¹⁷⁰ این موضوع در بعضی از گفتگوهای گزارش مطرح گردید. همچنین، در برخی ساحات، محلاتی است که مکتب دخترانه وجود ندارد، به گونه مثال، ولسوالی پریان در ولایت پنجشیر، قریه خلزایی در ولایت پروان و تعدادی از ولسوالیها در ولایت کاپیسا و دیگر ولایات.

احکام شرعی

حق آموزش

اسلام همانند مردان، برای زنان نیز حق آموزش قایل است. آیه‌های قرآن کریم که در ذیل می‌آید، تاکید می‌نماید که مردان و زنان مکلفند برای آموزش تلاش ورزند و هر دو پاداش یکسان دریافت می‌کنند.

"بگو آیا برابر میشوند آنانکه میدانند و آنانکه نمیدانند، جزاین نیست که پند میگیرند صاحبان عقل" *سوره الزمر آیه 39*

"میدهد دانش هرکرا خواهد و هرکرا داده شد دانش، هرآنچه داده شد نیکویی بسیار و نمی پذیرند پند مگر صاحبان عقل" *سوره بقره آیه 269*

واز مردمان وجانوران و چهارپایان گوناگون است، رنگهای آن همچنان. جزاین نیست که میترسند از خدا از جمله بندگانش خاص علماء، هر آنچه خدا غالب و آموزنده است. *سوره فاطر آیه 28*

پیامبر (ص) میفرماید:

"طلب علم برای هر مسلمان فرض است" (اعم از مرد و زن)، ابن ماجه، 224 البیهقی

کارشناسان حقوق اسلامی متفق القول هستند که واژه مسلمان یا همه مردم مذکور در کتاب‌های آسمانی شامل حال زن و مرد می‌گردد. بناءً، اسلام به زنان به طور یکسان با مردان حق آموزش داده است تا مکلفیت‌های مذهبی و اجتماعی خود را درک کنند. همچنین هم مرد و هم زن را مکلف میسازد تا مطابق به رهنمودهای اسلامی اطفال‌شان را به بهترین شیوه بزرگ کنند. گذشته از آن، حضرت بی بی عایشه، همسر پیامبر اسلام (ص)، خود یک عالم بزرگ بود که در قسمت گسترش فهم پیروان پیامبر اسلام (ص) از ابعاد زندگی شخصی آن حضرت سهم بزرگ ایفا نمود. حضرت عایشه (رض) احادیث زیادی را روایت نموده و تعداد زیادی از پیروان پیامبر اسلام را آموزش داد. بدون سهم گیری او مسلمانان احتمالاً از بسیاری منابع علوم اسلامی بی‌بهره می‌ماندند. در عصری که بسیاری از مردان بیسواد بودند، حضرت بی بی عایشه یک زن تحصیل کرده و باسواد بود. در خانواده پیامبر اسلام، زنان دیگری مانند حضرت بی بی زهرا (رض) و حضرت زینب (رض) نیز تحصیل کرده بودند.

در حدیث دیگر، ابودرداء (رح) روایت میکند:

من از رسول خدا (ج) شنیدم که گفت: "اگر کسی برای طلب علم سفر میکند، خداوند او را در یکی از راه های بهشت میبرد. فرشتگان بال های خود را برای خوشی بیشتر شان پهن میکنند و ساکنین بهشت و زمین و ماهی در آب ها برای انسان دانا و فاضل طلب مغفرت میکنند. برتری یک مرد دانا مانند مهتاب در شب بالای ستاره گان میباشد. دانایان وارثین پیامبران اند، و پیامبران نه دینار و نه درهم از خود بلکه علم از خود بجا میمانند، و کسیکه آن را میگیرد یعنی که یک سهم بزرگ را نصیب میشوند".
(تفسیر سنن ابوداود)

حق صحت

اگر چند آیه یا حدیثی مشخصاً راجع به حق صحت وجود داشته ولی با آنهم رعایت نظافت در قرآن مجید و احادیث مورد تاکید زیاد قرار گرفته که بیانگر توجه به صحت بوده و با این موضوع ربط میگیرد.

پیامبر (ص) میفرماید «نظافت جز ایمان است». همچنین آن حضرت میگوید که پاکی نیم دین است. اوامر و نواهی اسلامی، مرد و زن را یکسان مورد خطاب قرار می‌دهند. هیچکس نمی‌تواند ادعای ممنوع ساختن زن از دسترسی به مراقبت‌های صحی را نماید.

منع آموزش و رابطه آن با ازدواج زودهنگام

در یک مطالعه دربارهٔ ازدواج 200 طفل در افغانستان که توسط بنیاد تحقیقاتی حقوق زنان و اطفال صورت گرفت، اکثریت دخترانی که با ایشان گفتگو به عمل آمد از حق آموزش منع گردیده بودند.¹⁷¹ بیسوادی و عدم دسترسی به مکاتب در ساحات دور دست، سطح پایین آگاهی از قوانین کشور و شریعت و سطح پایین آگاهی از صدمات و پیامدهای منفی ازدواج زودهنگام، دلایل عمده ازدواج‌های زود هنگام می‌باشند. در این مطالعه به خصوص، اکثریت والدین- 71 درصد - که دختران خرد سن‌شان را وادار به ازدواج نمودند، بی سواد بودند. بر این اساس بیسوادی والدین عامل عمده ازدواج‌های زودهنگام می‌باشد. در میان اشتراک کنندگان در این مطالعه، 70 درصد دخترانی که در طفولیت ازدواج نموده بودند، بیسواد بودند.¹⁷²

توانمند سازی از طریق آموزش، در محور تلاش‌های محو خشونت علیه زنان قرار می‌گیرد. عروسان خردسال امروز مادران فقیر و بیسواد فردا آیند که آنها نیز دختران‌شان را به همین ترتیب در سنین خرد به نامزد یا به شوهر خواهند داد. مادران تعلیم یافته اکثراً ارزش آموزش برای اطفال‌شان را درک می‌کنند و همچنان از صحت و تغذیه‌شان خبر دارند که نتیجه آن میزان پائین‌تر مرگ و میر مادران و اطفال می‌باشد.¹⁷³

فقیرترین کشورهای جهان بلندترین میزان ازدواج‌های زودهنگام را دارند. مطالعات نشان می‌دهد که سطح بلند آموزش برای دختران خطر ازدواج زودهنگام را کاهش می‌دهد.¹⁷⁴ دخترانی که هشت سال یا بیشتر از آن تعلیم نموده‌اند نسبت به دخترانی که سه سال تعلیم دیده‌اند یا هیچ درس نخوانده‌اند، کمتر در سنین پائین ازدواج می‌کنند. آموزش اجباری الی سن 16 سالگی بطور عمده امکان ازدواج‌های قبل از وقت را کاهش می‌دهد.

با در نظر داشت اینکه ادامهٔ آموزش (دوره لیسه) در ازدواج نکردن یک دختر قبل از 18 سالگی نقش تعیین کننده دارد، بناءً باید مشوق‌هایی که جهت ادامه تحصیل دختران در مکاتب منحیث اقدامات از بین

¹⁷¹ ازدواج‌های قبل از وقت در افغانستان، نهاد تحقیقاتی حقوق زنان و اطفال در افغانستان، 2008.

¹⁷² همان.

¹⁷³ به "فرصت‌های جدید در قسمت جلوگیری از ازدواج زودهنگام: یک تحلیل جهانی از عوامل و برنامه‌ها"، سرنگا جین و کتلین کرتز، مرکز بین المللی برای پژوهش در مورد زنان، اپریل 2007 و "ازدواج زودهنگام و قانون"، مجموعه مقالات "اصلاح قوانین"، یونسف جنوری 2008، مراجعه نمایید.

¹⁷⁴ همان، یافته‌های سروی دربنگله دیش نشان میدهد که ادامه آموزش بعد از دوره ابتدائیه در اینکه یک دختر قبل از 18 سالگی ازدواج می‌کند یاخیر، تعیین کننده می‌باشد.

برنده عرف و عنعنات ناپسند روی دست گرفته شده، تسریع بخشیده شوند. به گونه مثال، پروگرام جهانی غذا برای دخترانی که در صنف اول الی نهم قرار دارند، روغن توزیع می‌نماید تا انگیزه رفتن به مکاتب را در مناطقی که تفاوت جنسیت در شمولیت به مکاتب 25 درصد یا بیشتر از آن می‌باشد، ایجاد نمایند.¹⁷⁵

¹⁷⁵ به اساس معلومات بدست آمده از پروگرام جهانی غذا ، اکتوبر 2010. در جریان 2010، پروگرام جهانی غذا قصد دارد تا به 6,500 شاگرد دوره متوسطه (صنوف 10الی 12) و 469,000 شاگرد ابتدائیه (صنوف 1الی 6) و همچنان 20,000 اشتراک کنندگان برنامه های آموزش معلمین روغن توزیع نماید.

4. واکنش دولت در مقابل عرف و عنعنات ناپسند

4.1 تطبیق قانون منع خشونت علیه زن تا اکنون

قانون منع خشونت علیه زن یک گام مهم از سوی دولت در راستای اجرای تعهداتش مبنی بر ترویج و حفاظت از حقوق زنان و دختران می‌باشد. این قانون که در آگست سال 2009 به تصویب رسید، مستلزم تعهدات و اقدامات عملی مقامات بلندپایه دولت در امر تطبیق آن می‌باشد.

بخش حقوق بشر یوناما از طریق مباحثه با کارمندان ارگانه‌های عدلی و قضائی و پیگیری قضایای انفرادی دریافته است که پولیس و مراجع عدلی و قضائی از موجودیت قانون منع خشونت علیه زن به طور فزاینده آگاهی می‌یابند، اما در قسمت تطبیق این قانون مخصوصاً در مقایسه با سایر قوانین، رهنمایی‌های اندکی از دفاتر مرکزی‌شان دریافت کرده‌اند یا حتی هیچ دریافت نکرده‌اند. در خیلی از ولایات روستائی و دور دست، از این قانون نه کسی آگاهی دارد و نه تطبیق می‌گردد.

ولایت هرات از لحاظ تعقیب قضایا بر اساس این قانون منع خشونت علیه زن در صدر قرار دارد. خرنوالی ولایت هرات که توسط یک زن رهبری می‌گردد، تطبیق قانون را از آگست سال 2009 آغاز نموده است. الی نوامبر 2010، خرنوالان 88 قضیه را بر اساس این قانون احاله محاکم نموده‌اند.¹⁷⁶ طبق گفته‌های رئیس خرنوالی، بی میلی که در بکارگیری این قانون وجود داشت، پس از تدویر برنامه‌های آموزشی و ظرفیت سازی توسط انجوه‌های بین المللی و سازمان بین المللی انکشاف حقوق، مرفوع گردیده است.¹⁷⁷

در سطح ملی، واحد ویژه (خرنوالی اختصاصی) مبارزه با خشونت علیه زنان¹⁷⁸ دفتر لوی خرنوالی در ماه مارچ 2010 رسماً افتتاح گردید. الی آگست 2010، در مجموع 132 شکایت از ولایت کابل و 12 ولایت دیگر به این اداره موصلت ورزیده است. شکایت‌ها عمدتاً مربوط به خشونت خانوادگی، ازدواج‌های اجباری و زود هنگام، تجاوز جنسی، بد دادن دختران برای حل منازعات و همچنین سوزاندن و استفاده از مواد کیمیاوی جهت آسیب رساندن به زنان می‌باشد. 11 مورد پیگرد عدلی در این اداره جریان دارد.¹⁷⁹

در ولایت دایکندی هنگامی که یک ملای محلی متهم به تجاوز جنسی به دو دختر زیر سن (مراهق) شد، خرنوالان در پیگیری این قضیه به قانون منع خشونت علیه زن استناد نمود ولی محکومیت توسط محکمه بر اساس احکام مربوطه قانون جزاء صورت گرفت. در این قضیه محکمه (استیناف) یکی از

¹⁷⁶ به اساس معلوماتی که در سال 2010 توسط بخش حقوق بشر یوناما از دفتر خرنوالی بدست آمده، 66 مورد تعقیب عدلی بر اساس ماده 22 قانون منع خشونت علیه زن (ضروح منجر به معیوبیت) و ماده 409 قانون جزاء، آغاز گردیده است. با در نظر داشت مقتضیات ماده 37 قانون منع خشونت علیه زن که مستلزم طرح شکایت توسط متضرر یا وکیلش برای پیگیری قضیه می‌باشد، در صورتی که یک متضرر از شکایت خود بگذرد برخی از این دوسیه‌های تحت دوران حفظ میشوند. یک قضیه قتل که تلاش جهت ازدواج اجباری در آن دخیل بود، موجب 16 سال حبس برای متهم مرتکب گردید.

¹⁷⁷ گفتگو با رئیس خرنوالی ولایت هرات، نومبر 2010.

¹⁷⁸ این واحد 22 کارمند دارد و اهداف آن عبارت است از: تحقیق و پیگیری قانونی قضایای خشونت علیه زنان، تشویق میانجیگری در مشاجرات خانوادگی و راجع ساختن قضایا به این واحد، هماهنگی شرکایی که در بخش خشونت علیه زنان کار می‌کنند، تامین منابع کافی جهت حمایت از این واحد. این معلومات توسط مأموریت پولیس اتحادیه اروپا در افغانستان ارائه گردید، آگست 2010.

¹⁷⁹ طبق معلومات که توسط مأموریت پولیس اتحادیه اروپا در افغانستان، در آگست 2010 ارائه گردید.

متضررین را به چهار سال حبس در خانه- چیزی که مطابق قانون منع خشونت علیه زن غیر قانونی به نظر می‌رسد¹⁸⁰ - محکوم نمود.

دولت، کمیسیون عالی منع خشونت علیه زن را در مرکز ایجاد نموده و گام‌هایی را جهت تشکیل همچون کمیسیون که از لحاظ عضویت و عملکرد انعکاس دهنده کمیسیون عالی منع خشونت علیه زن باشد، در سطح ولایات نیز برداشته است.¹⁸¹ تا پایان اکتوبر 2010 کمیسیون‌های ولایتی در 22 ولایت ایجاد گردیده¹⁸² است. در بعضی ساحات نگرانی‌های امنیتی مانع از تأسیس کمیسیون متذکره شده است.

تحلیل‌های اولیه از کمیسیون‌های ولایتی نشان می‌دهد که عدم حضور نمایندگان ادارت دولتی در جلسات ماهوار این کمیسیون‌ها، عدم آگاهی مقامات ولایتی از قانون منع خشونت علیه زن و رهبری ضعیف کمیسیون‌ها توسط ریاست‌های امور زنان که ریاست کمیسیون‌های متذکره را نیز به عهده دارد، مشکلات عمده می‌باشند. فقدان ساختارها برای ارجاع قضایا و هماهنگی ضعیف در بین اعضاء از جمله چالش‌های دیگر می‌باشند که این نهاد تازه تأسیس به آنها مواجه است.

بخش حقوق بشر یوناما بر این نظر است که تطبیق مؤثر قانون منع خشونت علیه زن مستلزم این می‌باشد که در عرصه‌های رشد ظرفیت کارمندان ارگانهای تنفیذ قانون، آموزش و آگاه ساختن جامعه مدنی به منظور قادر ساختن آنها در نظارت از تطبیق قانون متذکره و تدویر برنامه‌های آموزشی برای عامه مردم راجع به این قانون و مواردی که در آن جرم پیش بینی شده؛ سرمایه‌گذاری صورت بگیرد.

3.2 تنفیذ قانون و دسترسی به عدالت

بخش حقوق بشر یوناما دریافته که پولیس و ارگانهای عدلی و قضائی اکثراً منحيث تطبیق کنندگان قانون بیطرفانه اجراء نمی‌کنند. در جریان بحث گروهی متمرکز در سراسر افغانستان گفته شد که قوانینی که زنان را مورد حمایت قرار می‌دهند، به طور وسیع تطبیق نمی‌شوند. مقامات تطبیق کننده

¹⁸⁰ ادعای تجاوز جنسی در ولایت دایکندی رخ داد، واقعه در ابتداء به بخش حقوق بشر یوناما در ماه مارچ 2010 گزارش داده شد. بخش حقوق بشر یوناما تمام مراحل رسیدگی به دوسیه را پیگیری نموده و به آن ادامه می‌دهد و نگرانی خود را با مقامات ذیربط ابراز داشت و می‌دارد.

¹⁸¹ در ماه جون 2005 دولت کمیسیون ملی را در رابطه با جلوگیری از خشونت علیه زنان تأسیس کرد. این کمیسیون به تعقیب تنفیذ قانون منع خشونت علیه زن به کمیسیون عالی منع خشونت علیه زن تغییر یافت. در ماه جون 2010 شورای وزیران این کمیسیون را موظف نمود تا موارد خشونت علیه زنان را در مرکز ولایت مورد ارزیابی و پیگیری قرار دهد که کمیسیون مذکور درصدد شد تا نمایندگی هایش در ولایت تأسیس نماید. وظایف کمیسیون شامل تحقیق در مورد عوامل خشونت علیه زنان در کشور، اتخاذ تدابیر مناسب جهت جلوگیری از خشونت علیه زنان، طرح پروگرامهای تبلیغاتی آگاهی عامه به منظور جلوگیری از ارتکاب خشونت، هماهنگ ساختن فعالیتهای نمایندگی‌های دولتی و غیر دولتی برای مبارزه با خشونت علیه زنان، جمع‌آوری احصایه و ارقام مرتبط راجع به جرائم خشونت، پیشنهاد مقرر و وضع لوایح و طرز العمل‌های مربوط به منظور تطبیق بهتر احکام قانون منع خشونت علیه زن، مطالبه معلومات در مورد قضایای خشونت از پولیس، څارنوالی و محکمه، ترتیب گزارش سالانه اجراء در مورد خشونت و ارائه آن به شورای وزیران، ارائه پیشنهاد مبنی بر تعدیل احکام قانون منع خشونت علیه زن. اعضای کمیسیون عالی ولایتی منع خشونت علیه زن شامل وزارت خانه‌های: آموزش - به حیث رئیس کمیسیون در ولایات نمایندگی این وزارت - داخله، عدلیه، صحت عامه، اطلاعات و فرهنگ، معارف، تحصیلات عالی، کار و امور اجتماعی، شهدا و معلولین، حج و اوقاف، لوی څارنوالی و کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان (در سطح مرکزی معینیت وزارت های مذکور عضو این کمیسیون میباشد).

¹⁸² طبق معلومات وزارت امور زنان و دفاتر ساحوی بخش حقوق بشر یوناما، تا اکنون کمیسیون ولایتی در مورد محو خشونت علیه زنان در ولایات کاپیسا، وردک، بامیان، دایکندی، بدخشان، تخار، بغلان، کندز، بلخ، سمنگان، جوزجان، فاریاب، هرات، فراه، نیمروز، کندهار، هلمند، ارزگان، غزنی، ننگرهار، لغمان و کونړ تأسیس شده است.

قانون بجای اینکه رسوم زیان آور را - آنطور که در قانون به آن ملزم شده‌اند- به چالش بکشند، اکثراً این رسوم را تقویت می‌کنند.

زمانی که مقامات قضایا را بر اساس معیارها و ارزشهای خود، نه قانون، مورد قضاوت قرار می‌دهند، حاکمیت قانون را در حقیقت نادیده گرفته و اعتماد و اطمینان مردم نسبت به نظام قضائی را نیز به تحلیل می‌برند. اگر قوانینی که رسوم پامال کننده کرامت زنان را جرم دانسته، به شمول قانون منع خشونت علیه زن، تطبیق نشده باقی بماند، بر زندگی زنان تاثیر بسیار اندکی خواهد داشت.

دولت مکلفیت دارد تا اقدامات لازمی را جهت تطبیق قانون موجود روی دست گیرد و اطمینان حاصل نماید که زنان با مردان در پیشگاه قانون مساوی بوده و بصورت مساویانه از طرف قانون محافظت می‌شوند. دولت یک مکلفیت مثبت در رابطه با جلوگیری و پاسخدهی در برابر خشونت علیه زن در تمام ابعاد زندگی دارد - چه نقض توسط نمایندگان دولت یا افراد خصوصی و یا سازمان‌ها ارتکاب یافته باشد. در حقوق بین الملل هم اگر دولت‌ها با دقت تمام عمل نکنند و در جلوگیری از نقض حقوق بشر توسط بخش خصوصی ناکام بمانند و موارد خشونت توسط آنها را پیگیری، تعقیب و مجازات نکنند، پاسخگو می‌باشند.¹⁸³

قضایای توضیحی

بخش حقوق بشر یوناما قضیه یک دختر 17 ساله را که توسط پولیس در شهر جلال آباد ولایت ننگرهار دستگیر و توقیف شد، مورد تحقیق قرار داد. زمانی که پولیس دختر مذکور را در اطاق یک هوتل تنها می‌یابد، وی را بازداشت می‌نماید. به دلیل مکانی که دختر مذکور را یافته بودند، پولیس وی را متهم به قصد ارتکاب "زنا" نمود. بخش حقوق بشر یوناما قضیه را تحقیق و به این نتیجه رسید که دختر مذکور در سن 13 سالگی جبراً به ازدواج در آورده شده بود و از طرف خانواده شوهر خود مورد خشونت و بد رفتاری قرار می‌گرفت. دختر مذکور قربانی ازدواج زود هنگام شده بود و از حق تحصیل و ملاقات با خویشاوندانش منع شده و سرانجام مورد بد رفتاری فیزیکی نیز قرار می‌گرفت. زمانی که او خواست از این خشونت فرار نماید پولیس وی را به اتهام قصد ارتکاب عمل زنا گرفتار نمود.¹⁸⁴

در سال 2009، ریاست صحت عامه ولایت خوست به بخش حقوق بشر یوناما گزارش داد که یک دختر 17 ساله را پس از اینکه پدرش تلاش نموده بود که گلوی وی را ببرد، در شفاخانه پذیرفت. پدرش زمانی به این کار اقدام کرده بود که دختر مذکور از ازدواج با مردی که پدرش برای او انتخاب نموده بود، ابا ورزید. مقامات هیچ اقدام قانونی علیه پدر دختر روی دست نگرفتند و قضیه را یک مسئله خانوادگی عنوان کردند.¹⁸⁵

¹⁸³ به پاورقی 11 سفارش عمومی کمیته (CEDAW)، شماره 19، 1992 مراجعه صورت نمایند. همچنان به اعلامیه مجمع عمومی سازمان ملل متحد در مورد خشونت علیه زنان، A/RES/48/104، 1993 مراجعه نمایند.

¹⁸⁴ قضیه توسط بخش حقوق بشر یوناما پیگیری گردید، جنوری 2010.

¹⁸⁵ در جریان یک مصاحبه با رئیس ریاست صحت عامه به بخش حقوق بشر یوناما گزارش شد، 25 می 2010.

یک رویکرد گزینشی برای اجرای عدالت

دو قضیه‌ای که در فوق ذکر گردید، نشاندهنده آن است که مقامات چگونه یک رویکرد گزینشی را برای اجرای عدالت روی دست گرفته‌اند و غالباً در مواردی که زنان منحیث ناقص هنجارهای اجتماعی معرفی می‌شوند، آنها قضیه را مورد پیگرد عدلی قرار می‌دهند و اما قضایای خشونت علیه زنان را با قلمداد کردن آنها به مثابه "مسائل خانواگی" نادیده می‌گیرند؛ یک برخورد دوگانه.

افغان‌های اشتراک کننده در مباحث گروهی متمرکز که توسط بخش حقوق بشر یوناما در سراسر کشور دایر گردیده بود، سستی مقامات عدلی و قضائی را یکی از عوامل اصلی تداوم عرف و عنعنات ناپسند دانستند. آنها گفتند که بسیاری از موارد سوء رفتار علیه زنان به لحاظ یک سلسله دلایل به پولیس و ارگان‌های عدلی و قضایی گزارش داده نمی‌شوند. این مشکلات شامل عدم اعتماد عامه به پولیس و نظام قضائی، نبود کارمندان حرفوی آموزش دیده به شمول افسران پولیس زنانه، تابو شمردن گزارش خشونت‌های جنسی و ترس قربانی از دوباره قربانی شدن توسط نظام عدلی و قضائی، می‌شود.

بخش حقوق بشر یوناما در بسا موارد دریافته است که به خاطر باورهای عمیق فرهنگی راجع به جایگاه زنان، مقامات قضائی در عوض مرتکبین، زنان قربانی (مجنی علیها) را مجازات نموده است. این وضعیت توسط تعداد زیادی از زنانی که به اتهام ارتکاب "جرایم اخلاقی" زندانی می‌باشند، اظهار گردید. مطابق آمار بخش حقوق بشر یوناما در آگست 2010، 565 زن (شامل زنان متهم و زنان که محکوم شده) در محابس زندانی بودند. تقریباً نیمی از زندانیان زن به اتهام ارتکاب جرایم اخلاقی توقیف می‌باشند.¹⁸⁶

پیشرفت‌های اخیر در قسمت واکنش دولت در مقابل قضایای خشونت علیه زنان

بخش حقوق بشر یوناما بهبودی‌هایی را نیز در شیوه پاسخ دهی مقامات دولتی در قسمت قضایای خشونت علیه زنان مشاهده نموده است. قسمی که در بعضی از قضایایی که در این گزارش ذکر گردیده، پولیس بعضاً در جهت منافع زنان عمل نموده است. طور مثال در یک قضیه در ولایت خوست در 2009، کاکای یک دختر می‌خواست تا موصوفه را به ازدواج یک مرد پیر در آورد. مادر دختر قضیه را به کابل گزارش داده و بیان داشته بود که دختر 13 ساله بوده نه 18 ساله، آن طور که کاکایش ادعا کرده بود. در ضمن کاکایش حق ندارد که ازدواج او را ترتیب دهد. مقامات در کابل امر گرفتاری کاکای دختر را صادر می‌کنند و او را جهت تحقیق به کابل احضار می‌کنند.¹⁸⁷ رئیس خرنوالی خوست به بخش حقوق بشر یوناما اطلاع داد که پدر و پدرکلان دختر قضیه را حل کرده و دختر دیگر مجبور نیست در این سن ازدواج کند.¹⁸⁸

مقامات دولتی همچنین در بعضی موارد، از دخترانی که نامزد بوده و در برابر عروسی اجباری اعتراض نموده بودند، حمایت کردند. در دسمبر 2009 در ولایت نیمروز، خانواده یک دختر 12 ساله

¹⁸⁶ 70 زن متهم (مدعی علیه) در یک زندان به طور نمونه توسط نهاد تحقیقاتی حقوق زنان و اطفال در 2008 سروی شدند. نهاد مذکور دریافت که بیشتر آنان به اتهام "جرایم اخلاقی"، عمدتاً زنا و فرار از منزل توقیف و محبوس شده بودند. یک گزارش UNODC تحت عنوان "افغانستان: زنان زندانی و ادغام مجدد آنها در جامعه" که براساس مصاحبه با 56 زن محبوس در پول چرخ در مارچ 2007 تهیه گردیده بود، حاوی نتایج مشابه می‌باشد، نصف آنهایی که مصاحبه شدند متهم به "جرایم اخلاقی" به شمول فرار از منزل شده بودند.

¹⁸⁷ مصاحبه با رئیس دفتر خرنوالی، ولایت خوست، 5 اپریل 2010.

¹⁸⁸ قضیه توسط بخش حقوق بشر یوناما تحقیق گردیده است.

با ازدواج دخترشان که ده سال قبل زمانی که دختر مذکور دوساله بود وی را به عقد مردی در آوردند که آن زمان 60 ساله بود، مخالفت کردند. پدر دختر یک هزار دالر امریکایی در این تبادل دریافت کرده بود و موافقه نموده بود که بعد از اینکه دختر مذکور کمی بزرگتر شد، به خانه شوهر فرستاده می‌شود و در مقابل پدر وی یک هزار دالر امریکایی دیگر نیز دریافت می‌کند. ده سال بعد از عقد، زمانی که مرد مذکور خواستار رسمی شدن ازدواج گردید، دختر این خواست را رد کرد و گفت که وی به این ازدواج موافقت نکرده و حاضر نیست همسر یک مرد 70 ساله شود. خانواده دختر، پول جانب مقابل را که به این منظور گرفته بود برگرداند و پولیس نیز هشدار داد که وی نمی‌تواند با دختر مذکور با اجبار ازدواج کند.¹⁸⁹ این گونه موارد، این را به جامعه نشان می‌دهد که دولت مایل به اجرای قوانینی که زنان را مورد حمایت قرار می‌دهد، می‌باشد.

میکانیزم های سنتی حل منازعات

مراجع عدلی و قضائی در مناطق شرقی¹⁹⁰ بعضی اوقات به جای اینکه خودشان به قضایای ناشی از عرف و عنعنات زیان آور رسیدگی نمایند، آنها را به میکانیزم‌های سنتی حل منازعات ارجاع نموده‌اند. در اکثر جوامع افغانی، مردم شدیداً بالای جرگه‌ها و شوراها¹⁹¹ اتکا می‌کنند که اغلب باعث تداوم رسوم زیانباری که به زنان آسیب می‌رسانند، می‌گردد.¹⁹² حتی بعضاً قضایایی که توسط ارگانهای عدلی و قضائی رسیدگی صورت گرفته نیز به این میکانیزم‌ها راجع می‌گردد. به عنوان مثال، محکمه ممکن یک زانی به عنف را به حبس محکوم نماید ولی موازی با این محکومیت، میکانیزم سنتی حل منازعات ممکن تصمیم بگیرد که مجرم مذکور با قربانی ازدواج نموده و یا در عوض "بد" بدهد.

بزرگان و علمای دینی منحصراً بخشی از ساختارهای سنتی حل منازعات گاهی اقداماتی را به منظور محافظت اطفال و زنان اتخاذ می‌کنند، ولی این موارد نادر می‌باشد. در ماه سپتمبر 2010 بخش حقوق بشر یوناما اطلاع حاصل نمود که دو دختر در سنین 5 و 7 سالگی در مهترلام مرکز ولایت لغمان به بد داده شده بود. بر اساس گزارشها، پدر این دختران زن دوش را بر این تعهد عقد نموده بود که در بدل او دختر کلانش را به ازدواج می‌دهد. اما دختر مذکور زمانی که از موضوع با خبر شد، از خانه فرار نمود. منازعات ناشی از این موضوع باعث شد که پدر دختر به "بد دادن" دو دختر خرد سالش، جهت جبران خساره، به پدر زنش موافقه نماید. علی الرغم فراخوان‌های مکرر سازمان‌ها، به شمول بخش حقوق بشر یوناما و افراد ذیربط، پولیس نتوانست هیچ اقدامی را اتخاذ نماید. بزرگان قریه سرانجام جرگه تشکیل دادند و حکم کردند که اطفال باید دوباره به خانواده خود برگردانده شده و پدرشان 40000 افغانی (حدوداً 930 دالر امریکائی) را به جانب مقابل بپردازد.¹⁹³

در حال حاضر، دولت افغانستان تسوید قانونی¹⁹⁴ را روی دست دارد که از طرف وزارت عدلیه جهت تعریف رابطه میان نظام عدلی رسمی و نظام سنتی حل منازعات، پیشنهاد شده است. این قانون درصدد بهبود دسترسی به عدالت و مطابقت نظام سنتی حل منازعات با قوانین داخلی افغانستان به شمول قانون

¹⁸⁹ قضیه در دسمبر 2009 توسط بخش حقوق بشر یوناما تحقیق گردید.

¹⁹⁰ منظور از این مناطق در این گزارش شامل ولایات ننگرهار، لغمان، کنر و نورستان می‌باشد.

¹⁹¹ جرگه یک کلمه پشتو بوده بمعنی جمع شدن سران قبایل (جهت بحث روی یک موضوع)، شورا یک کلمه عربی می‌باشد بمعنی گرد هم آبی بزرگان.

¹⁹² قسمیکه در گزارش مشترک بخش حقوق بشر یوناما و دفتر کمیشنری عالی ملل متحد برای حقوق بشر "خاموشی خشونت است به پدر فتاری علیه زنان در افغانستان خاتمه دهید".

¹⁹³ قضیه در سپتمبر 2010 توسط بخش حقوق بشر یوناما تحقیق گردید.

¹⁹⁴ همکاری بین المللی بشمول بخش حقوق بشر یوناما در بحث شرکت داشتند.

منع خشونت علیه زن، از طریق هماهنگ ساختن عملکرد هر دو نظام می‌باشد. اگر این قانون جدید با میکانیزم‌های مناسب تطبیق و نظارت از اجرای آن توأم گردد، می‌تواند بعضی از عرف و عنعنات ناپسند را کاهش داده و حقوق زنان و دختران را حفاظت نموده و بهبود بخشد.

5. نقش علمای دینی

بخش حقوق بشر یوناما مشاهده نموده است که اکثرآ منتقدین محلی و علمای دینی به نفع زنان عمل نکرده و عملکرد آنها باعث تداوم عرف و عنعنات ناپسند شده است. بسیاری از افغانها - اعم از زن و مرد - که در تهیه این گزارش با آنها مصاحبه صورت گرفت، گفتند که راه پیشرفت مساعد ساختن زمینه آموزش و تحصیل¹⁹⁵ برای علمای دینی می‌باشد تا "پند و اندرزهای" آنان جامعه را از این که عرف و عنعنات ناپسند با شریعت اسلامی سازگار نیست¹⁹⁶، آگاه نمایند.

در ولایت هرات در ماه می 2010 شورای علما یک فتوایی صادر کرد که زنان را از مسافرت به خارج بدون مشایعت یک محرم (شوهر، پدر، برادر یا یک همراه مورد تایید) حتی در حج کردن منع نموده بود.¹⁹⁷ این فتوا زنانی را که در مؤسسات خارجی کار می‌کنند نیز محکوم کرد و به پدران و شوهران آنها خاطر نشان کرده بود که این وظیفه دینی آنها است که مانع کار این زنان در آنجاها شوند. اعضای محافظه کار و سنتی شورای علما که این نوع بیانیها صادر می‌کنند، اکثرآ دلایل و منابع دینی را که در صدور این نوع بیانیها به آن استناد می‌کنند، توضیح نمی‌دهند. توضیح بیشتر و تبیین روشن از منابع دینی به کار رفته در این بیانیها، می‌تواند باعث بهبود گفتمان باز راجع به احکام فقهی گردد.

مثال‌های زیادی از علمای دینی وجود دارد که آنها به صراحت از حقوق زنان دفاع کردند. در یک کنفرانسی که به مناسبت روز جهانی زن در سال 2010 در شهر جلال آباد توسط بخش حقوق یوناما دایر شده بود، 15 عضو شورای علمای ولایت ننگرهار تعهد کردند که در آموزش‌های خود در مساجد نسبت به عرف و عنعنات ناپسند به مردم آگاهی دهند¹⁹⁸. قسمیکه قبلاً در این گزارش توضیح داده شد بخش حقوق بشر یوناما شخصیت‌های دینی را می‌شناسد که در محکومیت ازدواج‌های بدل و هزینه گزاف ازدواج‌ها جهت محو یا کاهش بعضی رسوم نقش رهبری کننده داشتند. بزرگان ولسوالی فیض آباد ولایت جوزجان در این مورد چنین گفتند:

"ما بزرگان قریه و ملاهای محلی سعی می‌ورزیم تا مردم ولسوالی را از حقوق زن در اسلام، قوانین موضوعه افغانستان و حقوق بشر بین المللی، در نمازهای جمعه و دیگر مناسبت‌ها آگاهی دهیم. در

¹⁹⁵ علمای دینی باید انتخاب و در قسمت مطالعه وسیعتر قرآن مجید و تفسیر باز از آن، در کشورهایی مانند مصر و مالیزیا آموزش ببینند "مصاحبه با جمعی از اعضای شورای علمای شیعه، بلخ، اپریل 2010".

¹⁹⁶ به طور مثال "ملا امامان باید آموزش ببینند و با ارزشهای اسلامی که مخالف عرف و عنعنات ناپسند است مسلح شوند به خاطر آنکه آنها نقش مهمی را در بلند بردن سطح آگاهی عامه بازی می‌کنند". مصاحبه با یک وکیل مدافع در ولایت بلخ، اپریل 2010. زنان و مردان دیگر که در سراسر کشور مصاحبه شدند، اظهارات مشابهی در قسمت نقش علمای دینی داشتند.

197 "علمای دینی افغان محدودیت‌هایی به سبک طالبان را بر رفت و آمد زنان اعمال می‌کنند"، 26 می 2010، PAN، [http://www.rawa.org/temp/runews/2010/05/26/afghan-clerics-impose-taliban-style-restrictions-on-womenstravel.html]

¹⁹⁸ به "علما متعهد به بلند بردن سطح آگاهی عامه راجع به حقوق زنان شدند" افغانستان تایمز، 6 مارچ 2010 مراجعه نمایند.

قرآن مجید گفته شده که زن کامل در میان شما کسی است که مهریه وی کم باشد. این می‌تواند توصیه به تمام خانواده‌هایی باید باشد که مهریه گزاف مطالبه می‌کنند. این قول خداوند (ج) است.¹⁹⁹

علمای دینی در افغانستان دارای نفوذ زیادی بوده و باید توسط دولت و جامعه مدنی ترغیب شوند تا مطالعات شریعت و حقوق بشری خود را عمیق سازند. با بکار بردن تفسیر جامع از اسلام، سازگار با معیارهای حقوق بشر بین المللی، علمای دینی می‌توانند که در امر تغییر برداشت‌ها و نگرش‌های اجتماعی که منجر به عرف و عنعنات ناپسند می‌شود موثر واقع شوند.

6. نقش دولت: ترویج گفت‌وگو ملی در مورد اسلام و حقوق بشر

دولت می‌تواند نقش رهبری را در ترویج گفت‌وگو ملی در مورد اسلام و حقوق بشر ایفا نماید. چنین گفت‌وگو‌هایی می‌توانند نفوذ تبلیغات کسانی را که اصلاحات اجتماعی و قوانین را به چالش می‌کشاند، به حداقل برساند. دولت می‌تواند تصریح نماید که بسیاری از حقوق مندرج در قواعد بین المللی و قانون اساسی افغانستان، با تعالیم اساسی دین مبین اسلام سازگار می‌باشند. این می‌تواند که تنوع شیوه‌های فرهنگی را حفظ نماید و با تعالیم دینی مطابقت داشته باشد و همچنان حقوق بنیادی زنان را تامین نماید.²⁰⁰

مواد 3 و 130 قانون اساسی²⁰¹ که بحث ارتباط اسلام با قوانین داخلی را مطرح می‌کنند، می‌تواند در تقویت و حمایت از حقوق مندرج در قانون اساسی، به کار برده شوند. یک تفسیر معطوف به جستجوی هماهنگی بین اسلام و حقوق بشر بین المللی می‌تواند باعث پایداری بیشتر به معیارهای حقوق بشر بین المللی گردد. طوریکه در این گزارش برجسته گردیده، هر دو رشته از حقوق (حقوق اسلام و حقوق بین الملل) اکثراً مکمل یکدیگرند و می‌توانند به طور متقابل یکدیگر را تقویت کنند. بخش حقوق بشر یوناما اظهار می‌دارد که چنین تدبیری می‌تواند یک روش موثر مبارزه با عرف و عنعنات زیان آور را به نمایش بگذارد.

¹⁹⁹ مصاحبه با بزرگان و علمای دینی ولایت جوزجان، اپریل 2010.

²⁰⁰ بطور نمونه، ترکیه قانون مدنی‌اش را اصلاح نمود تا تفوق مردان را در ازدواج از بین ببرد و به زنان اجازه دهد که راجع به موضوعات مرتبط به ازدواج صحبت‌های خود را داشته باشند. این نمونه می‌تواند مساوات را در خانواده ایجاد نماید.

²⁰¹ ماده 3 می‌گوید: "در افغانستان هیچ قانون نمی‌تواند مخالف معتقدات و احکام دین مقدس اسلام باشد." ماده 130 می‌گوید: "هرگاه برای قضیه از قضاییه مورد رسیدگی، در قانون اساسی و سایر قوانین حکم موجود نباشد، محاکم به پیروی از احکام فقه حنفی و در داخل حدود که این قانون وضع نموده، قضیه را به نحوی حل و فصل می‌نمایند که عدالت را به بهترین وجه تامین نماید."

7. پاسخ بین المللی

علاوه بر یک سلسله برنامه‌های وسیع دو جانبه با تمویل کنندگان بین المللی، پلان کاری ملی برای زنان افغانستان (NAPWA) (2008-2018) مبین هدف غایی دولت افغانستان و چهارچوب پالیسی توانمند سازی زنان و محو تبعیض علیه آنها می‌باشد. این پلان ابزار عمده دولت است تا تعهدات خود را در قبال حفاظت از حقوق زنان و دختران طوری که در قانون اساسی، استراتژی انکشاف ملی افغانستان و سایر پالیسی‌های ملی و بین المللی راجع به زنان،²⁰² تضمین گردیده، عملی سازد. کمک کنندگان بین المللی دولت افغانستان را در اجرای این خط مشی یاری می‌رسانند.

پلان کاری ملی برای زنان افغانستان، شامل اهدافی از قبیل جرم دانستن و قابل تعقیب دانستن عرف و عنعنات ناپسند به شمول ازدواج اجباری و زود هنگام، بهبود آگاهی و اطلاع از حقوق بشر و حقوقی که در شریعت اسلامی تضمین گردیده بویژه حقوق زنان و دختران، تطبیق کمپاین دراز مدت آگاهی عامه در مورد حقوق زنان برای مردان و زنان به منظور کاهش سطح پذیرش خشونت در جامعه، کاهش سطح بی سوادی و نگهداشتن رقم فعلی شاگردان و افزایش شمولیت آنها²⁰³ در مکاتب می‌باشد.

در کنفرانس کابل، جولای 2010، دولت و شرکای بین المللی آن تعهد سپردند تا شاخص‌های پلان کاری ملی برای زنان افغانستان را اولویت بندی نموده و استراتژی را جهت تطبیق قانون منع خشونت علیه زن به شمول تمویل خدمات برای قربانیان انکشاف دهند.²⁰⁴

بخش حقوق بشر یوناما باور دارد که این "توافق" بین دولت و کشورهای تمویل کننده جهت حمایت و بهبود حقوق زنان و دختران در افغانستان، طوریکه در اعلامیه کنفرانس بین المللی کابل²⁰⁵ بازتاب یافته است، فرصت بی‌مانندی را جهت سوق دادن منابع جهانی در راستای محو عرف و عنعنات ناپسند ایجاد نموده است. این رسوم عامل اساسی بسیاری از چالش‌هایی است که در پلان کاری ملی برای زنان افغانستان توضیح گردیده است.

بخش حقوق بشر یوناما جامعه بین المللی را ترغیب می‌نماید تا این تعهدات را در اولویت قرار داده و بصورت کامل آنرا تمویل نماید.

²⁰² به پلان کاری ملی برای زنان افغانستان، مراجعه نمائید.

[http://afghanistan.unifem.org/media/pubs/08/NAPWA_EN.php]

²⁰³ همان.

²⁰⁴ اعلامیه کنفرانس بین المللی کابل، 20 جولای 2010، تعهدات دولت افغانستان را در قبال مردم و تعهدات جامعه بین المللی را در قبال افغانستان تجدید نموده است.

[<http://unama.unmissions.org/Portals/UNAMA/Documents/Kabul%20Conference%20Communique.pdf>]

²⁰⁵ همان.

7.1 نقش بخش حقوق بشر یوناما در بهبودی و حفاظت حقوق زنان

مطابق به صلاحیت ها و وظایف یوناما²⁰⁶، بخش حقوق بشر یوناما از تمامی تلاشهایی که به منظور محافظت و بهبود حقوق زنان و دختران در افغانستان صورت می‌گیرد، حمایت می‌کند. به طور خاص، گزارش دهی و دادخواهی در رابطه با خشونت علیه زنان یک اولویت کاری می‌باشد. کارمندان بخش حقوق بشر یوناما در سراسر کشور، در تمام دفاتر ساحوی و ولایتی نقض و سوء استفاده‌های حقوق بشری را نظارت و منظمأ گزارش می‌دهند. تمام نگرانی‌ها با مقامات مربوطه دولت مطرح می‌گردند و قضایای انفرادی بصورت دوامدار نظارت می‌گردد تا مصئونیت و حفظ کرامت قربانیان بهبود یابد. بخش حقوق بشر یوناما همراه با دیگر شرکای آن در سیستم ملل متحد، گروه‌های محلی زنان و سایر سازمان‌های حقوق بشر؛ برای حقوق زنان در عرصه‌های اصلاح قوانین موثر بر حقوق زنان، واکنش در برابر خشونت علیه زنان و افزایش مشارکت زنان در پروسه‌های سیاسی و تصمیم‌گیری، دادخواهی می‌کند.

به منظور ترغیب در تطبیق قانون منع خشونت علیه زن، بخش حقوق بشر یوناما یک سلسله فعالیت‌هایی انجام داده است که شامل توزیع قانون منع خشونت علیه زن به طور وسیع در میان مقامات مربوطه، تدویر ورکشاپ‌ها و مباحثات با مقامات مجری قوانین و مقامات محل به شمول علمای دینی و متنفذین جامعه راجع به اسلام و حقوق بشر و نشر برنامه‌های رادیویی جهت آگاهی‌دهی عامه مردم راجع به قانون منع خشونت علیه زن و اعمالی که در این قانون جرم دانسته شده، می‌باشد. همچنین بخش حقوق بشر یوناما از ایجاد کمیسیون محو خشونت علیه زنان در ولایات حمایت به عمل آورده و در این زمینه تسهیلاتی را نیز فراهم نموده است.

به منظور حصول اطمینان از اینکه حقوق زنان جایگاه محوری در آجندای تمام پالیسی‌سازان پیدا کند، بخش حقوق بشر یوناما بر اهمیت نظارت و گزارش دهی دوامدار از تمام تحولات به شمول انکشافات مرتبط به پروسه جاری صلح، مصالحه و ادغام مجدد، تأکید می‌ورزد. جهت محو بسیاری از رسوم زیان‌آوری که در این گزارش مستند سازی گردیده، بخش حقوق بشر یوناما افزایش اقدامات و تعهدات در راستای تطبیق قانون منع خشونت علیه زن توسط دولت افغانستان با حمایت شرکای بین‌المللی آن و علمای دینی و جامعه مدنی را درخواست می‌نماید.

²⁰⁶ طوری که در مصوبه 1970 (2010) شورای امنیت ملل متحد ذکر گردیده است، اختیارات ماموریت سازمان ملل متحد در افغانستان سالانه تجدید می‌گردد.

8. پیشنهادات:

به دولت جمهوری اسلامی افغانستان

- دولت افغانستان در بالاترین سطح به شمول رئیس جمهور به طور علنی روی این موضوع تأکید نماید که انکشاف و حفاظت حقوق زنان، بخش جدا ناپذیر و یکی از اولیتهای اصلی برنامه صلح، مصالحه و ادغام مجدد در سراسر افغانستان و همچنین ستون مرکزی استراتژیهای اقتصادی، سیاسی و امنیتی می‌باشد.
- از تطبیق درست قانون منع خشونت علیه زن به شمول تعقیب عدلی عرف و عنعنات ناپسند که در این قانون جرم دانسته شده، اطمینان حاصل نماید. همین طور از ارائه خدمات به قربانیان (خشونت) و حمایت از کمیسیون عالی منع خشونت علیه زنان نیز مطمئن گردد.
- تطبیق پلان کاری ملی برای زنان افغانستان، خاصاً تدوین و عملی کردن یک استراتژی جهت تطبیق قانون منع خشونت علیه زن را تسریع ببخشد.
- رئیس جمهور فرمانی را مبنی بر آزادی فوری زنان و دختران که به خاطر "فرار از منزل" که در قانون جرم دانسته نشده، صادر نماید. (معمولاً در این گونه موارد زنان به " قصد ارتکاب فعل زنا" متهم می‌شوند).
- رئیس جمهور باید یک گفت‌وگو ملی را به منظور انکشاف یک تفسیر جامع از شریعت که مطابق با قوانین موضوعه افغانستان و تعهدات بین المللی حقوق بشری افغانستان باشد، روی دست گیرد.

وزارت عدلیه

- همراه با وزارت داخله، با اجرای تحقیق و تعقیب عدلی موثر از تطبیق قانون منع خشونت علیه زن توسط پولیس و خرنوالان و ثبت تمام شکایاتی که علیه عرف و عنعنات ناپسند که جرم دانسته شده، اطمینان حاصل نماید.
- همراه با کمیسیون عالی منع خشونت علیه زنان باید برنامه‌های آموزشی و ظرفیت‌سازی را راجع به قانون منع خشونت علیه زن، به شمول شناسایی، تحقیق و تعقیب عدلی قضایای ازدواج اجباری و ازدواج‌های زودهنگام (ازدواج در سنین پائین) و بد دادن دختران، برای تمام کارمندان ارگان‌های تنفیذ قانون، دایر نماید.
- به قربانیان خشونت که با استناد به قانون منع خشونت علیه زن شکایت درج می‌کنند، خدمات حقوقی ارائه نماید.
- لغو ماده 398 قانون جزاء را به پارلمان پیشنهاد نماید که در آن مجازات قتل‌هایی که تحت نام "دفاع از ناموس" صورت می‌گیرد، تخفیف داده شده است.
- همراه با ستره محکمه و پارلمان، تدوین قوانینی که ثبت ازدواج را اجباری ساخته و زن و شوهر را ملزم به حضور در نزد مرجع ثبت کننده سازد، در نظر گیرد.
- تعدیل قانون مدنی را به پارلمان پیشنهاد نماید تا مطابق با حق تساوی در برابر قانون که هم در قانون اساسی و هم در معیارهای حقوق بشری ضمانت شده، 18 سالگی را حداقل سن برای ازدواج، اعم از زن و مرد، پیشبینی نماید.
- به منظور مطابقت قوانین با معیارهای ملی و بین المللی حقوق بشری، همراه با ستره محکمه و لوی خرنوالی، قوانینی را که بر حقوق زنان تاثیر دارد، بازنگری نموده و هر موردی را که

با ضمانت‌های حقوق بشری مغایرت دارد، تعدیل و یا لغو نماید. سهم‌گیری فعالانه جامعه مدنی را در پروسه بازنگری قوانین تضمین نماید.

- بازنگری قانون منع خشونت علیه زن و ارزیابی چگونگی تطبیق آن به منظور شاناسایی ساحات لازمه جهت اصلاحات مناسب، را شروع نماید. به طور مثال، در نظر گرفتن تعدیل ماده 39 این قانون که تعقیب عدلی را به شکایت متضرر منوط دانسته است.
- از مطابقت قانون پیشنهاد شده، که رابطه بین نظام عدلی رسمی و میکانیزم سنتی حل منازعات (جرگه و شورا) را تعریف می‌کند، با تمام قوانین ملی به شمول قانون منع خشونت علیه زن اطمینان حاصل نماید. همینطور از ممنوعیت رسیدگی به نقض فاحش حقوق بشری توسط این میکانیزم‌ها نیز مطمئن گردد.

ستاره محکمه و دفتر لوی څارنوالی

- به محاکم و څارنوالی‌ها متحدالمالهایی را به منظور تطبیق قانون منع خشونت علیه زن صادر نمایند و در آن رهنمودها تطبیق قانون مذکور و رابطه آن با سایر قوانین جزائی را بگنجانند.
- دلایل قانونی دستگیری، تعقیب و مجازات زنائی را که به اتهام ارتکاب "جرایم اخلاقی" با در نظرداشت ماده 130 قانون اساسی مورد پیگرد عدلی قرار گرفته‌اند، بازنگری نمایند. شورای عالی ستاره محکمه باید بازنگری متحدالمالی را که راجع به قضایای "فرار از منزل" صادر نموده بود، جهت مطابقت آن با تضمینات قانون اساسی، شریعت اسلامی و تعهدات بین المللی حقوق بشری دولت افغانستان، مد نظر بگیرد.

وزارت امور زنان

- کمک‌های هدفمند به زنان به منظور درج شکایات در ادارات پولیس و څارنوالی علیه عرف و عنعنات ناپسند ارائه نماید.
- از کمیسیون عالی منع خشونت علیه زنان هم در ولایات و هم در کابل به قدر کافی حمایت نماید. کمیسیون‌های متذکره را در تمام ولایات ایجاد نموده و تدابیر لازم را جهت حصول اطمینان از موثریت کارکردهای آنها اتخاذ نماید.
- کمپاین سراسری را با مردان و زنان جهت آگاهی‌دهی راجع به قانون منع خشونت علیه زن به منظور حساس ساختن عامه مردم نسبت به خشونت علیه زنان و حقوق زنان با تمرکز خاص روی مناطق روستائی راه اندازی نماید.
- همراه با وزارت‌های صحت عامه و معارف، از طریق فراهم ساختن خانه امن، کمک‌های روانی-اجتماعی (psycho-social)، تداوی و دسترسی به تحصیل برای زنان و دخترانی که قربانی عرف و عنعنات ناپسند شده حمایت به عمل آورد.

وزارت داخله

- واحد پاسخ دهی خانوادگی، به شمول استخدام هرچه بیشتر افسران پولیس زن، را در اداره پولیس تقویت نماید.

وزارت حج و اوقاف

- پروگرام‌های آموزشی را برای ملا امامان و معلمین مسائل دینی راجع به حقوق زنان و قانون منع خشونت علیه زن، انکشاف و تدویر نماید.
- مواد آموزشی را که کمک کننده و مکمل قانون منع خشونت علیه زن باشد، مبتنی بر شریعت اسلام، تدوین نماید.

وزارت اطلاعات و فرهنگ

- برنامه‌های تلویزیونی و رادیویی را به منظور آگاهی‌دهی عامه و با تمرکز روی جوامع روستایی راجع به قانون منع خشونت علیه زن، خشونت علیه زنان و پیامدهای آن تولید و پخش نماید.

وزارت صحت عامه

- پروگرام‌های خاصی را برای درمان فوری و مجانی زنان و دخترانی که قربانی خشونت قرار گرفته، طرح و تطبیق نماید.
- اطلاعات مربوط به تاثیر ازدواج زود هنگام بر افزایش مرگ و میر مادران و نوزادان را جمع آوری و تحلیل نماید.

وزارت معارف و تحصیلات عالی

- نصاب تعلیمی را برای مکاتب پسران و دختران انکشاف دهد که در آن مسائل خشونت علیه زنان به شمول ممنوعیت قانونی عرف و عنعنات ناپسند و ازدواج زود هنگام برجسته گردیده باشد.
- پروگرام‌هایی را، به شمول دادن مشوق‌های مالی به خانواده‌ها، به منظور بازگرداندن دختران به مکاتب طرح و تقویت نماید.

وزارت مالیه

- وزارت مالیه منابع و حمایت لازم را برای وزارت‌های امور زنان، حج و اوقاف، عدلیه، صحت عامه، اطلاعات و فرهنگ، معارف و تحصیلات عالی فراهم نماید تا آنها بتوانند مسئولیت‌های متذکره‌شان در قانون منع خشونت علیه زن را ایفا نمایند.

به علمای دینی

- همراه با سایر وزارت‌های مربوطه (وزارت حج و اوقاف و وزارت امور زنان) باید برای ملا امامان مساجد و معلمین دینی، پروگرام‌های آموزشی را راجع به حقوق زنان و قانون منع خشونت علیه زن، انکشاف داده و دایر نمایند.

- مواد آموزشی مبتنی بر شریعت اسلام که ممد و مکمل قانون منع خشونت علیه زن باشد، تدوین و انکشاف دهند.
- همراه با وزارت امور زنان کمپاین سراسری به منظور آگاهی‌دهی راجع به خشونت علیه زنان و پیامدهای آن و قانون منع خشونت علیه زن راه اندازی نماید. در این کمپاین تمرکز روی مناطق روستائی صورت گیرد.
- به طور صریح راجع به تناقض عرف و عنعنات ناپسند با تعالیم دینی و اصول اسلامی صحبت نمایند و مباحث آزاد را راجع به حقوق زنان در میان کارشناسان مسائل اسلام برگزار نمایند.
- رئیس جمهور را کمک نمایند تا یک گفت‌وگو ملی را به منظور ترویج تفسیر جامع و سازگار از شریعت اسلامی منطبق با قوانین داخلی و تعهدات بین المللی حقوق بشری افغانستان، راه اندازی نماید.
- از ستره محکمه خوستار بازنگری دلایل حقوقی دستگیری، تحقیق و مجازات زنان که به سبب "فرار از منزل" توقیف و محاکمه شده اند، گردند. همین طور خواستار تغییر متحد المال ستره محکمه که راجع به قضایای " فرار از منزل" صادر نموده، شوند.

به جامعه مدنی (کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و سازمان‌های حقوق بشری و سازمان‌های زنان)

- تطبیق فعالانه قانون منع خشونت علیه زن را ترغیب نمایند. برنامه‌هایی را جهت نظارت از تطبیق قانون منع خشونت علیه زن و گزارش دادن راجع به چگونگی تطبیق قانون مذکور توسط ارگان‌های دولتی به شمول تعقیب عدلی، طرح و اجرا نمایند.
- کمک‌های هدفمند را به زنان جهت ثبت شکایات‌شان در ادارات پولیس و خارتوالی علیه عرف و عنعنات ناپسند، فراهم نمایند.
- همراه با مطبوعات، منتقدین و شوراها؛ از طریق مساجد و وزارت حج و اوقاف، جلسات آموزشی را برای علمای دینی و اجتماعی راجع به حقوق زنان، خشونت علیه زنان و عنعنات ناپسند دایر نمایند.
- از سهم بودن جامعه مدنی در تمام پروسه‌های دولتی که به منظور بازنگری قوانینی که بر حقوق زنان تأثیر دارد، اطمینان حاصل نمایند.
- از دولت الغای ماده 398 قانون جزاء را بخواهند که در آن تخفیف در مجازات قتلی که تحت نام "دفاع از ناموس" صورت می‌گیرد، پیشبینی شده است.
- از دولت بخواهند که تمام زنان محبوس را که به سبب "فرار از منزل" محبوس شده‌اند، آزاد نمایند و همچنان خواستار بازنگری متحد المالی ستره محکمه شوند که راجع به قضایای " فرار از منزل" صادر شده است.

به تمویل کنندگان (دوئرها) بین الملی

- حمایت‌شان را از ابتکارات دولت که به هدف تنفیذ قانون منع خشونت علیه زن به شمول آموزش مقامات، کمپاین‌های آگاهی‌دهی سراسری و کمک به کمیسیون منع خشونت علیه زنان در ولایات روی دست گرفته می‌شوند، افزایش دهند.
- دولت را در راستای تطبیق پلان کاری برای زنان افغانستان، خاصاً در انکشاف و اجرای یک استراتیژی ملی به منظور تطبیق قانون منع خشونت علیه زن، یاری نمایند.
- آن عده از پروگرام‌هایشان را که کمک‌های تخنیکی به دفاتر څارنوالی در ولایات ارائه می‌کنند و خاصاً به منظور تطبیق قانون منع خشونت علیه زن طرح گردیده، توسعه ببخشند.
- حمایت‌های هدفمند برای ابتکارات دولت افغانستان و جامعه مدنی که به هدف محو ازدواج‌های زودهنگام و سایر عرف و عنعنات ناپسند روی دست گرفته شده، فراهم نمایند.
- کمپاین‌های موثر آگاهی‌دهی عامه را راجع به غیر قانونی بودن عرف و عنعنات ناپسند در قانون منع خشونت علیه زن راه اندازی می‌گردند، حمایت نمایند.
- از پروگرام‌های آگاهی‌دهی مردان راجع به حقوق زنان و قانون منع خشونت علیه زن، حمایت به عمل آورند.
- پروگرام‌های آموزشی جامعه مدنی را که برای ملا امامان و آموزگاران دینی راجع به شریعت اسلامی، حقوق بشر و محو عرف و عنعنات ناپسند تدوین گردیده، مورد حمایت قرار دهند.
- پروگرام‌هایی را که به خانواده‌ها به منظور نگهداشتن دختران‌شان در مکتب، مشوق مادی ارائه می‌کنند، توسعه ببخشند.
- به حمایت‌های‌شان از خانه‌های امنی که به قربانیان خشونت سرپناه مهیا می‌گردد، افزایش دهند و از امنیت و مدیریت درست این خانه‌های امن اطمینان کامل حاصل نمایند تا حفظ کرامت انسانی قربانیان در آنجا ضمانت گردد.
- از رئیس جمهور خواستار آزادی زنانی گردند که به سبب "فرار از منزل" در توقیف بوده و یا محبوس شده‌اند.
- از دولت (تمام ادارات مربوطه) بخواهند که قوانینی را که بر حقوق زنان موثر است، مورد بازنگری قرار دهند تا از مطابقت آنها با تعهدات ملی و بین الملی حقوق بشری افغانستان مطمئن شوند.

ضمیمه:

معیار های حقوقی بین المللی

میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی

ماده 23

- (1) حق ازدواج و تشکیل خانواده برای زنان و مردان از زمانی که به سن ازدواج می رسند برسمیت شناخته می شود.
- (2) هیچ ازدواج بدون رضایت آزادانه و کامل طرفین آن منعقد نمی شود.

میثاق بین المللی حقوق اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی

ماده 10

- (1) ... ازدواج باید با رضایت آزادانه طرفین که قصد آن را دارند واقع شود.

کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان

ماده 16:

- 1- دول عضو کلیه اقدامات مقتضی را به منظور رفع تبعیض از زنان در سایر زمینه های حیات اقتصادی و اجتماعی به عمل خواهند آورد تا حقوق یکسان به ویژه در زمینه های زیر بر اساس برابری مردان و زنان تضمین شود:

الف) حق استفاده از مزایای خانوادگی؛

ب) حق استفاده از وام های بانکی، رهن و سایر اشکال اعتبارات مالی؛

ازدواج زود هنگام (ازدواج در سن طفولیت)

کنوانسیون حقوق طفل

ماده 1

یک طفل، انسانی است که سن هجده سالگی را هنوز تمام نکرده است مگر اینکه سن بلوغ از نظر حقوق جاری در کشورهای مربوطه زودتر تعیین شده باشد.

ماده 3

1) در انجام هر اقدامی که به نوعی به طفل مربوط میشود، چه در بخش عمومی، خصوصی، اداری، غیر اداری و یا هر بخش دیگری، رعایت نفع و تامین سلامت طفل بر سایر مسائل تقدم دارد.

ماده 19

1) حکومتها با تکیه بر تمام امکانات قانونی، اداری، اجتماعی و آموزشی، طفل را در مقابل هر شکل از رفتار سهل انگارانه با آنها، سوء استفاده جنسی و تجاوز جسمی یا روانی، حمایت میکنند.

کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان

ماده 16

2- نامزد کردن و تزویج اطفال، قانوناً بلا اثر خواهد بود و هر گونه اقدام لازم، از جمله وضع قانون جهت تعیین حداقل سن برای ازدواج و ثبت اجباری ازدواج در يك دفتر رسمي باید اتخاذ شود.

بد دادن دختران جهت حل منازعات

کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان

ماده 6

دول عضو کلیه اقدامات مقتضی از جمله وضع قوانین را به منظور جلوگیری از حمل و نقل غیر قانونی و بهره بری از روسپی گری زنان به عمل خواهند آورد.

کنوانسیون حقوق طفل

ماده 19

1) دول طرف کنوانسیون باید کلیه تدابیر قانونی، اداری، اجتماعی و آموزشی را اتخاذ نمایند تا طفل را در برابر خشونت های جسمی و ذهنی، جرح و سوء استفاده، برخورد کاهلانه و سهل انگارانه، بد رفتاری و استثمار بشمول سوء استفاده جنسی در هنگامی که طفل تحت سرپرستی والدین، سرپرستان قانونی و یا دیگر افرادی که مراقبت از وی را به عهده دارند بسر میبرد، حمایه نمایند.

ماده 34

دول طرف این کنوانسیون باید تعهد کنند که از طفل در برابر همه انواع استثمار جنسی و سوء استفاده جنسی حمایت نمایند. بدین منظور، دولت ها باید اقدامات لازم ملی، دو جانبه و چند جانبه را روی دست بگیرند تا از وقوع موارد زیر جلوگیری گردد.

الف) تشویق یا وادار نمودن اطفال برای دخیل شدن در هر گونه فعالیت‌های جنسی.

ب) استفاده استثماری از کودکان در روسپی‌گری و سایر اعمال غیرقانونی استفاده جنسی.

ماده 35

کشورهای طرف کنوانسیون تمام اقدامات ضروری ملی، دو و چند جانبه را برای جلوگیری از ربه‌شدن، فروش و یا قاچاق اطفال به هر شکل و به هر منظور به عمل خواهند آورد.

ماده 36

کشورهای طرف کنوانسیون از اطفال در برابر تمام اشکال استثمار که هر یک از جنبه‌های رفاه اطفال را به مخاطره اندازد، حمایت خواهند کرد.

ماده 1

کشورهای عضو، خرید و فروش اطفال، روسپی‌گری اطفال، هرزه‌نگاری اطفال را آنگونه که در این پروتکل آمده است منع خواهند کرد.

ماده 2

الف) خرید و فروش اطفال به معنی هرگونه اقدام یا معامله ای است که فردی یا گروهی از افراد، طفلی را در ازای مبلغی و یا سایر مسائل به دیگری منتقل میکند؛

ب) روسپی‌گری به معنی استفاده از اطفال در فعالیت‌های جنسی در ازای پرداخت وجه و یا مسائل دیگر است؛

حق ارث

کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان

ماده 15

- 1) دولت‌های عضو، تساوی زنان را با مردان در برابر قانون می‌پذیرند.
- 2) دولت‌های عضو، در امور مدنی، همان اهلیت قانونی را که مردان دارند به زنان داده و امکانات مساوی برای اجرای این اهلیت را در اختیار آنها قرار می‌دهند. مخصوصاً دولت‌های عضو به زنان حقوق مساوی با مردان را در انعقاد قرارداد و اداره اموال می‌دهند و در تمام مراحل اجراءات محاکماتی در دادگاهها و محاکم با آنها رفتار یکسان خواهند داشت.
- 3) دولت‌های عضو قبول می‌کنند که هر گونه قرار داد یا اسناد خصوصی دیگر از هر نوع که به منظور محدود کردن صلاحیت قانونی زنان تنظیم شده باشد باطل و بلا اثر تلقی می‌شود.

ماده 16

1- دولتهای عضو باید اقدامات لازم را برای رفع تبعیض علیه زنان در همه امور مربوط به ازدواج و روابط خانوادگی به عمل آورند و مخصوصاً برپایه تساوی حقوق مرد و زن امور زیر را تضمین کنند:

(ج) داشتن حقوق و مسئولیت های یکسان در دوران ازدواج و هنگام انحلال آن (جدائی).

حق آموزش و حق برخورداری از مراقبت های بهداشتی (صحی) کافی

اعلامیه جهانی حقوق بشر

ماده 25

(1) هرکس حق دارد که سطح زندگانی، سلامتی و رفاه خود و خانواده اش را از حیث خوراک و مسکن و مراقبتهای طبی و خدمات لازم اجتماعی تأمین کند و همچنین حق دارد که در مواقع بیکاری، بیماری نقص اعضاء، بیوه شدن، پیری یا در تمام موارد دیگری که به علل خارج از اراده انسان وسایل امرار معاش از دست رفته باشد، از شرایط آبرومندانه زندگی برخوردار شود.

ماده 26

(1) هر کس حق دارد که از آموزش و پرورش بهره مند شود. آموزش و پرورش لااقل تا حدودی که مربوط به تعلیمات ابتدائی و اساسی میشود باید مجانی باشد. آموزش ابتدائی اجباری است. آموزش حرفوی باید عمومیت پیدا کند و آموزش علی باید در شرایط تساوی کامل به روی همه باز باشد تا همه بنا به استعداد خود بتوانند از آن بهره مند گردند.

میثاق بین المللی حقوق اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی

ماده 12

(1) کشور های طرف این میثاق حق هر کس را به تمتع از بهترین حال سلامت جسمی و روحی ممکن الحصول به رسمیت می شناسند.

(2) تدابیری که کشور های طرف این میثاق برای تأمین استیفای کامل این حق اتخاذ خواهند کرد شامل اقدامات لازم برای تأمین امور ذیل خواهد بود.

الف- تقلیل میزان مرده متولد شدن کودکان - مرگ و میر کودکان و رشد سالم آنان.

ب- بهبود بهداشت محیط و بهداشت صنعتی از جمیع جهات.

ج- پیشگیری و معالجه بیماری های همه گیر- بومی- حرفه ای و سایر بیماریها همچنین پیکار علیه این بیماریها.

د- ایجاد شرایط مناسب برای تأمین مراجع پزشکی و کمکهای پزشکی برای عموم در صورت ابتلاء به بیماری.

ماده 13

1. کشور های طرف میثاق حق هر کس را به آموزش و پرورش به رسمیت می شناسند.

کشور های مزبور موافقت دارند که هدف آموزش و پرورش باید نمودی کامل شخصیت انسانی و احساس حیثیت آن و تقویت احترام به حقوق بشر و آزادی های اساسی باشد. علاوه بر این کشور های طرف این میثاق موافقت دارند که آموزش و پرورش باید کلیه افراد را برای ایفای نقش سودمند در یک جامعه آزاد آماده سازد و موجبات تفاهم و تساهل و دوستی بین کلیه ملل و کلیه گروه های نژادی - قومی یا مذهبی را فراهم آورد و توسعه فعالیت های سازمان ملل متحد را به منظور حفظ صلح تشویق نماید.

2. کشور های طرف این میثاق اذعان دارند که به منظور استیفای این حق:

الف- آموزش و پرورش ابتدائی باید اجباری باشد و رایگان در دسترس عموم قرار گیرد.

ب- آموزش و پرورش متوسطه به اشکال مختلف آن از جمله آموزش و پرورش فنی و حرفوی متوسطه باید تعمیم یابد و به کلیه وسایل مقتضی بویژه به وسیله معمول کردن تدریجی آموزش و پرورش مجانی در دسترس عموم قرار گیرد.

ج- آموزش و پرورش عالی باید به کلیه وسایل مقتضی بویژه بوسیله معمول کردن تدریجی آموزش و پرورش مجانی به تساوی کامل بر اساس استعداد هر کس در دسترس عموم قرار گیرد.

د- آموزش و پرورش پایه (اساسی) باید حتی الامکان برای کسانی که فاقد آموزش و پرورش ابتدائی بوده یا آنرا تکمیل نکرده باشند تشویق و تشدید گردد.

کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان

ماده 10

دولتهای عضو کلیه اقدامات مقتضی و لازم را برای محو هر گونه تبعیض علیه زنان در جهت تضمین حقوق برابر آنان با مردان در زمینه آموزش بویژه در موارد زیر بعمل خواهند آورد:

الف- شرایط مساوی برای رهنمود های شغلی و حرفوی جهت راهیابی به تحصیل و دستیابی مدارک از موسسات آموزشی در تمام سطوح مختلف در مناطق شهری و روستایی. این برابری می بایست در دوره های پیش دبستانی، عمومی، فنی، حرفوی و آموزش عالی فنی و نیز در تمام انواع دوره های کار آموزی حرفوی تضمین گردد.

ب- (امکان) راهیابی به دوره های تحصیلی امتحانات، کادر آموزش با کیفیتها و معیارهای یکسان و تجهیزات آموزشی با کیفیت های مساوی با مردان تضمین گردد.

ه- (ایجاد) فرصتهای یکسان برای راهیابی به برنامه های آموزشی مداوم (درازمدت) که شامل برنامه های مواد آموزشی عملی بزرگسالان بویژه برنامه های که هدف آنها کاهش هر چه سریعتر فاصله آموزشی است که بین زنان و مردان وجود دارد.

و- کاهش (درصد) تعداد دانش آموز دختر که ترک تحصیل میکنند و سازماندهی و برنامه ریزی برای دختران و زنانی که قبلاً ترک تحصیل کرده اند.

ماده 12

1. دولتهای عضو باید اقدامات لازم را برای محو تبعیض علیه زنان در زمینه مراقبت های بهداشتی به عمل آورند و براساس تساوی بین زن و مرد دسترسی به خدمات صحتی از جمله خدمات بهداشتی مربوط به تنظیم خانواده را تضمین نمایند.

2. دولتهای عضو، علاوه بر مقررات بند یک ای ماده، خدمات لازم را برای زنان در دوران بارداری، زایمان و دوران پس از زایمان تأمین نموده و در صورت لزوم خدمات رایگان در اختیار آنها قرار خواهند داد و همچنین در دوران بارداری و شیردادن، تغذیه کافی به آنها خواهند رساند.

ماده 14

1. دول عضو مشکلات خاص زنان روستایی را مدنظر قرار داده و به نقش مهمی که این زنان در جهت حیات اقتصادی خانواده های خود از جمله کار در بخش های غیرمالی اقتصادی به عهده دارند، توجه خاص مبذول خواهند داشت و کلیه اقدامات مقتضی را به عمل خواهند آورد تا مفاد کنوانسیون نسبت به زنان در مناطق روستایی اجرا گردد.

2. دول عضو کلیه اقدامات مقتضی را جهت رفع تبعیض از زنان در مناطق روستایی به عمل خواهند آورد تا این زنان براساس تساوی مردان و زنان در برنامه های توسعه روستایی شرکت نموده و از آن بهره مند گردند و بخصوص از حقوق زیر برخوردار شوند:

الف: شرکت در تدوین و اجرای برنامه های توسعه در کلیه سطوح.

ب: دسترسی به تسهیلات بهداشتی کافی از جمله اطلاعات، مشاوره و خدمات تنظیم خانواده.

ج: استفاده مستقیم از برنامه های تأمین (مصنوعیت) اجتماعی.

د: استفاده از انواع دوره ها و برنامه های آموزشی رسمی و غیررسمی از جمله سوادآموزی عملی و نیز بهره مندی از خدمات محلی و فوق العاده به منظور بالا بردن کارایی فنی آنان.

کنوانسیون حقوق طفل

ماده 24

1. کشورهای طرف کنوانسیون حق طفل را جهت برخورداری از بالاترین استاندارد بهداشت و از تسهیلات لازم برای درمان بیماری و توانبخشی به رسمیت می‌شناسند. آنان برای تضمین این که هیچ طفلی از رسیدن به این حق و دسترسی به خدمات بهداشتی محروم نخواهد شد، تلاش خواهند نمود.
2. کشورهای طرف کنوانسیون موضوع را تا اجرای کامل این حق دنبال خواهند کرد و خصوصاً در زمینه‌های ذیل روشهای مناسب را اتخاذ خواهند کرد.

الف) کاهش میزان مرگ و میر نوزادان و کودکان

ب) حصول اطمینان از فراهم نمودن کمک‌ها و مراقبت‌های بهداشتی برای تمام اطفال با تمرکز روی بهبود بهداشت اولیه.

3. کشورهای طرف کنوانسیون تمام اقدامات لازم و مناسب را برای زدودن رسوم که به صحت طفل زیان آور باشد، به عمل خواهد آورد.

ماده 28

1. کشورهای طرف کنوانسیون حق طفل را نسبت به آموزش و پرورش به رسمیت می‌شناسند و برای دستیابی تدریجی به این حق و براساس ایجاد فرصتهای مساوی، اقدامات ذیل را معمول خواهند داشت:

الف) اجباری و رایگان نمودن تحصیل ابتدائی برای همگان

ب) تشویق توسعه اشکال مختلف آموزش متوسطه منجمله آموزش حرفه‌ای و کلی، در دسترس قرار دادن این گونه آموزشها برای تمام اطفال و اتخاذ اقدامات لازم از قبیل ارائه آموزش و پرورش رایگان و دادن کمکهای مالی در صورت لزوم.

ج) در دسترس قرار دادن آموزش عالی برای همگان براساس توانائی‌ها و از هر طریق مناسب.

د) در دسترس قرار دادن اطلاعات و راهنمایی‌های آموزشی و حرفه‌ای برای تمام اطفال.

ه) اتخاذ اقداماتی جهت تشویق حضور مرتب اطفال در مکاتب و کاهش غیبت‌ها.